

انجیل لوقا

پیوسته برای تو ای عالیجناب تئوفیلوس بنویسم،^۴ تا به درستی تعلیمی که یافته ای کاملاً پی ببری.



تقدیم

از آنجا که بسیاری دست به نوشتن روایت رویدادهائی زده اند که بین ما به تحقق پیوسته است،^۲ برابر همان چیزی که کسانی که از آغاز، شاهدان عینی و خدمتگزاران کلام بودند، آن را به ما منتقل نموده اند،^۳ من نیز پنداشتم که نیکو باشد پس از پیگیری دقیق همه چیز از آغاز، آن را به شرح

۱-۴: مقدمه (مت ۱: ۱: ۱: ۱). ر. ک. اع ۱: ۱-۲. یو ۲۰: ۳۰-۳۱: ۲۵: ۲۵ نیز بیانگر اطلاعات مشابهی در خصوص منابع مورد استفاده نویسندگان انجیل است. این مقدمه ادبی مشابه جملات آغازین بسیاری از آثار کلاسیک یا یونانی، مخصوصاً کتب تاریخی است. بر این اساس، لوقا به نوشته های دیگر مسیحیان اولیه که قبلاً نوشته شده اند اشاره می کند، منابع خود را مورد تأیید قرار می دهد و نیاز یا هدف کار خود را تشریح می کند. ۳: تئوفیلوس یعنی «دوست خدا» و ممکن است خطاب به شخصی باشد که از موقعیت اجتماعی بالائی برخوردار بوده است، چرا که تئوفیلوس با عنوان «عالیجناب» خطاب شده و این عبارت اصولاً مختص کسانی بود که موقعیت والای رسمی یا جایگاه رفیع اجتماعی اقتصادی داشتند. در حالی که این عنوان ممکن است خطاب به شخص خاصی باشد، معنی نمادین این نام می تواند معرف هر مسیحی ایده آلی باشد، چنان که در قدیمی ترین تفسیرهای انجیل لوقا به همین صورت آمده است.

۵: ۲-۵۲ تولد و دوران کودکی عیسی

۵: ۱-۲۵ اعلام تولد یحیی تعمید دهنده. ۵: در روزگار هیروودیس پادشاه یهودیه اشاره به سال های ۳۷ تا ۴ قبل از میلاد است. زمان دقیق مورد نظر این روایت احتمالاً ۶ تا ۷ قبل از میلاد می باشد (ر. ک. مت ۱: ۲، ۱۵). گروه کاهنان ابیا هشتمین گروه از گروه های بیست و چهارگانه کاهنان بود (۱: ۲۴: ۱۰) که هر سال دو بار و هر بار یک هفته در معبد اورشلیم خدمت می کردند. این کاهنان از نسل لاویان بودند که هم از طرف نخست زادگان ذکور تمام قبایل اسرائیل و هم به جای آنان خدا را خدمت می کردند (اعد ۱۱: ۱-۱۳). الیصابات نیز به عنوان فردی از نسل هارون، اولین کاهن اسرائیل، از خاندان کهنانت محسوب می شد. ۷: ۵-۷ ذکر نام الیصابات، عادل بودن این زوج، بدون فرزند بودن آنها و نیز کهنسال بودن آنان، همگی بیانگر نوعی انتظار برای ظهور فرشته هستند و به طور مستقیم به خدمت زکریا در معبد ربطی ندارند. این توصیف، هم چنین بازتاب تصاویر و نوشته های کتاب مقدس عبری است (پید ۱۵: ۳: ۱: ۱۶: ۲: ۲۵: ۲: ۲۵).

فرزندى نداشتند زیرا ایصابت نازا بود و هر دو سالخورده بودند.^۸ پس چون [زکریا] در نوبت گروه خود، مشغول انجام وظایف کهنانتی در حضور خدا گردید،^۹ طبق رسم کهنانت، قرعه وارد شدن به قدس خداوند و سوزاندن بخور در آنجا به نام او درآمد.^{۱۰} و در وقت سوزاندن بخور، جمیع قوم در بیرون به نیایش مشغول بودند.^{۱۱} ناگاه فرشته خداوند بر او ظاهر شد که به طرف راست محل سوزاندن بخور ایستاده بود.^{۱۲} و زکریا با دیدن این، پریشان گردید و ترس او را فراگرفت.^{۱۳} اما فرشته به او گفت: «ای زکریا، ترسان مباش زیرا دعای تو مستجاب شده و همسرت ایصابت برای تو پسری خواهد زائید که او را یحیی خواهی نامید.^{۱۴} و برای تو شادی و سرور خواهد بود و بسیاری از توگلد او شادمان خواهند شد.^{۱۵} زیرا در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و نه شراب خواهد نوشید، نه نوشیدنی‌های مُسکر و از همان بطن مادرش پر از روح القدس خواهد بود،^{۱۶} و بسیاری از پسران اسرائیل را به سوی خداوند، خدایشان باز خواهد گردانید.^{۱۷} و خود او با روح و قدرت الیاس در حضور خداوند گام برخواهد داشت تا قلب پدران را به سوی فرزندان و سرکشان را به حکمت عادلان برگرداند، تا قومی آماده برای خداوند فراهم آورد.»

مژده تولد عیسی

^{۲۶} در ماه ششم، از سوی خدا جبرائیل فرشته به شهری از جلیل به نام ناصره فرستاده شد^{۲۷} نزد

داور ۱۳: ۲-۳؛ ۱ سمو ۲: ۱-۲؛ خروج ۳: ۶-۸). ۹: امتیاز سوزاندن بخور در قدس الاقداس معبد به طور معمول تنها یک بار در تمام عمر نصیب یک کاهن می شد. ۱۳: نام یحیی (عبری: یوخنان) یعنی «خدا لطف نشان داده است». ۱۵: اعد ۱-۴؛ داور ۱۳: ۴-۵، ۱ سمو ۱۱: ترجمه هفتادتنان. ۱۷: در حضور او گام برخواهد داشت، یعنی او پیشگام مسیح موعود خواهد بود (ملا ۴: ۵-۶، مت ۱۱: ۱۴). در مورد الیاس، ر. ک ۱ پاد ۱۷-۱۹، ۲۱. ۱۹: جبرائیل یعنی «خدا قدرت من است» و یکی از دو فرشته ای است که در کتاب مقدس عبری از آنها نام برده شده است (دان ۸: ۱۶؛ ۹: ۲۱). ۲۵: در میان یهودیان، نازایی به عنوان نشانه ای از بی لطفی و غضب خدا تلقی می شد و بنابراین باعث شرمندگی بود (ر. ک پید ۲: ۱۶؛ ۲۱: ۲۵؛ ۲۳: ۳۰؛ ۱ سمو ۱: ۱۸-۱؛ لاو ۲۰: ۲۰-۲۱؛ مز ۱۲۸: ۳؛ ارا ۲۲: ۳۰).

۱: ۲۶-۳۸: اعلام تولد عیسی. ۲۶: در ماه ششم، بعد از بارداری ایصابت به یحیی. ناصره، روستائی

خداوند؛ برابر گفتار تو بر من واقع شود!» و فرشته او را ترک کرد.

دیدار مریم از ایصابات

^{۳۹} در آن روزها، مریم برخاسته شتابان به شهری در کوهستان یهودیه رفت. ^{۴۰} و به خانه زکریا وارد شده به ایصابات سلام کرد. ^{۴۱} باری همین که ایصابات سلام مریم را شنید، طفل در بطنش به حرکت آمد و ایصابات از روح القدس پر شد؛ ^{۴۲} و فریادی بلند کشیده گفت: «تو در بین زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره بطن تو!» ^{۴۳} از کجا به من عطا شده که مادر خداوندم نزد من آید؟ ^{۴۴} زیرا همین که صدای سلام تو به گوش من رسید، بچه از شادی در بطن من به حرکت آمد. ^{۴۵} خوشا به حال کسی که به انجام آنچه از سوی خداوند به او گفته شده ایمان آورد!»

^{۴۶} و مریم گفت:

«جان من کبریائی خداوند را می ستاید،

^{۴۷} و روح من در نجات دهنده ام خدا، شادی می کند،

^{۴۸} چون که بر فروتنی کنیز خود نظر افکنده است،

زیرا از این پس همه نسل ها مرا خوشبخت خواهند خولند؛

^{۴۹} زیرا آن قادر برای من کارهای بزرگی کرده و نامش قدوس است.

باکره ای در عقد مردی یوسف نام از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود. ^{۲۸} همین که به خانه او وارد شد گفت: «شادی نما، ای سرشار از فیض! خداوند با توست.» ^{۲۹} مریم با شنیدن این سخن به شدت پریشان گردید و از خود می پرسید که معنای این درود چه می تواند باشد. ^{۳۰} و فرشته به او گفت: «ای مریم ترسان مباش، زیرا تو نزد خدا فیض یافته ای. ^{۳۱} و اینک باردار خواهی شد و پسری خواهی آورد و او را عیسی خواهی نامید. ^{۳۲} او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد و خداوند، خدا تخت پدرش داود را به او خواهد داد، ^{۳۳} و بر خاندان یعقوب تا به ابد فرمانروائی خواهد کرد و فرمانروائی اش را پایانی نخواهد بود.» ^{۳۴} مریم به فرشته گفت: «این چگونه می شود؟ زیرا من مردی را نشناخته ام.» ^{۳۵} و فرشته در پاسخ به او گفت:

«روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال تو را زیر سایه خود خواهد گرفت؛ به این سبب، آن وجود قدوسی که زاده خواهد شد پسر خدا نامیده خواهد گردید.

^{۳۶} و اینک ایصابات، از خویشان تو نیز در سن پیری باردار پسری است و در ماه ششمش می باشد، او را که نازا می نامیدند؛ ^{۳۷} زیرا برای خدا هیچ امری ناممکن نیست.» ^{۳۸} مریم گفت: «اینک کنیز

کوچک (ر. ک یو: ۱: ۴۶) در جنوب استان جلیل. ^{۳۱}: عیسی، عبری: یهوشوعا به معنی «خدا نجات می دهد» (ر. ک مت ۱: ۲۱). ^{۳۲}: پسر باریتعالی، اشاره تلویحی هم به الوهیت (ر. ک بنسی ۴: ۱۰) و هم به اقتدار شاهانه است (ر. ک ۲ سمو: ۷-۱۳-۱۶؛ لو: ۳۵: ۷۶، ۳۵: ۶؛ ۲۷: ۸؛ اع: ۷: ۴۸؛ ۱۶: ۱۷). ^{۳۶}: ایصابات ... باردار پسری است، فرشته نکاتی تشویق آمیز و تأیید کننده به مریم ارائه می دهد که او بلافاصله اقدام می کند (آیه ۳۹).

۱: ۳۹-۵۶: مریم و ایصابات. ^{۴۱}: پر شدن ایصابات از روح القدس، همچنین ممکن است به معنی حضور و قدرت روح القدس در رابطه با یحییای متولد نشده در رحم او باشد. ^{۴۳}: عیسی قبل از تولدش به عنوان خداوند شناخته شده است. ^{۴۶-۵۵}: این آیات حاوی اولین «غزل» یا «سرود» در روایات کودکی عیسی در

بستگان تو کسی نیست که به این نام خوانده شود.»
 ۶۲ و با اشاره از پدرش پرسیدند که می‌خواهد به چه نامی نامیده شود. ۶۳ وی لوحه‌ای خواسته نوشت: «نام او یحیی است» و همه شگفت‌زده شدند.
 ۶۴ در همان لحظه دهان و زبان‌ش باز شد و به سخن درآمد خدا را متبارک می‌خواند. ۶۵ و همه همسایگان را ترس فراگرفت، و در تمام کوهستان یهودیه در باره این امور گفتگو می‌کردند. ۶۶ و همه کسانی که این سخنان را شنیدند، در دل خود تفکر نموده می‌گفتند: «این کودک چه خواهد شد؟» و در واقع دست خدا با او می‌بود.

مزمور پیامبرانه زکریا

۶۷ و پدرش زکریا، از روح القدس پر شده چنین نبوت کرد:

۶۸ «مبارک باد خداوند، خدای اسرائیل،

زیرا به دیدار قومش آمده و بازخیرد آن را به انجام رسانده است،

۶۹ و در خاندان داود، خادم خود، شاخ نجاتی برای ما برافراشته است،

۷۰ چنان که از قدیم به زبان پیامبران مقدس خود گفته بود،

۷۱ تا ما را از دست دشمنانمان نجات دهد

و از دست تمام کسانی که از ما نفرت دارند،

۵۰ و رحمتش نسل در نسل، ترسندگان او را در برمی‌گردد.

۵۱ او قدرت بازوی خود را گسترده

و کسانی را که دل متکبر دارند پراکنده ساخته است.

۵۲ فرمانروایان را از تخت‌هایشان سرنگون ساخته

و فروتنان را سرافراز کرده است.

۵۳ گرسنگان را به نعمت سیر کرده

و ثروتمندان را تهیدست رانده است.

۵۴ با یادآوری از رحمت خود

خادم خویش اسرائیل را یاری داده است،

۵۵ چنان که به پدران ما گفته بود

به ابراهیم و فرزندان او تا به ابد.»

۵۶ مریم حدود سه ماه با او ماند و سپس به خانه‌اش بازگشت.

تولد و ختنه یحیی تعمید دهنده

۵۷ و اما درباره‌ی یصابات چون هنگام زایمان او

رسید، پسری به دنیا آورد. ۵۸ و همسایگان و

بستگانش چون شنیدند که خداوند رحمت عظیم

خود را به او ارزانی داشته، با وی شادی کردند.

۵۹ باری در روز هشتم، برای ختنه کودک آمدند و

می‌خواستند نام پدرش زکریا را بر او بگذارند.

۶۰ مادرش به سخن درآمده گفت: «خیر، بلکه او

یحیی نامیده خواهد شد.» ۶۱ به وی گفتند: «از

انجیل لوقا هستند. این «سرود» با عنوان «سرود ستایش مریم» معروف است. مقایسه کنید با نیایش حنا در

۱ سمو ۱-۱۰، متنی که شباهت زیادی با این آیات دارد. ۵۵: پید ۱۷:۱۸؛ ۱۸:۱۸؛ ۱۷:۲۲؛ میک ۷:۲۰.

۵۷:۱-۶۶: تولد و نامگذاری یحیی. ۵۹: لاو ۱۲:۳؛ پید ۱۷:۱۲؛ لو ۲۱:۲۱. ۶۵: ترس (که در ۲۶:۵

«شگفتی» ترجمه شده) بیانگر آگاهی و شناخت حاکی از احترام و فروتنی نسبت به محدودیت‌های ادراک و

توانایی بشری در برابر خدا است (۲: ۹؛ ۱۶: ۷؛ اع ۲: ۴۳، ۴۶-۴۷؛ ۵: ۵؛ ۱۱؛ ۱۷: ۱۹).

۶۷:۱-۷۹: سرود زکریا (بندیکتوس). دومین سرود که «سرود زکریا (مبارک باد)» نامیده می‌شود.

۷۲ تا رحمت خود بر پدران ما را به خاطر آورد
و پیمان مقدس خویش را یادآوری کند،
۷۳ آن سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد،
تا به ما عطا فرماید

۷۴ که از دست دشمنانمان رهائی یافته،

بدون ترس او را عبادت کنیم،
۷۵ با تقدس و عدالت در حضور او،

در تمام روزهای عمر خود.

۷۶ و تو ای کودک، پیامبر خدای متعال نامیده
خواهی شد، زیرا پیشاپیش خداوند گام برخوایی
داشت تا راههای او را آماده کنی،

۷۷ تا آمرزش گناهان و نجات را به قومش خبر دهی،
۷۸ و به ترجم دلسوزانه خدای ما

که با آن ستاره درخشان، از بالا به دیدار ما
خواهد آمد

۷۹ تا بر کسانی که در تاریکی و سایه مرگ
نشسته اند بدرخشد

و گامهای ما را در مسیر آرامش هدایت کند.»

دوران جوانی یحیی تعمید دهنده

۸۰ و اما کودک رشد می کرد و در روح قوی
می شد؛ و در بیابان بود تا روزی که بر اسرائیل
نمایان گردید.



تولد عیسی

۱ باری، در آن روزها، فرمانی از سوی قیصر
اگوستس صادر شد تا مردمان سراسر کشور را
سرشماری کنند. ۲ این نخستین سرشماری هنگامی
انجام شد که کرینئوس فرماندار سوریه بود. ۳ پس
همه برای سرشماری می رفتند، هر کس به شهر
خود. ۴ یوسف نیز از شهر ناصره در جلیل به سوی
یهودیه، به شهر داود که بیت لحم نام دارد روانه شد،
زیرا او از خاندان و نسل داود بود ۵ تا با مریم که در
عقد وی و باردار بود سرشماری شود.

۶ باری هنگامی که آنجا بودند، وقت زایمان او
سر رسید. ۷ و پسرش، نخست زاده خود را زائید و او

که طبق آن، شاخ استعاره قدرت است (مز ۱۸: ۳؛ ۷۵: ۵-۶؛ ۸۹: ۱۸؛ ۱۱۲: ۹؛ ۱۴۸: ۱۴) و در اینجا اشاره
به کسی است که نجات را خواهد آورد، ر. ک مز ۹۲: ۱۰-۱۱؛ ۱۳۲: ۱۷-۱۸. ۷۶. ر. ک ۴: ۳. ۸۰. کلمات
این آیه در برگزیده دورانی حدود سی سال است (ر. ک ۲۳: ۳). در بیابان، ر. ک ۴: ۳.

۱-۷: ولادت عیسی (مت ۱: ۱۸-۲۵). ۱: سرشماری عمومی شهروندان رومی در سالهای ۲۸ قبل از
میلاد، ۸ قبل از میلاد و ۱۴ بعد از میلاد مورد تأیید مورخان است، اما سرشماری مورد نظر لوقا که در
حکومت قیصر اگوستوس انجام شد، در اسناد و متون خارج از عهد جدید اشاره نشده است. قیصر اگوستوس
از سال ۲۷ قبل از میلاد تا ۱۴ میلادی امپراتور روم بود. فرمانروایی او را دورانی از آرامش می دانند که به
«صلح اگوستوس» (pax Augusta) مشهور بود و باعث شده بود مردم او را به عنوان خداوند و نجات دهنده
دنیا ستایش کنند. ۲: کرینئوس در این زمان نماینده تام الاختیار یا فرماندار منصوب اگوستوس در جنگ بر
ضد قبیله شورشی «همونادین ها» بود. به این ترتیب او فرماندار نظامی سوریه بود در حالی که حکومت
غیرنظامی در دستان رومی دیگری به نام واروس قرار داشت. این امکان وجود دارد که کرینئوس در سوریه به
عنوان مسئول دولتی در دو زمان مختلف فعالیت کرده باشد، ۶-۴ قبل از میلاد و ۶-۹ بعد از میلاد.
۷: عبارت پسر نخست زاده هیچ چیزی راجع به اینکه مریم بعدها بچه دار شده بیان نمی کند. کلمه نخست زاده

را در قنذاق پیچیده در آخوری خوابانید زیرا در مسافرخانه جائی برای آنان نبود.

بشارت به شبانان

^۸ و در همان ناحیه شبانانی بودند که در صحرا زندگی می کردند و در شب از گله های خود پاسبانی و مراقبت می نمودند. ^۹ و فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد و شکوه خداوند بر گرداگرد آنان درخشید و بسیار ترسان شدند. ^{۱۰} و فرشته به ایشان گفت: «نترسید زیرا اینک مژده ای به شما می دهم که شادی بزرگی برای همه قوم خواهد بود. ^{۱۱} امروز برای شما در شهر داود نجات دهنده ای متولد شده که مسیح خداوند است. ^{۱۲} و نشانه آن برای شما این است که طفلی در قنذاق پیچیده و در آخوری خوابیده خواهید یافت.» ^{۱۳} و ناگهان همراه فرشته، گروهی عظیم از لشکر آسمانی ظاهر شدند که خدا را ستایش کرده می گفتند:

^{۱۴} «خدا را در برترین آسمان ها جلال باد

و بر زمین آرامش بر انسانهایی که از آنان خوشنود است!»

^{۱۵} باری چون فرشتگان از نزد ایشان به سوی آسمان رفتند، شبانان به یکدیگر می گفتند: «حال به بیت لحم برویم و آنچه را که واقع شده و خداوند به ما خبر داده است، ببینیم.» ^{۱۶} پس با شتاب رفته مریم و یوسف و طفل را در آخور خوابیده یافتند. ^{۱۷} چون دیدند، هر آنچه را که درباره این کودک گفته شده بود خبر دادند. ^{۱۸} و هر که می شنید، از آنچه شبانان می گفتند شگفت زده می شد. ^{۱۹} اما مریم، همه این چیزها را به خاطر سپرده در دل خود تفکر می کرد. ^{۲۰} و شبانان بازگشتند در حالی که خدا را حمد و ستایش می کردند برای همه چیزهایی که شنیده و دیده بودند، چنان که به آنها گفته شده بود.

ختنه عیسی، تقدیم به معبد. نبوت شمعون و حنا

^{۲۱} چون روز هشتم، زمان ختنه کودک فرارسید، او را عیسی نام نهادند، نامی که فرشته قبل از قرار گرفتنش در رحم به او داده بود. ^{۲۲} و چون روزهای تطهیر آنان مطابق تورات موسی به پایان رسید، او را به اورشلیم بردند تا به خداوند

بیشتر اصطلاحی فنی است که در اشاره به کودکی بکار می رود که تمام و کمال از آن خدا است و به او تعلق دارد (اعد ۱۱-۱۳). قنذاق، تکه هایی از پارچه که معمولاً به منظور آرام نمودن و گرم کردن نوزاد را در آن می پیچیدند.

۸:۲-۲۰: اعلام بشارت به شبانان و دیدار آنها (ر. ک مت ۱:۲-۱۲). ۸: این موضوع که شبانان در صحرا زندگی می کردند بیانگر هیچ نکته ای درباره زمان و فصل تولد عیسی نیست. ۱۱: در این آیه، عیسی با سه عنوان اولیه در ایمان مسیحی نام برده شده است: نجات دهنده، مسیح و خداوند (ر. ک مت ۱:۲۱؛ ۱۶:۱۶؛ یو ۴:۴۲؛ اع ۲:۳۶؛ ۵:۳۱؛ فی ۲:۱۱). ذکر عیسای نوزاد به عنوان خداوند حیرت آور است (ر. ک ۱:۴۳)، زیرا کلمه یونانی *kyrios* اصطلاح بسیار دقیق و محدودی است که در سراسر ترجمه یونانی کتاب مقدس، معروف به هفتادتنان، همواره برای کلمه چهار حرفی «یهوه» (عبری *yhwh*) یعنی نام قدوس و شخصی خدا بکار رفته است. ۱۴: سرود سوم.

۲۱-۳۸: ختنه و تقدیم عیسی ۲۲-۲۳: خروج ۲، ۱۲، ۱۵؛ لاو ۵:۱۱؛ ۸:۱۲. عبارت تطهیر آنان دارای ابهام است و احتمالاً اشاره به والدین دارد، هر چند که هیچ رسمی در مورد طهارت پدر (یا نوزاد) وجود

تقدیم کنند،^{۲۳} چنان که در تورات خداوند نوشته شده است: «هر نخست زادهٔ پسر به خداوند وقف شود»^{۲۴} و برای قربانی نیز «یک جفت قمری یا دو جوجه کبوتر» مطابق آنچه در تورات خداوند آمده است.

^{۲۵} و اینک در اورشلیم شخصی شمعون نام زندگی می کرد و او مردی عادل و خداترس و در انتظار تسلی بنی اسرائیل بود و روح القدس بر او بود.^{۲۶} و از روح القدس به او الهام شده بود که تا مسیح خداوند را نبیند، مرگ را نخواهد دید.^{۲۷} او به هدایت روح القدس به معبد درآمد و هنگامی که والدین عیسی، کودک را برای انجام رسم تورات که در بارهٔ وی مقرر بود می آوردند^{۲۸} او را در آغوش خود گرفت و خدا را مبارک خوانده گفت:

^{۲۹} «اکنون ای خداوند، بر طبق گفتار خود

بندهٔ خویش را در آرامش مرخص فرما،

^{۳۰} زیرا چشمان من نجات تو را دیده اند،

^{۳۱} که در حضور همهٔ قومها فراهم کرده ای،

^{۳۲} نوری که بر ملتها مکشوف شود

و شکوه قوم تو اسرائیل باشد.»

^{۳۳} و پدر و مادرش از آنچه دربارهٔ او گفته می شد، شگفت زده بودند.^{۳۴} و شمعون آنان را برکت داده

به مادرش مریم گفت: «اینک این کودک باعث افتادن و برخاستن بسیاری در اسرائیل و نشانهٔ تناقض ها خواهد بود،^{۳۵} و نیز شمشیری دل تو را خواهد شکافت تا افکار دلهای بسیاری آشکار شود.^{۳۶} و نبیه ای بود به نام حنا، دختر فنوئیل از قبیلهٔ اشیر که بسیار سالخورده بود و پس از دوشیزگی، هفت سال با شوهرش بسر برده بود،^{۳۷} بعد بیوه شده بود و به سن هشتاد و چهار سالگی رسیده از معبد دور نمی شد و با روزه ها و نیایش ها شب و روز خدا را عبادت می کرد.^{۳۸} و در همان ساعت پیش آمده خدا را ستایش می کرد و به همهٔ کسانی که در انتظار رهایی اورشلیم بودند از کودک سخن می گفت.

کودکی عیسی در ناصره

^{۳۹} و چون تمامی رسوم تورات خداوند را انجام دادند، به شهر خود، ناصره جلیل بازگشتند.^{۴۰} و اما کودک رشد می کرد و قوی می شد و سرشار از حکمت می شد و فیض خدا بر او می بود.

نخستین سخنان عیسی در معبد

^{۴۱} و والدینش هر سال برای عید گذر به اورشلیم می رفتند.^{۴۲} و چون او دوازده ساله شد به رسم عید

نداشت. علاقهٔ لوقا به این رسم، به دلیل موقعیت پیش آمده برای والدین عیسی جهت بردن او به معبد است. ۲۵-۳۸: شمعون و حنا که ما دربارهٔ آنان چیز دیگری نمی دانیم، عیسی را به عنوان نجات دهنده و فدیة دهنده اعلام می کنند. ۲۹-۳۲: سرود چهارم، معروف به سرود شمعون که کلمات آغازین آن در زبان لاتین: *Nunc dimitti* است و بیشتر به این عنوان خوانده می شود. ۳۰-۳۱: ر. ک ۳: ۶. ۳۲: ر. ک اش ۴۹: ۶؛ ۳۳. ۱۳: ۴۶: لوقا در اینجا (برخلاف ۱: ۳۴-۳۵) یوسف را پدر عیسی خطاب می کند، چون او شوهر مریم و پدر قانونی عیسی بود (ر. ک مت ۱۳: ۵۵؛ لوقا ۲: ۴۸؛ ۲۳: ۳).

۲: ۳۹-۴۰: دوران کودکی عیسی در ناصره (مت ۲: ۲۲-۲۳).

۲: ۴۱-۵۲: عیسای نوجوان در معبد. این روایت از نوجوانی عیسی، در میان اناجیل برحق، تنها در لوقا آمده است، هر چند بعدها نوشته های افسانه ای هم به این دوره از زندگی عیسی که جز روایت لوقا چیزی از آن نمی دانیم علاقه نشان دادند و مطالب بسیاری به وجود آوردند. ۴۱: خروج ۲۳: ۱۵؛ تث ۱۶: ۱-۸.

در نیافتند.^{۵۱} و همراه ایشان روانه شده به ناصره آمد و مطیع آنان می بود و مادرش همه این چیزها را در دل خود نگاه می داشت.^{۵۲} و عیسی در حضور خدا و انسانها به حکمت و قامت و فیض رشد می کرد.



الهام انبیائی یحیی تعمید دهنده

^۱ در پانزدهمین سال سلطنت تیربوس قیصر، هنگامی که پنطیوس پیلطس فرماندار یهودیه و هیروдіس حاکم جلیل، برادرش فیلیپس حاکم ایثوریه و تراخونیتیس، و لیسانیوس حاکم آبلیه بود،^۲ در زمانی که حنا و قیافا کاهنان اعظم بودند، کلام خدا به یحیی پسر زکریا در بیابان رسید.^۳ و او به سراسر ناحیه اردن آمده موعظه می کرد که برای بخشایش گناهان توبه کنند و تعمید گیرند.^۴ چنان

به آنجا رفتند.^{۴۳} و همین که روزهای عید به سر رسید، چون برمی گشتند، عیسیای کودک در اورشلیم ماند و والدینش نمی دانستند.^{۴۴} ایشان به گمان اینکه وی همراه کاروان است یک روز راه را سفر کردند و او را در میان خویشان و آشنایان خود جستجو می کردند.^{۴۵} و چون او را نیافتند، همچنان در جستجوی او به اورشلیم برگشتند.^{۴۶} باری پس از سه روز او را در معبد یافتند که در میان استادان نشسته به آنان گوش می داد و از آنان سؤال می کرد.^{۴۷} و هر که سخنان او را می شنید از هوش و جوابهایش شگفت زده می شد.^{۴۸} چون او را دیدند حیرت کردند و مادرش به وی گفت: «فرزندم، چرا با ما چنین کردی؟ اینک پدرت و من با نگرانی در جستجوی تو بودیم.»^{۴۹} و او به آنان گفت: «چرا در جستجوی من بودید؟ مگر نمی دانستید که من باید در کارهای پدر خود باشم؟»^{۵۰} و ایشان سخنی را که به آنان گفته بود

^{۴۹}: کارهای پدرم، بیانگر رابطه خاص بین عیسی و خدا است و در تضاد با اشاره مریم به یوسف به عنوان «پدرت» (آیه ۴۸) قرار دارد. ^{۵۲}: ۱ سمو ۲: ۲۶؛ لوقا ۸۰: ۲؛ ۴۰.

^۳: ۱-۱۳: ۴-۱۳: ۴ آماده شدن عیسی برای خدمت (مت ۳: ۱-۴: ۱۱؛ مر ۲: ۱۳-۱۳).

^۳: ۱-۶: ظهور یحیی تعمید دهنده (مت ۳: ۱-۶؛ مر ۱: ۲-۶). ^۱: تیربوس قیصر در سال ۱۴ میلادی جانشین اگوستوس شد و تا سال ۳۷ میلادی سلطنت کرد. بنابراین طبق شیوه سال شماری، زمانی مابین ۲۶ تا ۲۹ میلادی مد نظر است. پنطیوس پیلطس، فرماندار رومی که مابین سالهای ۲۶ تا ۳۶ میلادی بر یهودیه، سامره و ادومیه حکمرانی می کرد، ر.ک ۱: ۲۳ و غیره. آنچه از قلمرو پادشاهی هیروдіس کبیر باقی مانده بود، بین پسرانش هیروдіس آتیباس، حاکم جلیل و پره (۶: ۲۳-۷) و فیلیپس تقسیم شد. در ابتدا پسر دیگرش، هیروдіس آرکلاؤس به عنوان حاکم یهودیه از سال ۴ قبل از میلاد حکمرانی می کرد ولی او بعداً از حکمرانی خلع و تبعید شد و حاکمی رومی جانشین او گردید (ر.ک مت ۲: ۲۲). ^۲: حنا مابین سالهای ۶ تا ۱۵ میلادی کاهن اعظم بود تا اینکه رومی ها او را خلع کردند. جانشینان او از بستگانش بودند، ابتدا پسرش الیعازر، سپس دامادش قیافا (۱۸-۳۶ میلادی) و بعد از آن چهار پسر دیگرش. چون رسم یهودیان این بود که خدمت کاهن اعظم تمام عمر باشد، حتی وقتی که دیگر منصبی نداشته باشد، نفوذ و اقتدار حنا در میان مردم همچنان پا بر جا بود. ^۳: خلاصه ای از روش و ماهیت خدمت یحیی. اعلام یحیی به تعمید منتهی می شود، تعمید توبه که عملی نمادین برای پاکی به جهت همراه شدن با اراده خدا در بخشش تعمید یافتگان

ثمرات توبه

^{۱۰} و جماعت از او پرسیده می گفتند: «پس چه کنیم؟» ^{۱۱} در پاسخ به ایشان می گفت: «هر که دو جامه دارد به آن که ندارد بدهد و آن که خوراک دارد نیز چنین کند.» ^{۱۲} هم چنین باجگیران برای این که تعمید یابند آمدند و به وی گفتند: «ای استاد ما چه باید بکنیم؟» ^{۱۳} و وی به ایشان گفت: «زیاده از آنچه بر شما مقرر است، نخواهید.» ^{۱۴} سربازان نیز از وی پرسیده می گفتند: «و ما چه باید بکنیم؟» و وی به ایشان گفت: «به کسی آزار مرسانید و به کسی اجحاف مکنید و به دستمزد خود قانع باشید.»

اعلام آن کس که می آید

^{۱۵} چون قوم در انتظار می بود و همه در دل‌های خود در باره یحیی می پرسیدند که آیا او مسیح نیست؟ ^{۱۶} یحیی به سخن درآمده در پاسخ به همه ایشان گفت: «من شما را به آب تعمید می دهم اما او می آید، آن که از من تواناتر است و من لایق نیستم تا بند پای پوششایش را باز کنم، وی شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد.» ^{۱۷} او چارشاخ در دستش دارد تا خرمن خود را پاک کرده گندم را در انبار خود جمع کند اما کاه را در آتشی

که در کتاب سخنان اشعیا پیامبر نوشته شده است: صدای آن کس که در بیابان فریاد برمی آورد: راه خداوند را آماده سازید، راه‌های او را راست گردانید، ^۵ هر دره‌ای پر خواهد شد و هر کوه و تپه‌ای پست خواهد گردید و راه‌های کج راست خواهند شد و جاده‌های ناهموار، هموار خواهند شد. ^۶ و تمامی بشر نجات خدا را خواهند دید.

تهدید داوری

^۷ پس به جماعتی که برای تعمید گرفتن نزدش می آمدند می گفت: «ای افعی زادگان، چه کسی گریز از خشم آینده را به شما نشان داده است؟» ^۸ پس ثمرات شایسته توبه بیاورید و پیش خود نگویید ابراهیم پدر ما است، زیرا به شما می گویم که خدا قادر است از همین سنگها فرزندان برای ابراهیم برپا سازد. ^۹ هم اکنون تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است، پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد بریده و در آتش افکنده خواهد شد.»

است. ۴-۶: اش ۴۰: ۳-۵. ۶: تمامی بشر یعنی تمام انسان‌ها و تأکید دارد که نجات خدا ماهیت جهان شمول دارد، ر.ک ۲: ۳۰-۳۲؛ اع ۲: ۲۱.

۳: ۷-۹: دعوت یحیی برای توبه (مت ۳: ۷-۱۰). ۸: این گفتار که ابراهیم پدر ما است بیانگر این ادعا بود که شخص، جایگاه خاص و ممتازی در ارتباط با خدا از طریق تولد جسمانی دارد (ر.ک یو ۸: ۳۳، ۳۹: روم ۲: ۲۸-۲۹). ۹: آتش نمادی از داوری، معمولاً داوری زمان آخر است (ر.ک ۱۳: ۱۶؛ ۱۶: ۲۴).

۳: ۱۰-۱۴، دستورات یحیی به جماعت. ۱۱: جامه، پیراهن بلندی که معمولاً زیر ردا پوشیده می شد.

۳: ۱۵-۱۸: اعلام یحیی درباره مسیح موعود (مت ۳: ۱۱-۱۲؛ مر ۷: ۸). ۱۶: وی شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد، وعده یا نبوتی که در روز پنطیکاست به تحقق خواهد رسید (اع ۲: ۱-۴).

خاموش نشدنی خواهد سوزاند.»^{۱۸} همچنین با سخنان بسیار دیگری به قوم نوید می داد.

پایان رسالت یحیی تعمید دهنده

^{۱۹} با وجود این هیروودیس تیترارک که توسط یحیی به خاطر هیروودیا، زن برادرش و برای تمام شرارت‌هایی که مرتکب شده بود سرزنش می شد ^{۲۰} این یکی را نیز به همه آنها اضافه کرد و یحیی را در زندان به بند کشید.

تعمید عیسی

^{۲۱} باری چون همه قوم تعمید یافته بودند و عیسی هم که تعمید یافته، در نیایش می بود آسمان گشوده شد. ^{۲۲} و روح القدس به صورت جسمانی، چون کبوتری بر او نازل شد و صدائی از آسمان در رسید: «تو پسر محبوب من هستی، و من از تو خوشنودم.»

نسب نامه عیسی

^{۲۳} و عیسی در آغاز خدمت خود حدود سی سال داشت و چنان که گمان می کردند، پسر یوسف بود،

پسر هالی ^{۲۴} پسر متّات، پسر لاوی، پسر ملکی، پسر ینا، پسر یوسف، ^{۲۵} پسر متّاتیا، پسر آموس، پسر ناحوم، پسر حسلی، پسر نجّای ^{۲۶} پسر مات، پسر متّاتیا، پسر شمعین، پسر یوسک، پسر یودا، ^{۲۷} پسر یوحنا، پسر ریسّا، پسر زروبابل، پسر شالتئیل، پسر نیری ^{۲۸} پسر ملکی، پسر ادی، پسر قوسام، پسر ایلمودام، پسر غیر ^{۲۹} پسر یسوع، پسر ایلعازر، پسر یوریم، پسر متّات، پسر لاوی ^{۳۰} پسر شمعون، پسر یودا، پسر یوسف، پسر یونام، پسر ایلیا قیم، ^{۳۱} پسر ملیا، پسر منا، پسر متّاتا، پسر ناتان، پسر داود ^{۳۲} پسر یسّا، پسر عوبید، پسر بوغز، پسر شلمون، پسر نحشون، ^{۳۳} پسر عمیناداب، پسر آدمین، پسر آرنی، پسر حصرون، پسر فارص، پسر یهودا، ^{۳۴} پسر یعقوب، پسر اسحاق، پسر ابراهیم، پسر تارح، پسر ناحور ^{۳۵} پسر سروج، پسر رعو، پسر فالج، پسر عابر، پسر شالح، ^{۳۶} پسر قنیا، پسر ارفکشداد، پسر سام، پسر نوح، پسر لامک ^{۳۷} پسر متوشالچ، پسر خنوخ، پسر یارد، پسر مهلئیل، پسر قنیا، ^{۳۸} پسر انوش، پسر شیت، پسر آدم، پسر خدا.

۱۹-۲۰: زندانی شدن یحیی توسط هیروودیس (مت ۱۴: ۳-۴؛ مر ۱۷-۱۸). هیروودیس آنتیپاس دختر پادشاه نبطیه را طلاق داده بود تا با خواهر زاده خود هیروودیا ازدواج کند که با بردار آنتیپاس به نام هیروودیس فیلیپ ازدواج کرده بود. در انجیل لوقا، روایت زندانی شدن یحیی قبل از تعمید عیسی ذکر شده است، ر.ک مت ۱۴: ۳-۴؛ مر ۱۷-۱۸.

۲۱-۲۲: تعمید عیسی (مت ۱۳: ۱۷-۱۹؛ مر ۱۱-۹). ^{۲۱} نیایش، عملی مرتب و دائمی در زندگی عیسی و نیز موضوعی شاخص در روایات انجیل لوقا است (۵: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۱۸، ۲۸؛ ۱۱: ۱؛ ۲۲: ۳۲، ۴۱-۴۶). ^{۲۲} ر.ک مر ۲: ۷؛ اش ۴۲: ۱. این صدای آسمانی بار دیگر در هنگام تجلی عیسی (۹: ۳۵) سخن خواهد گفت.

۲۳-۳۸: شجره نامه عیسی (مت ۱: ۱-۱۶). لوقا نسب نامه عیسی را تا آدم ابوالبشر پی گیری می کند، (پید ۵: ۱) و با متصل کردن نسب عیسی به خلقت اولیه خدا، انسانیت مشترک او با بقیه مردمان را نشان می دهد و اعتبار نامه او به عنوان نجات دهنده جهان را ارائه می دهد. ۲۳-۲۷: در مورد اشخاص نام برده شده از هالی تا زروبابل، به غیر از این متن چیزی نمی دانیم. در مورد بقیه اسامی ر.ک پید ۵: ۳-۳۲؛ ۱۱: ۱-۲۶؛ روت ۴: ۱۸، ۲۲؛ ۱-توا ۱: ۴-۴، ۲۴-۲۸؛ ۲: ۱-۱۵.



پیروزی عیسی بر وسوسه ها

^۱ عیسی پر از روح القدس از اردن بازگشت و روح او را در صحرا هدایت می نمود، ^۲ جایی که به مدت چهل روز ابلیس او را تجربه می کرد و در این روزها چیزی نخورد و چون آن ایام به سر رسید گرسنه شد. ^۳ ابلیس به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی، به این سنگ بگو تا نان شود.» ^۴ و عیسی به وی پاسخ داد: «نوشته شده است: انسان فقط به نان زندگی نمی کند.»

^۵ و ابلیس او را به بلندی بالا برد و در یک لحظه تمام مملکت های جهان را به او نشان داد ^۶ و به وی گفت: «همه این مملکت ها و شکوه آنها را به تو خواهم داد، زیرا به من واگذار شده و آن را به هر که بخواهم، می دهم. ^۷ پس اگر تو در برابر من سجده کنی، همه آنها از آن تو خواهد بود.» ^۸ و عیسی به وی پاسخ داد: «نوشته شده است: خداوند خدای خود را سجده کن و تنها او را پرستش نما.»

^۹ پس ابلیس او را به اورشلیم برده بر کنگره معبد قرار داد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی، خود را از اینجا پائین انداز، ^{۱۰} زیرا نوشته شده است: درباره تو به فرشتگانش فرمان خواهد داد تا از تو محافظت کنند ^{۱۱} و تو را بر دستهایشان خواهند برد مبادا پایت به سنگی بخورد. ^{۱۲} و عیسی به وی پاسخ داد: «گفته شده است: خداوند خدای خود را تجربه مکن.» ^{۱۳} چون ابلیس تمام این تجربه ها را به انجام رسانید، تا فرصت مناسب از او دور شد.

آغاز کارهای عیسی در جلیل

^{۱۴} و عیسی با قدرت روح به جلیل بازگشت و خبر او در سراسر آن ناحیه پیچید، ^{۱۵} و در کنیسه هایشان آموزش می داد و همه او را تمجید می کردند.

نپذیرفتن عیسی در ناصره

^{۱۶} و به ناصره که در آنجا پرورش یافته بود، آمد و طبق عادت خود روز سبت به کنیسه وارد شده برای قرائت برخاست. ^{۱۷} و طومار اشعای پیامبر را به او

۴: ۱-۱۳: وسوسه عیسی (مت ۴: ۱-۱۱؛ مر ۱: ۱۲-۱۳). ترتیب وسوسه ها نسبت به روایت متی فرق می کند، اما خود وسوسه ها همان هستند. ۲: اشاره به چهل روز در رابطه با اقامت در «صحرا» یادآور سرگردانی قوم اسرائیل در بیابان در هنگام خروج از مصر است (تث ۸: ۲؛ نیز ۹: ۹؛ ۱-پاد ۱۸: ۱۸). ۴: تث ۸: ۳. ۸: تث ۶: ۱۳؛ ۱۰: ۲۰. ۱۰-۱۱: مز ۹۱: ۱۱-۱۲. ۱۲: تث ۶: ۱۳. تا فرصت مناسب، ر.ک ۲۲: ۳، ۲۸، ۵۳.

۴: ۱۴-۵۰: خدمت عیسی در جلیل (مت ۴: ۱۲-۱۸؛ مر ۱: ۱۴-۹؛ ۵۰).

۴: ۱۴-۱۵: آغاز خدمت عیسی در جلیل (مت ۴: ۱۲-۱۷؛ مر ۱: ۱۴-۱۵). ۱۴: لوقا مرتباً به شهرت عیسی اشاره می کند، ر.ک آیه ۳۷؛ ۵: ۱۵؛ ۷: ۱۷.

۴: ۱۶-۳۰: عیسی در ناصره (مت ۱۳: ۵۳-۵۸؛ مر ۶: ۱-۶). لوقا این واقعه را در اینجا نقل کرده تا آن را سرآغازی بر خدمت عیسی قرار دهد. روایت مشابه در مرقس ۶: ۱-۶ به دنبال سخنان و فعالیت اولیه عیسی در جلیل می آید. شرح این واقعه در متن لوقا ظاهراً توجهی به ترتیب وقایع ندارد زیرا عیسی هنوز درگیر خدمت خاصی که او در سخنانش به آن اشاره می کند (آیه ۲۳) نشده بود. جزئیاتی که اینجا در خصوص

دادند و چون آن را باز کرد، جائی را یافت که نوشته شده است:

^{۱۸}روح خداوند بر من است،

زیرا مرا مسح کرده است.

مرا فرستاده تا بینوایان را بشارت دهم،

تا آزادی را به اسیران

و بینائی را به نابینایان اعلام کنم،

و ستمدیدگان را رهائی بخشم

^{۱۹}و سال پسندیده خداوند را نوید دهم.

^{۲۰}و طومار را پیچیده آن را به خادم داد و نشست

و همه در کنیسه بر او چشم دوخته بودند. ^{۲۱}پس به

ایشان شروع به گفتن کرد: «امروز این نوشته به

تحقق رسید، هنگامی که به آن گوش می دادید.»

^{۲۲}و همه او را تحسین کرده برای سخنان سرشار از

فیضی که از دهانش خارج می شد تعجب می کردند

و می گفتند: «آیا این همان پسر یوسف نیست؟»

^{۲۳}و به ایشان گفت: «مسلماً این ضرب المثل را

برای من خواهید گفت که "ای طبیب خود را شفا

ده!" هرآنچه شنیده ایم در کفرناحوم انجام داده ای،

همان را اینجا در موطن خود نیز انجام بده.»

^{۲۴}سپس گفت: «آمین به شما می گویم که هیچ پیامبری در موطن خود پذیرفته نیست.

^{۲۵}در حقیقت به شما می گویم که در روزگار

الیاس، چون آسمان به مدت سه سال و شش ماه

بسته شد و قحطی بزرگی تمام سرزمین را فراگرفت،

بیوه زنان بسیاری در اسرائیل بودند ^{۲۶}و الیاس نزد

هیچ کدام از آنان فرستاده نشد، مگر نزد بیوه زنی در

شهر صرفة صیدون،

^{۲۷}و در روزگار الیشع پیامبر، در اسرائیل جذامیان

بسیاری بودند و هیچ کدام از آنان پاک نشدند مگر

نعمان سوری.»

^{۲۸}و با شنیدن این سخنان، همه کسانی که در

کنیسه بودند پر از خشم شدند ^{۲۹}و برخاسته او را از

شهر بیرون راندند و تا لبه کوهی که شهرشان بر آن

بنا شده بود بردند تا او را از آنجا پرت کنند ^{۳۰}اما

وی از میان ایشان گذشته به راه خود می رفت.

عیسی در کفرناحوم. اقتدار گفتار وی

^{۳۱}و به کفرناحوم، شهری از جلیل فرود آمده در

روز سبت آنان را آموزش می داد. ^{۳۲}و از آموزش او

پرستش کنیسه ذکر شده، قدیمی ترین روایت در این باره است. ^{۱۷}: طومار اشعیا توسط خادم یعنی سرپرست کنیسه به عیسی داده شد (ر.ک آیه ۲۰). طومارها را در جای خاصی در کنیسه نگاه می داشتند و توسط سرپرست به قرائت کنندگان داده می شد. ^{۱۸-۱۹}: اش ۱: ۶۱؛ ۶: ۵۸؛ ۲: ۶۱؛ ^{۲۴-۲۷}: روایات مربوط به انبیا (۱۷: ۸-۱۶؛ ۲-۵: ۱-۱۴) نشان می دهند که بیگانگان گاهی اوقات از کمک خدا بهره مند می شدند در حالی که بنی اسرائیل بی بهره می ماندند. ^{۲۸}: واکنش خصمانه مردم در جواب اشارات عیسی به غیریهودیان بروز می کند (آیات ۲۴-۲۷)، نه به خاطر ادعاهای مسیحایی او (آیه ۲۱).

^{۳۱-۳۷}: عیسی در کنیسه در کفرناحوم (متی ۴: ۱۳؛ ۷: ۲۸-۲۹؛ مر ۱: ۲۱-۲۸). دیوها به عنوان موجوداتی غیرمادی که دارای نوعی شخصیت خاص بودند تصور می شدند که دشمن سلامتی و خوشبختی آدمیان بودند و بر ضد خدا شورش می کردند. اناجیل از خوف گسترده از دیوها و حس کلی بی دفاعی در برابر فعالیت های شیطانی سخن می گویند. عیسی در اینجا و در جایی دیگر (۱۱: ۲۰-۲۲) به عنوان کسی که می تواند انسانها را از سلطه دیوها و نیز از خود شیطان آزاد کند به تصویر کشیده شده است (ر.ک ۱۳: ۱۶). ^{۳۱}: این واقعه اولین شفا از پنج شفا یا اخراج دیوها توسط عیسی در روز سبت می باشد

خدمت می کرد. ^{۴۰} هنگام غروب آفتاب همه کسانی که افراد مبتلا به بیماریهای گوناگون داشتند، ایشان را نزد وی آوردند و او با نهادن دست ها بر هر یک از آنان، ایشان را شفا می داد. ^{۴۱} از بسیاری نیز دیوها بیرون می شدند که فریادکنان می گفتند: «تو همانا پسر خدا هستی!» و آنان را نهیب زده نمی گذاشت حرف بزنند زیرا می دانستند که او مسیح است.

عزیمت از کفرناحوم

^{۴۲} چون روز فرا رسید، بیرون شده به صحرا رفت و جمعیت در جستجوی او بوده نزد وی رسیدند و می خواستند او را نگاه دارند تا از نزد آنان نرود ^{۴۳} اما به آنان گفت: «باید بشارت فرمانروائی خدا را به شهرهای دیگر نیز برسانم، زیرا برای همین فرستاده شده ام.» ^{۴۴} و در کنیسه های یهودیه موعظه می کرد.

شگفت زده بودند، زیرا سخن او با اقتدار می بود. ^{۳۳} و در کنیسه مردی بود که روح دیو ناپاک داشت و به صدای بلند فریاد می کرد: ^{۳۴} «آه! از ما چه می خواهی ای عیسای ناصری؟ آیا برای هلاک ما آمده ای؟ من می دانم تو کیستی، ای قدّوس خدا.» ^{۳۵} و عیسی او را نهیب داده گفت: «خاموش! و از وی بیرون شو.» و دیو او را در میان افکنده بی آنکه به او گزند برساند از وی بیرون شد. ^{۳۶} و حیرت همه را فراگرفت و در بین هم می گفتند: «این سخن چیست؟ با اقتدار و قدرت به ارواح ناپاک فرمان می دهد و آنها خارج می شوند!» ^{۳۷} و خبر او در سراسر آن ناحیه پیچید.

شفا دادن

^{۳۸} از کنیسه برخاسته به خانه شمعون وارد شد. مادر زن شمعون به تبی شدید مبتلا می بود و برایش از او تقاضا کردند ^{۳۹} و بر او خم شده، تب را نهیب داد و تب او را ترک کرد. همان دم برخاسته به آنان

(۴:۳۸، ۶:۶؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۱).

۴:۳۸-۳۹: شفاي مادر زن پطرس (متی ۸:۱۴-۱۵؛ مرقس ۱:۲۹-۳۱). هرچند به صراحت بیان نشده ولی این شفا نیز در روز سبت انجام شده است (ر. ک ۴:۳۱ توضیح). شمعون پطرس به طور کامل تر در ۵:۱-۱۱:۱۴ معرفی شده است.

۴:۴۰-۴۱: شفاهای و اخراج دیوها در غروب آفتاب (متی ۸:۱۶-۱۷؛ مرقس ۱:۳۲-۳۴). با تمام شدن روز سبت در غروب آفتاب، مردم به امید توجه و شفا، مشکلات و بیماری های خود را نزد عیسی می آوردند. ۴:۴۲-۴۴: عزیمت از کفرناحوم و موعظه در دیگر شهرهای جلیل (متی ۴:۲۳؛ مرقس ۱:۳۵-۳۹). ۴:۴۴ این تنها اشاره به خدمت اولیه عیسی در یهودا بیرون از انجیل یوحنا است (اما اشارات ضمنی مت ۲۳:۳۷ و لوقا ۱۳:۳۴ را مقایسه کنید). به هر حال، در اینجا ممکن است منظور لوقا از یهودیه، اشاره به ناحیه وسیع تر فلسطین به عنوان سرزمین یهودیان باشد.



شو زیرا من مردی گناهکارم!^۹ چون که حیرت، او و همه کسانی را که با او می بودند فراگرفته بود به سبب این صید ماهی که کرده بودند،^{۱۰} همچنین یعقوب و یوحنا، پسران زبدی را که همکاران شمعون بودند. و عیسی به شمعون گفت: «هراسان مباش، از این پس انسانها را صید خواهی کرد.»^{۱۱} و قایق ها را به خشکی آوردند و همه چیز را رها کرده به دنبال او رفتند.

شفای يك جذامی

^{۱۲} باری چون او در یکی از شهرها می بود، اینک مردی پُر از جذام با دیدن عیسی، به روی در افتاد و از وی تمنا کرده گفت: «خداوندا، اگر بخواهی می توانی مرا پاک گردانی.»^{۱۳} پس او را لمس کرده گفت: «می خواهم، پاک شو» و همان دم جذام او را ترک نمود.^{۱۴} و به او سفارش کرد که چیزی به کسی نگوید: «اما برو و خود را به کاهن نشان بده و برای پاک شدنت برابر آنچه موسی فرمان داده است تقدیم کن تا برای آنان شهادت باشد.»^{۱۵} خبر او بیش از پیش شهرت می یافت و جمعیت های بسیاری برای شنیدن سخنان او و شفا یافتن از ناتوانی های خود گرد می آمدند.^{۱۶} اما او خود در صحرا کناره گرفت و نیایش می کرد.

صید معجزه آسا.

شمعون، یعقوب و یوحنا به دنبال عیسی می روند

^۱ چون جمعیت او را احاطه کرده بودند تا کلام خدا را بشنوند، هنگامی که وی در کرانه دریاچه جنیسارت ایستاده بود^۲ در کرانه دریاچه دو قایق را ایستاده دید که ماهیگیران بیرون آمده تورهای خود را می شستند.^۳ پس بر یکی از قایق ها که متعلق به شمعون بود سوار شده از او خواست اندکی از خشکی دور شود و در قایق نشسته جماعت را آموزش می داد.^۴ چون از سخن گفتن باز ایستاد به شمعون گفت: «به سوی آبهای عمیق جلو برو و تورهای خود را برای صید بیندازید.»^۵ و شمعون در پاسخ گفت: «ای استاد، تمام شب را زحمت کشیده ایم بی آنکه چیزی بگیریم، اما چون تو می گویی تورها را خواهم انداخت.»^۶ چون این کار را کردند، به حدی ماهی زیادی گرفتند که نزدیک بود تورهایشان پاره شود.^۷ و به همکاران خود در قایق دیگر اشاره کردند که به یاریشان بایند و آمده هر دو قایق را به حدی از ماهی پُر کردند که نزدیک بود فرو روند.^۸ شمعون پطرس چون این را دید، به پاهای عیسی افتاده گفت: «ای خداوند از من دور

۵: ۱-۱۱: صید بزرگ ماهی (متی ۱۳: ۱-۳؛ ۴: ۱۸-۲۲؛ مرقس ۴: ۱-۲؛ ۱۶: ۱-۲۰). ۱: دریاچه جنیسارت، نام دیگر دریاچه جلیل است.

۵: ۱۲-۱۶: شفای یک جذامی (متی ۸: ۱-۴؛ مرقس ۱: ۴۰-۴۵). ۱۴: لاو ۱۳: ۲-۳؛ ۱۴: ۲-۳۲. لمس کردن این مرد توسط عیسی بر خلاف ذهنیت معمول مذهبی بود که تماس با چنین شخصی، انسان را ناپاک می سازد. این شفا نشان می دهد که قدرت خدا در عیسی بر آنچه ناپاک به نظر می رسید برتری دارد.

درمان مفلوج، نشانه بخشایش

^{۱۷} در یکی از روزها که آموزش می داد، فریسیان و عالمان شریعت از همه روستاهای جلیل و یهودیه و اورشلیم آمده نشسته بودند و قدرت خداوند در او بود تا شفا دهد. ^{۱۸} و اینک چند نفر آمده مردی مفلوج را بر تختی آوردند و می خواستند او را داخل آورده نزد وی بگذارند ^{۱۹} و چون به سبب ازدحام جمعیت راهی برای وارد کردنش نیافتند به پشت بام بالا رفتند و از میان سفال ها او را با بسترش پائین داده در برابر عیسی نهادند. ^{۲۰} چون او ایمان ایشان را دید گفت: «ای مرد گناهانت بخشیده شد.» ^{۲۱} و کاتبان و فریسیان با خود اندیشه کرده گفتند: «این کیست که چنین کفر می گوید؟ چه کسی جز خدا می تواند گناهان را ببخشد؟» ^{۲۲} عیسی با دانستن اندیشه های ایشان به سخن پرداخته به آنان گفت: «در دلهایتان به چه می اندیشید؟ ^{۲۳} کدام آسان تر است: گفتن اینکه گناهانت بخشیده شد یا اینکه

برخیز و راه برو؟ ^{۲۴} پس برای آنکه بدانید که پسر انسان بر روی زمین اقتدار دارد که گناهان را ببخشد» به مفلوج گفت: «به تو می گویم برخیز و بستر را برداشته به خانه خود برو.» ^{۲۵} و همان لحظه، او در برابر ایشان برخاست و آنچه را بر آن خوابیده بود برداشته درحالی که خدای را تجلیل می کرد به خانه خود رفت. ^{۲۶} شگفتی همه را فراگرفت و خدا را تجلیل می کردند و هراسان شده می گفتند: «امروز چیزهای عجیبی دیدیم!»

دعوت از لاوی و فراخواندن گناهکاران

^{۲۷} و بعد از آن، بیرون رفته، باجگیری به نام لاوی را دید که در باجگاه نشسته بود و به او گفت: «به دنبال من بیا» ^{۲۸} و او همه چیز را رها کرده برخاست و به دنبال او روان شد. ^{۲۹} و لاوی مهمانی بزرگی در خانه خود برای او برپا کرد و جمعیت بسیاری از باجگیران و دیگر افراد با آنان بر سر سفره بودند.

۵: ۱۷-۲۶: شفا و بخشایش گناهان (متی ۹: ۱-۸؛ مرقس ۲: ۱-۱۲). ۱۷: فریسیان افرادی عادی و خارج از سلسله مراتب روحانی یهودیان و بخشی از یک جنبش مذهبی (گروهی فرقه گرا در درون یهودیت) بودند که به منظور رعایت کامل و وفادارانه شریعت موسی ایجاد شده بود. فریسیان هم به شکل مکتوب شریعت و هم به تفسیر شریعت که در سنت شفاهی آمده و نگاه داشته می شد توجه داشتند. شریعت یعنی قانون موسی یا تورات. ۱۹: از میان سفالها، روایت لوقا از سقفی سفالین سخن می گوید در حالی که مرقس از سقف گل اندود شده صحبت می کند که برای پایین دادن مرد مفلوج، سوراخی در آن ایجاد کردند. ۲۰: در اینجا رابطه بین بخشایش گناهان و شفا بازتاب باوری قدیمی است مبنی بر اینکه که بیماری از گناه سرچشمه می گیرد (خروج ۳۴: ۷؛ یو: ۹: ۲). ۲۱: کاتبان، گروهی که در ۱۷: ۵ «عالمان شریعت» نامیده شده اند، یهودیان متخصص در شریعت موسی بودند. لوقا مثلاً در ۳۰: ۷ این افراد را «متشرعین» نیز می نامد. ۲۴: پسر انسان، لقبی که عیسی برخورد نهاده در اینجا و در روایات اناجیل دیگر عنوانی مبهم و دو پهلو است که می توان آن را به دو صورت درک نمود: یا در اشاره به عیسی به عنوان موجود بشری در میان سایر انسانها (مثلاً مز ۸: ۴؛ حزق ۲: ۱) یا یکی شمردن عیسی با شخصیت مکاشفه ای دان ۷: ۱۳-۱۴ که اغلب به عنوان مسیح موعود یا نماینده خدا درک می شد. ۵: ۲۷-۳۲: دعوت لاوی (متی ۹: ۹-۱۳؛ مرقس ۲: ۱۳-۱۷). ۲۷: بعضی مفسرین لاوی را همان متی انجیل نگار می دانند (۶: ۱۵؛ مت ۱۰: ۳).

۳۰ و فریسیان و کاتبان ایشان به شاگردان عیسی شکایت کرده می گفتند: «چرا با باجگیران و گناهکاران می خورید و می نوشید؟» ۳۱ و عیسی در جواب ایشان گفت: «تندرستان به طبیب نیاز ندارند بلکه بیماران. ۳۲ من نیامده ام تا عادلان بلکه تا گناهکاران را به توبه فراخوانم.»

سؤال در باره روزه

۳۳ پس به او گفتند: «شاگردان یحیی و هم چنین شاگردان فریسیان اغلب روزه می گیرند و نیایش می کنند، اما شاگردان تو می خورند و می نوشند!» ۳۴ عیسی به ایشان گفت: «آیا می توانید ساقدوش ها را تا زمانی که داماد با آنها است به روزه گرفتن وادار کنید؟ ۳۵ روزهای خواهد آمد... و هنگامی که داماد از آنان گرفته شد پس در آن روزها روزه خواهند گرفت.»

نو و کهنه

۳۶ و آنگاه به آنان مثلی گفت: «هیچ کس تکه ای از جامه نو را پاره نمی کند تا آن را بر جامه ای کهنه وصله زند زیرا در این صورت هم نو پاره خواهد شد و هم تکه ای که از نو گرفته شده وصله ای ناجور بر

کهنه خواهد بود. ۳۷ و هیچ کس شراب نو را در مشک های کهنه نمی ریزد زیرا در این صورت شراب تازه، مشک ها را خواهد درید و هم شراب به زمین خواهد ریخت و هم مشک ها از بین خواهد رفت. ۳۸ اما شراب نو را در مشک های نو باید ریخت ۳۹ و هیچ کس پس از نوشیدن شراب کهنه از نو نمی خواهد، زیرا می گوید کهنه بهتر است.»



خوشه چینی گندم در روز سبت

۱ باری در یک روز سبت چون از میان کشتزارها عبور می کرد، شاگردانش خوشه ها را می چیدند و در دستهایشان مالیده می خوردند. ۲ بعضی از فریسیان گفتند: «چرا کاری می کنید که در سبت جایز نیست؟» ۳ و عیسی در پاسخ آنان گفت: «مگر نخوانده اید که داود چه کرد، وقتی خود و همراهانش گرسنه بودند؟ ۴ چگونه به خانه خدا وارد شد و نان های تقدیمی را برداشته از آنها خورد و به همراهانش نیز داد که خوردنش جایز نبود مگر تنها برای کاهنان.» ۵ پس به ایشان گفت: «پسرانسان خداوند سبت است.»

۵: ۳۳-۳۵: بحث درباره روزه. (متی ۱۹: ۱۴-۱۵؛ مرقس ۲: ۱۸-۲۰).

۵: ۳۶-۳۹: مثلی درباره نو و کهنه (متی ۱۹: ۱۶-۱۷؛ مرقس ۲: ۲۱-۲۲). ۳۶: مثل، تصاویر گویا یا داستانهای به یادماندنی که چکیده پیام عیسی درباره خدا و ملکوت خدا را -گاهی اوقات به صورتی رمزآلود- بیان کرده و منتقل می سازد. ۳۹: این سخن که فقط در انجیل لوقا یافت می شود، به دشواری می توان آن را تفسیر کرد. ممکن است نکته ای طعنه آمیز به این مضمون باشد که راضی بودن به کهنه مانع روحیه پذیرش نو می گردد.

۶: ۱-۵: خوشه چینی در روز سبت (متی ۱۲: ۱-۸؛ مرقس ۲: ۲۳-۲۸). ۲: عمل خوشه چینی زیر پا گذاشتن فرمان استراحت روز سبت است (خروج ۳۴: ۲۱). ۳: ۱- سمو ۱: ۲۱-۶. ۴: لاو ۲۴: ۵-۹.

شفای مردی با دست مفلوج در روز سبت

۶ و در سبت دیگری وارد کنیسه شده آموزش می داد، و در آنجا مردی بود که دست راستش خشک شده بود. ^۷ کاتبان و فریسیان او را زیر نظر گرفته بودند تا ببینند آیا در سبت شفا می دهد تا چیزی برای متهم کردن او بیابند ^۸ اما او که از اندیشه های آنان آگاه بود، به آن مرد که دستش خشک شده بود گفت: «برخیز و در این میان بایست» و او برخاسته ایستاد. ^۹ عیسی به ایشان گفت: «از شما می پرسم: در سبت کدامیک جایز است، نیکی کردن یا بدی کردن؟ نجات جان یا هلاکت آن؟» ^{۱۰} و نگاه خود را بر همه آنان گردانده به او گفت: «دستت را دراز کن» و او چنان کرد و دستش سالم شد. ^{۱۱} اما ایشان از جهالت پر شده بین خود صحبت می کردند که با عیسی چه بکنند.

انتخاب دوازده رسول

^{۱۲} باری در آن روزها به کوه بیرون رفت تا نیایش کند و همه شب را در نیایش خدا گذرانید. ^{۱۳} و چون روز شد، شاگردانش را فراخوانده از میان ایشان دوازده تن برگزید که آنان را رسول نامید: ^{۱۴} شمعون، همان که او را پطرس نامید و برادرش اندریاس و یعقوب و یوحنا و فیلیپس و برتولما ^{۱۵} و متی و توما و یعقوب پسر حلفی و شمعون معروف به غیور ^{۱۶} و یهوذا پسر یعقوب و یهوذا اسخریوطی که خائن شد.

عیسی و جمعیت مردم

^{۱۷} و با آنان فرود آمده در جای همواری ایستاد، با جمع زیادی از شاگردانش و مردمان بسیاری از سراسر یهودیه و اورشلیم و سواحل صور و صیدون، ^{۱۸} که برای شنیدن سخنان او و شفای بیماری های خود آمده بودند و کسانی که از ارواح ناپاک رنج

۶:۱۱-۶:۱۲: شفا در روز سبت (متی ۹:۱۲-۱۴؛ مرقس ۳:۱-۶). ر. ک ۴:۳۱ توضیح.

۶:۱۲-۱۶: انتخاب دوازده شاگرد توسط عیسی (متی ۵:۱؛ ۱۰:۴-۱۱؛ مرقس ۳:۱۳-۱۹ الف). فهرست های دیگری از اسامی دوازده رسول با بعضی تفاوت ها در مت ۲:۱۰-۴؛ مرقس ۱۶:۱۹-اع ۱۳: ذکر شده است. پطرس همیشه به عنوان اولین نفر و یهوذا اسخریوطی همیشه به عنوان آخرین نفر نام برده شده اند. ۱۳: «دوازده» (اع ۱:۸؛ ۲:۶ و غیره) گروهی شناخته شده و به یاد ماندنی در روزهای آغازین مسیحیت، و لوقا به گونه ای دوازده تن را به عنوان رسول نام می برد که این دو عنوان دقیقاً یک مفهوم دارند. کلمه «رسول» (ترجمه apostle از فعل یونانی apostellein به معنی «فرستادن») در عهد جدید به عنوان تعریف فردی مسیحی آمده که مأموریت موعظه انجیل مخصوصاً به عنوان مبشر به او محول شده است. ۱۴: نام «پطرس» لقبی به معنی «صخره» است. ۱۵: غیوران بخش شاخصی از انقلابیون یهودی در جنگ با روم در سالهای ۶۶-۷۰ میلادی بودند، اما اینکه این وجه تسمیه آیا بیانگر این است که شمعون مذکور از نظر سیاسی غیور بوده جای بحث دارد، چرا که احتمالاً گروه غیوران در زمان حیات عیسی وجود نداشتند. ۱۶: اسخریوطی واژه ای خاص و احتمالاً به معنی «مرد اهل قریوت»، ر. ک یوشع ۲۵:۱۵؛ در این صورت این یهوذا تنها فرد اهل یهودیه در میان دوازده تن بوده است.

۶:۱۷-۴۹: موعظه در دشت (متی ۵-۷).

۶:۱۷-۱۹: موقعیت موعظه (متی ۴:۲۴-۵:۲؛ مرقس ۳:۷-۱۳ الف). ۱۸: ارواح ناپاک، بیانگر «ارواح»

می کشیدند شفا می یافتند،^{۱۹} و تمامی جمعیت در تلاش برای لمس وی بودند زیرا نیرویی از او ساطع می شد و همه را شفا می داد.

خطاب به شاگردان: خوشبخت ها و بدبخت ها

^{۲۰} و او چشمان خود را بر شاگردانش افکنده گفت:

«خوشا به حال شما که فقیرید، زیرا ملکوت خدا از آن شماست.

^{۲۱} خوشا به حال شما که اکنون گرسنه اید، زیرا سیر خواهید شد.

خوشا به حال شما که اکنون گریانید زیرا خندان خواهید شد.

^{۲۲} خوشا به حال شما اگر به خاطر پسرانسان مردم به شما کینه ورزند و شما را طرد کنند و به شما ناسزا گفته نامتان را به بدی ببرند.^{۲۳} آن روز شاد باشید و از شادی پایکوبی کنید چون که اجر شما در آسمان بزرگ است، زیرا پدران ایشان نیز به این گونه با پیامبران رفتار می کردند.

^{۲۴} اما وای بر شما که ثروتمندید، زیرا تسلای خود را یافته اید.

^{۲۵} وای بر شما که اکنون سیر هستید زیرا گرسنه

خواهید شد.

وای بر شما که اکنون خندانید زیرا ماتم گرفته خواهید گریست.

^{۲۶} وای بر شما اگر همه مردم از شما به نیکی سخن گویند زیرا پدران ایشان نیز به این گونه با پیامبران دروغین رفتار می کردند.»

محبت به دشمنان

^{۲۷} «اما به شما که گوش می دهید می گویم: به دشمنان خود محبت کنید، به کسانی که به شما کینه می ورزند نیکی نمائید،^{۲۸} برای آنانی که شما را لعنت می کنند برکت بخواهید، برای آنانی که با شما بدرفتاری می کنند دعا کنید.

^{۲۹} هر که به گونه تو سیلی زند گونه دیگر را نیز به او عرضه کن و هر که ردای تو را بگیرد، پیراهنت را نیز از او دریغ مدار.^{۳۰} به هر که از تو چیزی بخواهد بده و کسی که مال تو را بگیرد، آن را از او باز مخواه^{۳۱} و همان طور که می خواهید مردم با شما رفتار کنند، به همان گونه با آنان رفتار کنید.

^{۳۲} اگر به کسانی محبت کنید که شما را محبت می کنند، چه اعتباری برای شما خواهد بود؟ زیرا حتی گناهکاران هم دوستداران خود را محبت می کنند.^{۳۳} و اگر به کسانی نیکی کنید که به شما

ضد خدا هستند. «پاک» و «ناپاک» اصطلاحات مذهبی هستند و نه توصیف وضعیت بهداشتی، و می توان آنها را به عنوان مفاهیم مربوط به «تقدس» یا «پرهیزکاری» درک نمود.

۶: ۲۰-۲۶: خوشابه حال ها، وای به حال ها (متی ۵: ۱-۱۲). ۲۰-۲۳: در اینجا تأکید بر شرایط اقتصادی و اجتماعی است، نه حالات روحانی. ۲۴-۲۶: این آیات بیانگر تضادهای متقابل نسبت به برکات از پیش گفته شده عیسی در آیات ۲۰-۲۳ هستند. در اینجا نیز عیسی از شرایط واقعی و ملموس سخن می گوید. طبق اعلام عیسی در باب سعادت ها و بدبختی ها، موقعیت دنیوی مخاطبین، در آینده مقرر الهی بر عکس خواهد شد.

۶: ۲۷-۳۶: محبت به دشمنان (متی ۵: ۳۸-۴۸؛ ۷: ۱۲). عیسی به محبت کردن فرمان می دهد و کینه توزی و انتقام جوئی را نهی می کند. ۲۸: در لوقا ۲۳: ۳۴، عیسی نمونه ای از این عمل را بر صلیب نشان می دهد.

می‌کنی و به تیرکی که در چشم خودت است توجه نداری؟^{۴۲} یا چگونه می‌توانی به برادرت بگوئی: برادر، بگذار کاهی را که در چشم تو است درآورم، تو که تیرکی را که در چشم خودت است نمی‌بینی؟ ای ریاکار! اول تیرک را از چشم خود بیرون بیاور، آنگاه کاهی را که در چشم برادرت است بهتر خواهی دید.»

منشأ نیکی و بدی

^{۴۳} «البته هیچ درخت خوبی میوه بد نمی‌آورد و نه درخت بدی که میوه خوب آورد.^{۴۴} زیرا هر درختی از میوه‌اش شناخته می‌شود. انجیر را از خار بر نمی‌کنند و انگور را از بوته نمی‌چینند.^{۴۵} مرد نیکو از گنجینه نیکوی دل خویش چیز نیکو بیرون می‌آورد و مرد بد از گنجینه بد خویش چیز بد بیرون می‌آورد، زیرا زبان از افزونی دل سخن می‌گوید.»

بناکنندگان دانا و نادان

^{۴۶} «چگونه است که مرا «خداوند، خداوند» می‌خوانید و به آنچه می‌گویم عمل نمی‌کنید؟^{۴۷} هر که نزد من آید و سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، به شما نشان می‌دهم به چه کسی می‌ماند.^{۴۸} وی به مردی می‌ماند که برای بنای خانه‌ای، زمین را کنده گود کرد و پی‌ها را بر صخره نهاد. چون سیلاب فرا رسید، سیل بر این خانه زد و

نیکی می‌کنند، چه اعتباری برای شما خواهد بود؟ گناهکاران نیز چنین می‌کنند.^{۴۹} و اگر به کسانی وام دهید که از آنان امید باز پس گرفتن دارید، چه اعتباری برای شما خواهد بود؟ گناهکاران نیز به گناهکاران وام می‌دهند تا معادل آن را دریافت کنند.^{۵۰} اما شما به دشمنان خود محبت نمائید و نیکی کنید و بدون امید باز پس گرفتن، وام دهید. و اجر شما بزرگ خواهد بود و پسران آن متعال خواهید بود زیرا او نسبت به ناسپاسان و شریران، مهربان است.^{۵۱} پس دل رحم باشید، همان گونه که پدر شما دل رحم است.»

داوری دیگران

^{۵۲} «داوری نکنید و درباره شما داوری نخواهد شد؛ محکوم نکنید و محکوم نخواهید شد؛ ببخشید و بخشیده خواهید شد.^{۵۳} بدهید و به شما داده خواهد شد. پیمان‌های نیکو، انباشته، تکان داده شده و لبریز در دامتنان خواهند ریخت، زیرا با همان پیمان‌های که پیمان‌کنید برای شما پیمان‌ها خواهند کرد.»

^{۵۴} باز برای آنان مثلی زد: «آیا کور می‌تواند کور را راهنمایی کند؟ آیا هر دو در چاه خواهند افتاد؟^{۵۵} شاگرد برتر از استاد نیست، اما هر که آموزش کامل ببیند مانند استادش خواهد شد.^{۵۶} چرا به کاهی که در چشم برادرت است نگاه

۳۵-۳۴: در مورد قوانین یهودی درباره وام ر. ک خروج ۲۲: ۲۵؛ لاو ۳۶: ۳۷؛ تث ۲۳: ۱۹-۲۰.
 ۳۶: ر. ک مت ۵۸: ۴؛ اعمال و شخصیت خود خدا بیانگر معیار نهائی است.
 ۳۷-۴۲: درباره داوری کردن دیگران (متی ۷: ۱-۵؛ ۱۲: ۳۶-۳۷؛ ۱۴: ۱۵؛ مرقس ۴: ۲۴-۲۵). ۴۱-
 ۴۲: سبک این تعلیم از صنعت ادبی اغراق بهره برده است.
 ۴۳-۴۵: سرچشمه نیکی و بدی (متی ۷: ۱۵-۲۰؛ ۱۲: ۳۳-۳۵). ر. ک یع ۳: ۱۱-۱۲.
 ۴۶-۴۹: بناکنندگان عاقل و احمق (متی ۷: ۲۱-۲۷). ر. ک یع ۱: ۲۲-۲۵.

نخواست آن را متزلزل کند زیرا خوب بنا شده بود.
 ۴۹ اما آن که بشنود و عمل نکند به مردی می ماند
 که خانه ای بدون پی بر خاک بنا کرد. سیل بر آن
 زد و همان دم فرو ریخت و ویرانی آن خانه عظیم
 بود!»



ایمان يك افسر رومی

۱ چون عیسی تمام سخنانش را به گوش قوم به
 پایان رسانید وارد کفرناحوم شد. ۲ باری در آنجا
 یوزباشی برده ای داشت که بیمار و مشرف به مرگ
 بود و او برایش عزیز بود. ۳ چون درباره عیسی
 شنید، چند تن از مشایخ یهود را نزد او فرستاد تا
 خواهش کنند بیاید و برده اش را شفا دهد. ۴ چون
 نزد عیسی آمدند با اصرار از او خواهش کرده
 می گفتند: «او شایسته آن است که این را برایش
 بکنی، زیرا ملت ما را دوست دارد و هم او است
 که کنیسه را برای ما بنا کرده است.» ۵ عیسی با
 آنان همراه شد و از آن خانه زیاد دور نبود که
 یوزباشی دوستانی فرستاد تا به او بگویند:

«خداوندا به خود زحمت مده زیرا من شایسته آن
 نیستم که زیر سقف خانه من آیی. ۷ همچنین خود را
 شایسته آن ندیدم که نزد تو بیایم، اما سخنی بگو
 که برده ام شفا یابد، ۸ زیرا من که فردی زیر اقتدار
 هستم، زیر دست خود سربازانی دارم و به یکی
 می گویم: برو و می رود و به دیگری: بیا و می آید و
 به برده ام: این را بکن و می کند.» ۹ چون عیسی این
 را شنید، از او در شگفت شد و به جمعیتی که به
 دنبالش می آمدند رو کرده گفت: «به شما می گویم
 که حتی در اسرائیل نیز چنین ایمانی نیافته ام.» ۱۰ و
 فرستادگان چون به خانه بازگشتند، برده را سالم
 یافتند.

رستاخیز جوانی اهل نائین

۱۱ باری سپس به سوی شهری به نام نائین رهسپار
 شد و شاگردانش و جمعیتی بسیار همراه او
 می رفتند. ۱۲ چون نزدیک به دروازه شهر رسید،
 مرده ای را می بردند، پسر یگانه مادری که بیوه بود
 و جمعیت بسیاری از شهر همراه او بودند. ۱۳ چون
 خداوند او را دید، بر او ترحم کرده به او گفت:
 «گریه مکن.» ۱۴ و نزدیک شده، تابوت را لمس

۷: ۱۰-۱: برده یوزباشی (متی ۸: ۵-۱۳؛ یوحنا ۴: ۴۶-۵۴). این داستان مشابه روایت ایمان آوردن
 کورنلیوس، یوزباشی غیریهودی توسط پطرس است که او نیز نسبت به یهودیان سخاوتمند بود؛ ر. ک
 اع ۲: ۱۰، ۳۴-۳۵، ۲: یوزباشی یا سنتوریون، افسری که فرمانده گروهی صد نفره از سربازان بود. این
 یوزباشی غیریهودی، یا در خدمت هیروдіس آنتیپاس بود، یا عضو پلیس روم، یا افسر مأمور خدمت در امور
 گمرکی. ۳: مشایخ، کسانی که رهبری جامعه یهودیان را به عهده داشتند. ۶: طبق اع ۲۸: ۱۰، خانه
 غیریهودیان بت پرست ناپاک محسوب می شد و ورود به چنین خانه ای باعث ناپاکی فرد یهودی می شد.
 ۹: هر چند در روایت لوقا، بیان برجسته ای که در متی ۱۳: ۸ آمده وجود ندارد، اما نیت او همان است: عیسی
 ایمان فردی غیریهودی را می پذیرد (۴: ۲۷؛ ۵: ۳۲).

۷: ۱۱-۱۷: پسر بیوه زن اهل نائین. ر. ک ۱-پاد ۱۷: ۱۸-۲۴؛ ۲-پاد ۳۲: ۳۷-۳۷؛ نیز ر. ک لوقا ۲۵: ۲۶-۲۶.
 ۱۱: نائین، حدود ۳۷ کیلومتری جنوب غربی کفرناحوم. ۱۲: قبرستانها معمولاً بیرون از شهر یا روستا قرار

جذامیان پاک می شوند و ناشنوایان می شنوند، مردگان برمی خیزند و به فقیران بشارت داده می شود.^{۲۳} و خوشا به حال کسی که درباره من لغزش نخورد!»

داوری عیسی درباره یحیی تعمید دهنده

^{۲۴} چون فرستادگان یحیی رفتند، عیسی در باره یحیی سخن آغاز کرده به جماعت گفت: «برای چه به صحرا بیرون رفتید؟ آیا برای دیدن یک شاخه نی که باد تکان می دهد؟^{۲۵} پس برای چه بیرون رفتید؟ آیا برای دیدن مردی که جامه لطیف در بردارد؟ اینک آنان که لباس فاخر در بردارند و در تجمل زندگی می کنند در کاخ های سلطنتی هستند^{۲۶} پس برای چه بیرون رفتید؟ آیا برای دیدن یک پیامبر؟ آری، به شما می گویم و برتر از یک پیامبر.^{۲۷} او همان است که در باره اش نوشته شده است: اینک من نوید دهنده خود را پیشاپیش تو می فرستم تا راه تو را پیش روی تو هموار سازد.^{۲۸} به شما می گویم: در میان کسانی که از زنان زاده شده اند کسی بزرگتر از یحیی نیست، با این همه کوچکترین در ملکوت خدا از او بزرگتر است.»

کرد و حاملان ایستادند و او گفت: «ای جوان به تو می گویم: برخیز.»^{۱۵} و مرده بلند شد و شروع به حرف زدن کرد و او را به مادرش داد.^{۱۶} ترس همه را فراگرفت و خدا را ستایش کرده می گفتند: «در میان ما پیامبری بزرگ برخاسته و خدا به قوم خود التفات نموده است.»^{۱۷} و این سخن در باره او در سراسر یهودیه و همه منطقه اطراف منتشر شد.

پرسش یحیی تعمید دهنده درباره عیسی

^{۱۸} و شاگردان یحیی از همه اینها به او خبر دادند و یحیی دو تن از شاگردانش را خوانده^{۱۹} آنان را نزد خداوند فرستاد تا بپرسند: «آیا تو همانی که می آید، یا باید در انتظار دیگری باشیم؟»^{۲۰} آن مردان نزد وی آمده گفتند: «یحیی تعمید دهنده ما را نزد تو فرستاده تا بپرسیم: آیا تو همانی که می آید، یا باید در انتظار دیگری باشیم؟»^{۲۱} در همان ساعت، عیسی مردمان بسیاری را از بیمارها، بلاها و ارواح شریر شفا داد و کوران بسیاری را بینائی بخشید.^{۲۲} و در پاسخ به ایشان گفت: «بروید و آنچه را دیده و شنیده اید به یحیی بگوئید: کوران بینا می شوند و لنگان راه می روند،

داشتند.^{۱۶} ظاهراً شباهت کار عیسی به معجزه الیاس در زنده کردن تنها پسر بیوه زن اهل صرفه (۱-پاد ۱۷) باعث واکنش جمعیت می شود.

۷:۱۸-۲۳: پرسش یحیی تعمید دهنده و جواب عیسی (متی ۱۱:۲-۶). ۱۸: یحیی تعمید دهنده در این زمان در محلی به نام مکاروس واقع در شرق دریای مرده زندانی بود (ر.ک ۹:۲). ۱۹: خداوند، لقب محبوب و مورد علاقه ای که لوقا برای عیسی بکار می برد. همانی که می آید، یعنی مسیح موعود. ۲۲: این آیه حاوی عباراتی از اش ۲۹:۱۸؛ ۴۲:۱۸؛ ۲۶:۱۹ می باشد؛ نیز ر.ک اش ۳۵:۵-۶؛ ۶۱:۱، لوقا ۴:۱۸-۱۹. ۷:۲۴-۲۸: نظر عیسی درباره یحیی (متی ۱۱:۷-۱۱). اظهارات عیسی در مورد یحیی، ماهیت رابطه بین آنها را نشان می دهد. یحیی پیشگام عیسی است، همان پیام آوری که در ملا ۱:۳ ذکر شده و در ملا ۳:۳ با الیاس یکی دانسته شده است. پس یحیی شخصیتی شبیه الیاس است و نه الیاس که دوباره زنده شده باشد. ۲۷: خروج ۲۳:۲۰؛ ملا ۳:۱.

استقبال مردم از یحیی و عیسی

^{۲۹} و همه قوم که این را شنیدند و حتی باجگیران، با تعمید گرفتن از یحیی، عدالت خدا را تصدیق نمودند، ^{۳۰} اما فریسیان و عالمان شریعت، با تعمید نگرفتن از او، اراده خدا را برای خود نپذیرفتند. ^{۳۱} «مردمان این نسل را به چه تشبیه کنم و به چه می مانند؟ ^{۳۲} به کودکانی می مانند که در میدان می نشینند و یکدیگر را صدا کرده می گویند:

برایتان نی زدیم و نرقصیدید!

مرثیه خواندیم و گریه نکردید!

^{۳۳} زیرا یحیی تعمید دهنده آمد که نه نان می خورد و نه شراب می نوشید و می گوید: دیو دارد! ^{۳۴} پسر انسان آمده که می خورد و می نوشد و می گوید: اینک مردی شکم باره و میگسار، دوست باجگیران و گناهکاران! ^{۳۵} اما حکمت به وسیله تمام فرزندان خود به عدالت شناخته می شود.»

عیسی و زن گناهکار

^{۳۶} یکی از فریسیان از او خواهش می کرد با وی غذا بخورد و به خانه فریسی وارد شده بر سر سفره نشست. ^{۳۷} و اینک زنی که در آن شهر گناهکار بود، چون دانست که او در خانه فریسی بر سر سفره نشسته است شیشه ای عطر آورد. ^{۳۸} و گریان پشت او کنار

پاهایش ایستاد و با اشک هایش شروع به خیس کردن پاهای او نمود و با گیسوانش آنها را خشک کرده پاهای او را می بوسید و با عطر تدهین می کرد. ^{۳۹} فریسی که او را دعوت کرده بود با دیدن این با خود گفت: «اگر او پیامبر می بود، می دانست زنی که او را لمس می کند کیست؛ اینکه گناهکاری است!» ^{۴۰} و عیسی به سخن درآمده به او گفت: «ای شمعون، می خواهم چیزی به تو بگویم.» و او گفت: «ای استاد بگو.» ^{۴۱} «طلبکاری دو بدهکار داشت، یکی پانصد دینار و دیگری پنجاه دینار به او بدهکار بودند ^{۴۲} چون چیزی برای پس دادن نداشتند، هر دو را بخشید. حال کدام یک از آن دو او را بیشتر محبت خواهد نمود؟» ^{۴۳} شمعون در پاسخ گفت: «به گمانم آن که به او بیشتر بخشید.» [عیسی] به او گفت: «درست داوری کردی.»

^{۴۴} و رو به سوی زن کرده به شمعون گفت: «این زن را می بینی؟ به خانه تو وارد شدم، تو برای شستن پاهایم آب نیاوردی، اما او پاهای مرا با اشک هایش شست و آنها را با گیسوانش خشک نمود. ^{۴۵} تو مرا نبوسیدی، اما از وقتی که وارد شدم، او از بوسیدن پاهایم باز نایستاده است. ^{۴۶} سرم را به روغن تدهین نکردی، اما او پاهایم را به عطر تدهین کرده است. ^{۴۷} بنابراین به تو

۷: ۲۹-۳۵: رفتار مردم نسبت به یحیی و عیسی (متی ۱۶: ۱۹-۱۹). ^{۳۰}: فریسیان و عالمان شریعت، در اینجا منظور گروه خاصی از آنها است و نه تمامی کسانی که به این دو فرقه تعلق دارند. ^{۳۳}: تسخیر افراد توسط دیوها به عنوان توضیح رفتار یا دیدگاه غیرمتعارف عنوان شده که به نظر غیرمقبول یا نامناسب می آمد. ۷: ۳۶-۵۰: شمعون فریسی، عیسی و زنی با عطر تدهین (متی ۲۶: ۶-۱۳؛ مرقس ۱۴: ۳-۹؛ یوحنا ۱۲: ۱-۸). ^{۳۷}: ظاهراً در خانه های مردم مخصوصاً در هنگام مهمانی ها به روی ورود هر کسی باز بوده است (ر. ک. مر ۱: ۳۳؛ ۲: ۲). ^{۳۸}: عیسی بر سر سفره غذا لم داده بود و پاهایش را بر نیمکتی دراز کرده بود. انگیزه زن در تدهین پاهای عیسی به جای سر او که کاری بسیار معمول بود نامشخص است. ^{۴۷}: زیرا محبت بسیار کرده

مثل بذر

چون جمعیتی کثیر گرد آمده، از همه شهرها نزد وی می آمدند، به مثل گفت: ^۵ «بذرافشانی برای افشاندن بذرش بیرون رفت و چون بذر می افشاند مقداری در کنار راه افتاد و لگدمال شد و پرندگان آسمان همه را خوردند. ^۶ مقداری بر سنگلاخ افتاد و پس از روئیدن خشک شد زیرا رطوبت نداشت. ^۷ و مقداری در میان خارها افتاد و خارها با آن رشد کرده، آن را خفه کردند. ^۸ مقداری در خاک خوب افتاد، پس روئید و صد برابر ثمر آورد.» با گفتن این بانگ برآورد: «هر که برای شنیدن گوش دارد بشنود.»

دلیل بیان این مثل

^۹ شاگردانش از او پرسیدند که این مثل چه معنی دارد. ^{۱۰} گفت: «دانستن رازهای ملکوت خدا به شما داده شده، اما برای دیگران به مثل ها است تا با دیدن نبینند و با شنیدن نفهمند.»

می گویم، گناهان او که بسیارند بر او بخشیده شده زیرا محبت بسیار کرده است، اما آن که بر او کمتر بخشیده شود، محبت کمتر می کند. ^۸ به زن گفت: «گناهانت بخشیده شد.»

^۹ و کسانی که با او بر سر سفره بودند بین خود شروع به گفتن کردند: «این کیست که حتی گناهان را می بخشد؟» ^{۱۰} و به زن گفت: «ایمانت تو را نجات داده است. در آرامش برو!»



همراهان عیسی در مأموریت او

^۱ بعد از آن، شهرها و دهات را می گشت و مژده فرمانروائی خدا را ندا داده اعلام می کرد و دوازده تن با او می بودند، ^۲ و نیز چند تن از زنانی که از ارواح شریر و بیماری ها شفا یافته بودند: مریم موسوم به مجدلیه که از او هفت دیو بیرون شده بود. ^۳ و یونا زن خوزا مباشر هیروдіس و سوسن و بسیاری زنان دیگر که با اموالشان برای آنان تدارک می دیدند.

است، محبت فراوان او ثابت می کند که گناهان بسیار او بخشیده شده است. ۵۰: ۵: ۲۰: ۲۰.

۸: ۱-۳: سفر عیسی و زنان خدمت کننده. این آیات یادآور ویژگی دوره گرد بودن موعظه ها، تعالیم و شفاهای عیسی است. همراهان او شامل ترکیبی غیرمعمول از پیروان مرد و زن بود. با توجه به دیدگاه باستانی مرسوم در فلسطین نسبت به زنان، همراهی و همکاری زنان جلیلی در مأموریت های عیسی قابل توجه است، همان طور که ترکیب جنسیتی پیروان او جلب توجه می کند. بسیاری از کسانی که در اینجا به آنها اشاره شده بعدها او را تا اورشلیم همراهی خواهند کرد و شاهدان دستگیری، مصلوب شدن، مرگ، تدفین، قبر خالی و ظهورهای او بعد از رستاخیز خواهند بود. ۲: مریم موسوم به مجدلیه، ظاهراً از مجدل واقع در ساحل غربی دریای جلیل می آمد. هیچ مستندی در مورد یکی دانستن او با زن مذکور در ۷: ۳۶-۵۰ وجود ندارد. ر.ک ۲۳: ۴۹: ۳: مباشر هیروдіس احتمالاً مدیر امور داخلی و از افراد بومی بوده است.

۸: ۴-۸: مثل بذرافشان (متی ۱۳: ۹-۱۰؛ مرقس ۴: ۹-۱۰).

۸: ۹-۱۰: توضیح عیسی درباره مثل (متی ۱۳: ۱۰-۱۷؛ مرقس ۴: ۱۰-۱۱). ۱۰: نقل به مضمون اش ۶: ۹-۱۰. ر.ک مر ۴: ۱۱؛ مت ۱۳: ۱۱؛ ار ۵: ۲۱؛ حزق ۱۲: ۲. معنی این گفتار معماگونه است و به طور ضمنی بیان می کند که مثل ها عمداً ایجاد ابهام می کنند در حالی که عملاً پیامی را آشکار می سازند.

توضیح مثل بذر

^{۱۱} «اینک معنی مثل: بذر، کلام خدا است. ^{۱۲} آنهایی که در کنار راه هستند کسانی می باشند که شنیده اند، بعد ابلیس می آید و کلام را از قلبشان می رباید، مبدا ایمان آورده نجات یابند. ^{۱۳} آنهایی که بر سنگلاخ هستند کسانی می باشند که چون کلام را می شنوند آن را با شادی می پذیرند، اما ریشه ندارند: تا مدتی ایمان می آورند و در زمان تجربه، گمراه می شوند. ^{۱۴} آنچه در خارها افتاده، آنانی هستند که می شنوند و چون می روند نگرانی ها و ثروتها و لذت های زندگی آنها را خفه کرده به ثمر نمی رسند. ^{۱۵} آنچه در خاک خوب قرار گرفته آنانی هستند که با قلبی نیکو و شریف کلام را شنیده، آن را حفظ می کنند و با پایداری ثمر می آورند.»

که آشکار نگردد و هیچ چیز پوشیده ای نیست که شناخته نشود و به روشنائی نیاید. ^{۱۸} پس مراقب باشید که چگونه می شنوید! زیرا به آن که دارد بیشتر داده خواهد شد و از آن که ندارد حتی آنچه گمان می کند دارد، گرفته خواهد شد.»

خانواده راستین عیسی

^{۱۹} مادرش و برادرانش نزد وی آمدند ولی به سبب جمعیت نمی توانستند به او نزدیک شوند ^{۲۰} به او خبر دادند: «مادرت و برادرانت در بیرون ایستاده می خواهند تو را ببینند.» ^{۲۱} در پاسخ به ایشان گفت: «مادرم و برادرانم آنانی هستند که کلام خدا را شنیده به آن عمل می کنند.»

عیسی طوفان را فرو می نشاند

^{۲۲} در یکی از آن روزها با شاگردانش سوار قایقی شده به ایشان گفت: «به آن ساحل دریاچه برویم.» و به پیش راندند. ^{۲۳} چون قایق را می راندند، او خوابید و تندبادی بر دریاچه فرود آمد و قایق از آب پر می شد و ایشان در خطر بودند. ^{۲۴} نزد وی آمدند

نور برای همگان. نتیجه گفتارها

^{۱۶} «هیچ کس بعد از روشن کردن چراغ، آن را زیر ظرفی پنهان نمی کند یا زیر تختخوابی نمی گذارد بلکه آن را بر چراغدان می نهد تا هر که وارد می شود نور را ببیند. ^{۱۷} زیرا هیچ چیز پنهانی نیست

۸: ۱۱-۱۵ تفسیر مثل بذرافشان (متی ۱۳: ۱۸-۲۳؛ مرقس ۴: ۱۳-۲۰). ۱۵: کلمات نیکو و شریف که در اینجا از قلب سخن می گویند (ر. ک مر ۷: ۲۱-۲۳) بازتاب توصیف کلاسیک یونانی از نجیب زاده واقعی است.

۸: ۱۶-۱۸: در مورد شنیدن سرشار از اطاعت (مرقس ۴: ۲۱-۲۵).

۸: ۱۹-۲۱: بستگان واقعی عیسی (متی ۱۲: ۴۶-۵۰؛ مرقس ۳: ۳۱-۳۵). ۱۹: برادران، در مر ۳: ۶ چهار نام ذکر شده و هم چنین اشاره ای به خواهران وجود دارد. از همان دوران کلیسای اولیه توضیحات متفاوت زیادی ارائه شده که معمولاً چنین استدلال کرده اند که آنها پسران یوسف از ازدواج قبلی اش بوده اند، یا اینکه پسر عموها و دختر عموهای عیسی بوده اند، و بالاخره اینکه آنها فرزندان تنی یوسف و مریم بوده اند. ۲۱: به نظر می رسد که لوقا با عدم اشاره به موضوعاتی مانند مر ۳: ۲۰-۲۱، ۳۳، روایت مرقس از نحوه پاسخ عیسی را ملایم تر کرده است، به طوری که برجسته نمودن اهمیت اطاعت خدا به عنوان معیار صمیمیت و توجه متقابل در میان پیروان عیسی، خانواده تنی عیسی را نفی نمی کند.

۸: ۲۲-۲۵: بادهای و آب اطاعت می کنند (متی ۸: ۱۸، ۲۳-۲۷؛ مرقس ۴: ۳۵-۴۱). قدرت بر عناصر

و او را بیدار کرده گفتند: «استاد، استاد، داریم هلاک می شویم.» او برخاسته باد و امواج متلاطم را نهیب زد و آنها فرونشستند و آرامش برقرار شد.^{۲۵} به ایشان گفت: «ایمانتان کجاست؟» ایشان را ترس فرا گرفته با حیرت به هم می گفتند: «پس این کیست که حتی به بادها و آب فرمان می دهد و آنها از او اطاعت می کنند؟»

مرد خارج شود، چون که بارها او را تسخیر کرده بود و هر چند او را با غل و زنجیر می بستند تا نگاه دارند، او بندها را می شکست و دیو او را به صحرا می راند.^{۳۰} عیسی از او پرسید: «نامت چیست؟» گفت: «لژیون» زیرا دیوهای زیادی در او داخل شده بودند.^{۳۱} و از او خواهش می کردند تا به آنها دستور ندهد به هاویه بروند.

شفای دیوانه ای در سرزمین مشرکان

^{۲۶} و به سرزمین جدریان که مقابل جلیل است به ساحل رسیدند.^{۲۷} چون عیسی از قایق قدم بر خشکی نهاد، مردی از آن شهر که چندین دیو داشت با او روبرو شد و او از مدتی دراز لباس پوشیده بود و در خانه ای نمی ماند مگر در قبرها.^{۲۸} چون عیسی را دید فریادها برآورد و در برابرش افتاده با صدای بلند گفت: «ای عیسی، پسر خدای متعال از من چه می خواهی؟ از تو خواهش می کنم مرا عذاب نده!»^{۲۹} زیرا او به روح ناپاک دستور داده بود که از این

^{۳۲} باری در آنجا گله بزرگی خوک در کوهستان می چریدند و دیوها از او خواهش کردند تا به آنها اجازه دهد در این خوکها داخل شوند و به آنها اجازه داد.^{۳۳} دیوها از آن مرد خارج شده داخل خوکها شدند و گله از پرتگاه به درون دریاچه پریده غرق گردید.

^{۳۴} چون خوک چرانان این چیزها را دیدند فرار کردند و آن را در شهر و دهات اعلام کردند.^{۳۵} پس مردم بیرون آمدند تا آنچه را انجام شده بود ببینند و چون نزد عیسی آمدند، آن مرد را که دیوها از او خارج شده بود، لباس پوشیده و معقول پیش پای

طبیعی، قدرتی الهی است که غالباً در مزامیر و برخی متون دیگر تجلیل شده است (ر. ک مز ۱۰۷: ۲۸-۳۰).
۲۶-۳۹: دیوزده جدریان (متی ۸: ۲۸-۳۴؛ مرقس ۵: ۱-۲۰). **۲۶:** جدریان (که در بعضی نسخه ها «جراسیان» یا «جرجسیان» نوشته شده است) منطقه اطراف شهری به اسم جدره یا جراسه (جراش امروزی) است که در جنوب شرقی دریاچه جلیل یعنی میانه آن طرف اردن قرار داشت و سکنه آن عمدتاً غیریهودی بودند. مت ۸: ۲۸ این روایت را در سرزمین جرجسیان ذکر می کند که در منتهی الیه جنوب شرقی دریاچه جلیل قرار داشت و اینجا نیز سکنه آن عمدتاً غیریهودی بودند. منطقه ای که لوقا به آن اشاره کرده (۸: ۲۶) بهتر با جزئیات روایت تطبیق می کند. **۳۰:** تحقیق درباره نام مرد دیوانه، احتمالاً بیانگر این باور قدیمی است که دانستن نام قدرتی ماوراء الطبیعه موجب تسلط و قدرت بر آن می شود. لژیون واژه ای نظامی برای بخشی از ارتش روم است که معمولاً شامل پنج هزار سرباز می بود. به این ترتیب این نام معرف تعداد زیادی از دیوها است (ر. ک ۱۱: ۲۴-۲۶). **۳۱:** هاویه مکانی برای زندانی کردن دیوها و نیروهای شریر که هر چند دشمن خدا هستند، ولی در نهایت تحت کنترل او می باشند (مکا ۱: ۹-۱۱؛ ۷: ۱۱؛ ۸: ۱۷؛ ۲۰: ۱-۳). کلمات این آیه بیانگر اقتدار عیسی برای داوری است (نیز در مت ۲۱: ۲۳-۲۴؛ ۲۰: ۲۴). **۳۲:** خوک، یهودیان از خوردن گوشت خوک منع شده بودند (لاو ۷: ۱۱؛ تث ۸: ۱۴) اما پرورش خوک برای سکنه زیاد غیریهودی که در قسمتی هایی از فلسطین زندگی می کردند رایج بود.

«چه کسی مرا لمس کرد؟» چون همه انکار می کردند، پطرس گفت: «ای استاد، جمعیت بر تو ازدحام کرده و به تو فشار می آورد.»^{۴۶} اما عیسی گفت: «کسی مرا لمس کرده زیرا دانستم که نیروئی از من خارج شد.»^{۴۷} زن که دید نمی تواند پنهان بماند، لرزان پیش آمد و نزد وی افتاده در برابر همه مردم اعلام کرد که به چه علت او را لمس کرده و چگونه در همان دم شفا یافته است.^{۴۸} به او گفت: «دخترم، ایمانت تو را شفا داده است. در آرامش برو!»

^{۴۹} هنوز عیسی سخن می گفت که کسی از خانه رئیس کنیسه آمده گفت: «دخترت مرد، دیگر به استاد زحمت مده.»^{۵۰} چون عیسی این را شنید به او پاسخ داد: «مترس، فقط ایمان بیاور و او نجات خواهد یافت.»^{۵۱} چون به آن خانه آمد نگذاشت هیچ کس با او وارد شود مگر پطرس و یوحنا و یعقوب و پدر و مادر کودک.^{۵۲} چون همه برای دختر گریه می کردند و به سینه خود می زدند، گفت: «گریه نکنید، او نمرده بلکه خوابیده است.»^{۵۳} و آنان که می دانستند دختر مرده است او را ریشخند می کردند.^{۵۴} اما وی دست دختر را گرفت و او را صدا کرده گفت: «ای فرزند برخیز.»^{۵۵} و روحش باز آمد و فوراً برخاست. عیسی دستور داد که به او خوراک دهند.^{۵۶} والدینش شگفت زده شدند و به آنان دستور داد از آنچه انجام شده به هیچ کس چیزی نگویند.

عیسی نشسته یافتند و ترسیدند.^{۳۶} آنانی که این را دیده بودند به ایشان نوید دادند که چگونه آن مرد دیوانه نجات یافته بود.

^{۳۷} و همه جمعیت ناحیه جدریان از عیسی خواستند از ایشان دور شود زیرا ترسی شدید آنان را فراگرفته بود. پس او سوار قایق شده بازگشت.

^{۳۸} مردی که دیوها از او خارج شده بودند، از وی خواهش می کرد با او باشد، اما او را روانه کرده گفت: «به خانه خود برگرد و همه آنچه را خدا برای تو کرده است تعریف کن.» او رفت و آنچه را عیسی برایش کرده بود، در تمام شهر اعلام می کرد.

شفای يك زن

و زننده کردن دختر یائیروس

^{۴۰} چون عیسی بازگشت، جمعیت او را پذیرفتند زیرا همه در انتظار او بودند.^{۴۱} و اینک مردی به نام یائیروس که رئیس کنیسه بود آمد و به پاهای عیسی افتاده از او خواهش می کرد به خانه او بیاید،^{۴۲} زیرا یگانه دخترش که تقریباً دوازده سال داشت در حال مرگ بود.

چون عیسی می رفت جمعیت بر او فشار می آورد.^{۴۳} اینک زنی بود که دوازده سال خونریزی داشت و [هر چند تمام دارائی خود را صرف طبیبان کرده بود] هیچ کس نتوانسته بود او را شفا دهد.^{۴۴} وی از پشت سر نزدیک شده لبه ردای او را لمس کرد و همان دم خونریزش بند آمد.^{۴۵} و عیسی پرسید:

۸: ۴۰-۵۶: دختر یائیروس و زن دچار خونریزی (متی ۹: ۱۸-۲۶؛ مرقس ۵: ۲۱-۴۳). ۴۱: رئیس کنیسه، کسی که مسئولیت سرپرستی و ترتیب مراسم پرستشی و زندگی جماعت ایمان داران بود. ۴۳: ر. ک لاو ۱۵: ۲۵-۳۰. چون ماهیت دقیق این خونریزی مشخص نشده، تعیین علت مرض تماماً حدس و گمان است. ۵۵: ر. ک ۱- پاد ۱۷: ۲۲.



است!» دیگران: «این یکی از پیامبران پیشین است که رستاخیز کرده است.»^۹ اما هیرودیس گفت: «من دستور دادم سر یحیی را ببریدند. پس این چه کسی است که درباره اش چنین چیزهایی می شنوم؟» و در جستجوی دیدن او می بود.

عیسی جمعیت زیادی را خوراک می دهد
^{۱۰} و رسولان در بازگشت خود آنچه را انجام داده بودند برای او تعریف کردند و او ایشان را با خود برداشته در مکانی خلوت به جانب شهری به نام بیت صیدا کناره گرفت.^{۱۱} چون جمعیت فهمیدند به دنبال او رفتند و ایشان را به خوبی پذیرفته از فرمانروائی خدا سخن گفته کسانی را که نیاز داشتند شفا می بخشید.

^{۱۲} چون روز رو به پایان می بود آن دوازده پیش آمده به او گفتند: «جمعیت را روانه کن تا به روستاهای اطراف و دهکده ها بروند و در آنجا مسکن و خوراکی بیابند زیرا اینجا در صحرا هستیم.»^{۱۳} بدیشان گفت: «خودتان چیزی به ایشان بدهید تا بخورند.» گفتند: «ما بیش از پنج قرص نان و دو ماهی چیزی نداریم. مگر شاید خودمان

رسالت دوازده تن

^۱ پس او دوازده تن را فرا خوانده به ایشان نیرو و اقتدار بر همه دیوها و بیماریها داد تا شفا دهند.^۲ و آنان را فرستاد تا فرمانروئی خدا را اعلام کنند و شفا بخشند.^۳ به آنان گفت: «برای راه هیچ چیز برندارید، نه چوبدست، نه خورجین، نه نان و نه پول و حتی نه ردای اضافی.»^۴ و در هر خانه که وارد می شوید در آنجا بمانید و از آنجا خارج خواهید شد.^۵ و آنان که شما را پذیرا نشوند در خروج از آن شهر، گرد پاهایتان را به شهادت علیه آنان بتکانید.^۶ ایشان رفته از روستائی به روستای دیگر می گذشتند و نوید می دادند و در همه جا شفا می دادند.

تشویش هیرودیس به سبب شهرت عیسی
^۷ هیرودیس تیتراک، آنچه را انجام می شد، شنیده و متحیر می بود زیرا برخی می گفتند: «این یحیی است که از میان مردگان قیام کرد است.»^۸ برخی دیگر: «این الیاس است که ظهور کرده

۹: ۱-۶: **مأموریت دادن به دوازده رسول** (متی ۱۰: ۱-۱۴؛ مرقس ۶: ۶-۱۳). سهم شدن در قدرت عیسی توسط شاگردان نشان دهنده ادامه و بسط خدمت او است همانطوری که در داستانهای قبلی اشاره شده. ۳: دستور به همراه برنداشتن چیزی برای سفر دوازده تن را مجبور می کند که کاملاً در خدمت خود به خدا تکیه کنند. ۵: عمل تکاندن گرد و خاک نشان دادن آشکار نفی مسئولیت بیشتر برای کسانی است که از دوازده نفر استقبال ننمودند، رجوع کنید ۱۰: ۱۰-۱۲.

۹: ۷-۹: **کنجکاوی هیرودیس در مورد عیسی** (متی ۱۴: ۱-۲، مرقس ۶: ۱۴-۱۶). هیرودیس آنتیپاس پسر هیرودیس کبیر، ر. ک ۳: ۱ توضیح؛ نیز ر. ک ۹: ۱۸-۱۹. ۹: یحیی که من سر بریده ام رجوع کنید مرقس ۶: ۱۷-۲۹.

۹: ۱۰-۱۱: **بازگشت رسولان و پیروی جمعیت از عیسی** (متی ۱۴: ۱۲-۱۴؛ مرقس ۶: ۳۰-۳۴). ۱۰: بیت صیدا، واقع شده در شمال دریاچه جلیلیه.

۹: ۱۲-۱۷: **خوراک دادن پنج هزار نفر** (مت ۱۴: ۱۵-۲۱؛ مرقس ۶: ۳۵-۴۴؛ یوحنا ۶: ۵-۱۴). تنها

را نهیب زده دستور داد که آن را به کسی نگویند.^{۲۲} و گفت که پسر انسان باید زیاد رنج بکشد و از سوی مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان طرد شده کشته شود و در روز سوم قیام کند.

عیسی را چگونه باید پیروی کرد

^{۲۳} او به همه می گفت: «اگر کسی می خواهد به دنبال من بیاید باید خود را انکار کند و هر روز صلیبش را برداشته به دنبال من بیاید.^{۲۴} زیرا کسی که می خواهد جان خود را نجات دهد آن را از دست خواهد داد، اما آن کسی که جان خود را به خاطر من از دست بدهد آن را نجات خواهد داد.^{۲۵} درواقع چه فایده دارد برای انسانی که سراسر جهان را به دست آورده اما خود را هلاک ساخته یا به خود زیان رسانده است؟^{۲۶} زیرا آن کس که از من و سخنان من شرمگین باشد، پسر انسان هم چون در شکوه خویش و [شکوه] پدر و فرشتگان مقدس درآید، از آن کس شرمگین خواهد بود.^{۲۷} به راستی به شما می گویم: حتی در همین جا کسانی حضور دارند که پیش از دیدن فرمانروائی خدا، مرگ را نخواهند چشید.»

رفته برای تمام این مردم خوراکی بخریم.»^{۱۴} زیرا آنان در حدود پنج هزار مرد بودند.

او به شاگردانش گفت: «آنان را در گروههای تقریباً پنجاه نفری بنشانید.»^{۱۵} و ایشان چنین کردند و همه را نشانندند.^{۱۶} پنج قرص نان و دو ماهی را گرفته، به سوی آسمان نگریسته، [دعای] برکت خواند و آنها را پاره کرد و به شاگردان می داد تا با آنها از جمعیت پذیرائی کنند.^{۱۷} و ایشان خوردند و همه سیر شدند و پاره هائی را که باقی مانده بود جمع کردند. دوازده سبد بود.

ایمان پطرس .

عیسی از مرگ خود خبر می دهد

^{۱۸} چون تنها به نیایش مشغول می بود و شاگردان همراه او می بودند از ایشان پرسیده گفت: «به گفته جماعت من کیستم؟»^{۱۹} در پاسخ گفتند: «یحیی تعمید دهنده، بعضی دیگر الیاس، بعضی دیگر یکی از پیامبران پیشین که رستاخیز کرده است.»^{۲۰} بدیشان گفت: «اما برای شما من کیستم؟» پطرس در پاسخ گفت: «مسیح خدا!»^{۲۱} اما ایشان

داستانی که از شرح خدمت عام عیسی که در تمام چهار انجیل قانونی آمده است. ۱۶: نحوه بیان این داستان پیش درآمدی از شرح آخرین شام در ۱۷:۲۲-۲۰ است.

۹:۱۸-۲۰: **اعتراف پطرس** (متی ۱۶:۱۳-۱۹؛ مرقس ۸:۲۷-۲۹). مسیح خدا، ترجمه یونانی **ho chistio tou theou** است که تحت اللفظی «مسح شده خدا» می باشد. لقبی که خاصه رهبری داوری است که دوباره بنا می کند شکوه سیاسی گذشته اسرائیل برای مردم و ملت.

۹:۲۱-۲۲: **دستور عیسی به سکوت و اولین پیشگویی درباره مرگ خود** (متی ۱۶:۲۰-۲۱؛ مرقس ۸:۳۰-۳۱). دستور موكد عیسی برای سکوت احتمالاً منعکس کننده تلاش او برای جلوگیری از سوء تفاهم درباره کار «مسیحایی» او است. در مقابل شرح لوقا درباره این اولین پیشگویی شامل تلاش پطرس برای تغییر جهت دادن نحوه تفکر و تعهد عیسی نمی شود. به طوری که اقرار قبلی پطرس (۹:۲۰) حاوی اقتدار بیشتر در این نوع داستان است از شرح مرقس، که در آن عیسی شدیداً او را سرزنش می کند (مرقس ۸:۳۲-۳۳).

۹:۲۳-۲۷: **شرایط شاگرد بودن** (متی ۱۶:۲۴-۲۸؛ مرقس ۸:۳۴-۹:۱). صلیب خود را هر روزه برداشته و مرا پیروی کنید، متن یونانی به صورت جمع طرح نشده (هر کس... آنها)، بلکه به صورت مفرد (هر کسی... او (زن/مرد)). بطوری که مبارزه طلبی شدیداً شخصی است.

۹:۲۸-۳۶: **تبدیل هیئت** (متی ۱۷:۱-۹؛ مرقس ۹:۲-۱۰). این توصیف یادآورنده تجربه شدید مذهبی

تجلی پسر خدا

گوش فرا دهید!»^{۳۶} و چون صدا در رسید، عیسی تنها شد و ایشان سکوت را حفظ کرده از آنچه در آن روزها دیده بودند به کسی هیچ نگفتند.

شفای کودک دیو زده

^{۳۷} باری، روز بعد چون از کوه پائین می آمدند جمعیتی بسیار به پیشوازش آمد. ^{۳۸} و اینک مردی از میان جمعیت فریاد برآورد: «ای استاد از تو خواهم می کنم نگاهی بر پسر من بیفکنی زیرا یگانه من است. ^{۳۹} و ناگاه روحی او را می گیرد و ناگهان فریاد می کشد و او را به شدت تکان داده کف بر لبانش می آورد و او را در هم شکسته به زحمت بسیار از او دور می شود. ^{۴۰} و از شاگردان خواهم کرده ام او را برانند و نتوانستند. ^{۴۱} عیسی در پاسخ گفت: «ای نسل بی ایمان و منحرف تا به کی نزد شما خواهم بود و شما را تحمل خواهم کرد؟ پسر را اینجا بیاور.» ^{۴۲} وی هنوز نزدیک نشده بود که دیو او را در هم شکست و به شدت تکانش داد اما عیسی روح ناپاک را نهیب زده کودک را شفا داد و او را به پدرش داد. ^{۴۳} و همه از بزرگی خدا در شگفت بودند.

^{۲۸} باری، تقریباً هشت روز پس از این سخنان، پطرس و یوحنا و یعقوب را با خود برداشته به کوه بالا رفت تا نیایش کند. ^{۲۹} باری چون نیایش می کرد نمای چهره اش دگرگون شد و لباس او به سفیدی درخشانی درآمد ^{۳۰} و اینک دو نفر با او سخن می گفتند: موسی و الیاس بودند ^{۳۱} که در شکوه پدیدار شده، از گذر وی که در اورشلیم به تحقق خواهد رسید سخن می گفتند. ^{۳۲} پطرس و آنان که با او بودند به شدت خواب آلود بودند، بیدار شده شکوه او و آن دو نفر را که با او بودند، دیدند. ^{۳۳} باری، چون آنان از او دور می شدند، پطرس به عیسی گفت: «ای سرور، خوب است که در اینجا هستیم پس سه خیمه درست کنیم، یکی برای تو، یکی برای موسی، یکی برای الیاس.» نمی دانست چه می گفت.

^{۳۴} در حالی که این را می گفت، ابری فرارسید و آنان را زیر سایه خود گرفت. و چون وارد ابر می شدند ترسیدند. ^{۳۵} و صدائی از ابر رسید که می گفت: «این است پسر من، آن برگزیده: به او

است، که ماهیت دقیق آن نامشخص است. هاله درخشش شدید همراه است با تجربیات رازگونه در جاهای دیگر (خروج ۳۴:۲۹-۳۵، متی ۱۷:۹، اع ۳:۹). ^{۲۸} حدود هشت روز، شاید فقط نشان دهنده گذشت یک هفته است، اما در کلیسای اولیه «روز هشتم» تبدیل به اشاره گذاری به روز خداوند و روز رستاخیز عیسی شد، روز اول خلقت جدید. ^{۳۰} موسی و الیاس دو پاتریاک ایمان اسرائیل. موسی شریعت دهنده بود و الیاس پیامبری بزرگ. ^{۳۱} جدا شدن، تحت الفظی «خروج» احتمالاً اشاره به مرگ عیسی، رستاخیز و صعودش دارد. ^{۳۲} حالت خواب آلود شاگردان شاید نشان دهنده این باشد که این واقعه در شب رخ داده، گرچه نه الزاماً (ر. ک ۴۵:۲۲). ^{۳۳} پیشنهاد پطرس درباره سه سایبان نشان دهنده اشتیاق او برای حفظ این تجربه است. ^{۳۵} صدا آشکارا متعلق به خدا است (ر. ک ۲۲:۳) و دستور به او گوش فرا دهید، تمرکز می دهد توجه و اطاعت شاگردان را به عیسی بالاتر از هر کسی دیگر.

۹:۳۷-۴۳ الف: عیسی یک پسر بلا زده را شفا می دهد (متی ۱۷:۱۴-۲۱؛ مرقس ۹:۱۴-۲۹). توصیف بدبختی پسر بعضی از محققین را به این نتیجه گیری می رساند که پسر دچار بیماری صرع بوده، اما هرگونه تشخیص مرض حدسیات می باشد.

۹:۴۳-ب: پیش گویی دوم (متی ۲۲:۱۷-۲۳؛ مرقس ۳۰:۹-۳۲). ر. ک ۲۲:۹؛ ۳۱-۳۳).

دومین اعلام رنج و مرگ عیسی

چون همه از آنچه وی انجام می داد در شگفت می بودند به شاگردانش گفت: ^{۴۴} «سخنانی را که اینک می گویم، به گوش بسپارید: پسرانسان نزدیک است به دستهای آدمیان تسلیم شود.» ^{۴۵} اما ایشان این سخن را درک نمی کردند و برایشان پوشیده بود تا معنی آن را نفهمند و می ترسیدند در باره این سخن از او سؤال کنند.

هر که بر ضد شما نیست با شماست

^{۴۹} یوحنا در پاسخ گفت: «ای سرور، کسی را دیدیم که دیوها را به نام تو می راند و می خواستیم او را مانع شویم زیرا با ما [از تو] پیروی نمی کند.» ^{۵۰} عیسی به او گفت: «ممانعت نکنید، زیرا هرکس بر ضد شما نیست، با شماست.»

عزیمت عیسی به اورشلیم.

عدم استقبال در سامره

^{۵۱} باری چون روزهایی که وی می بایست [از این دنیا] برگرفته شود، به کمال می رسید، مصمم راه اورشلیم را در پیش گرفت. ^{۵۲} و پیام آورانی پیش از خود فرستاد و به راه افتاده به یکی از روستاهای سامریان وارد شدند تا برایش [همه چیز را] آماده کنند. ^{۵۳} و او را نپذیرفتند زیرا به سوی اورشلیم می رفت. ^{۵۴} شاگردان، یعقوب و یوحنا که این را دیدند

چه کسی بزرگترین است؟

^{۴۶} و بین آنان استدلالی در گرفت: چه کسی می توانست در بین ایشان بزرگترین باشد؟ ^{۴۷} عیسی از استدلال قلبشان آگاه بود. کودکی را گرفته نزد خویش قرار داد. ^{۴۸} و به ایشان گفت: «هر که این کودک را به خاطر نام من بپذیرد، مرا پذیرفته و هر که مرا بپذیرد، آن که مرا فرستاده است می پذیرد زیرا آن که از همه شما کوچکتر است، او بزرگ است.»

۴۴: ۲۲، ۱۸: ۳۱-۳۴، ۱۷: ۲۵. ۴۵: اظهار نظر بر این اساس بنا شده که (الف) مرگ مسیح جزئی از ایمان یهودی شاگردان نبود و (ب) حقیقت روحانی می بایستی آشکار شود (ر. ک ۱۶: ۲۴).
۴۶: ۹-۴۸: بزرگی راستی (متی ۱۸: ۱-۵؛ مرقس ۹: ۳۳-۳۷). یک مثال عملی در رابطه با نفی خود محور بودن صرف جاه طلبی. ^{۴۷}: لازم پذیرفتن کودک کوچک دانستن سخاوتمندی بودن انتظار پاداش است.
۴۹: ۵۰-۴۹: ۹: اخراج کننده گمنام دیوها (مرقس ۹: ۳۸-۴۱). این مورد ثبت می کند نفی عیسی را در مورد عدم تحمل، گرچه ضد گفتار در ۲۳: ۱۱ است که اشاره ای است به لزوم همراه شدن اعمال و نگرانی های فکری با ارزشها و کار عیسی.

۵۱: ۹-۲۷. سفر عیسی به اورشلیم همراه با پیروانش (متی ۱۹: ۱-۲۰، ۳۴؛ مرقس ۱۰: ۱-۵۲). این بخش که اکثر آن فقط در لوقا یافت می شود، درباره خدمت عیسی در سامریه و یهودیه گزارش می دهد.
۵۱: ۹: تصمیم راسخ عیسی برای رفتن به اورشلیم (متی ۱۹: ۱-۲؛ مرقس ۱۰: ۱) به آسمان برده شود، صراحتاً اشاره می کند به صعود، اما احتمالاً اشاره دارد به درد و رنج عیسی، مرگ و رستاخیز که موجب عزیمت او به آسمان می شود. او روی به عزیمت به اورشلیم نهاد، تأیید تصمیم عیسی است به شیوه سامی (اشعیا ۵۰: ۷).

۵۲: ۹-۵۶: رد کردن عیسی توسط سامریان. ۵۲-۵۳: سامریان زائرانی که برای برپایی عید می رفتند را کمک نمی کردند زیرا آنجا را معبد اشتباه می دانستند. ۵۲: سامره یک نامگذاری جغرافیایی است که هم چنین به عنوان نام برای ساکنان سامره استفاده می شد، که در اصل پایتخت پادشاهی قبلی شمالی بود که بدست آشوریان در سال ۷۲۲ قبل از میلاد سقوط نمود. سامری واژه ای شد برای کسانی که مابین یهودیه و



مأموریت هفتاد و دو شاگرد

^۱ پس از آن، خداوند، هفتاد و دو تن دیگر را تعیین کرده آنان را دو به دو جلوتر از خود به هر شهر و هر جایی که خودش می بایست برود، فرستاد. ^۲ به ایشان می گفت: «محصول فراوان است اما کارگران اندک، پس از خداوند محصول خواهش کنید کارگرانی برای محصول خود بفرستد. ^۳ بروید! اینک شما را چون برّه هایی به میان گرگان می فرستم. ^۴ با خودتان نقدینه، خورجین و پاپوش برندارید و به هیچ کس در راه سلام نکنید. ^۵ «در هر خانه ای که وارد می شوید اول بگوئید: «آرامش بر این خانه باد!» ^۶ و اگر پسر آرامشی در آنجا باشد، آرامش شما بر او قرار خواهد گرفت وگرنه مسلماً به خود شما باز خواهد گشت. ^۷ در همان خانه بمانید، از آنچه دارند بخورید و بنوشید زیرا کارگر مستحق اجرت خود می باشد. از خانه ای به خانه ای نگذرید. ^۸ «و به هر شهری که وارد می شوید و شما را می پذیرند، آنچه را پیش شما می گذارند بخورید،

گفتند: «خداوندا، آیا می خواهی که به آتش فرمان دهیم تا از آسمان فرود آمده آنان را نابود کند؟» ^{۵۵} عیسی روی برگردانده ایشان را نهیب زد. ^{۵۶} و به سوی روستای دیگری به راه افتادند.

ترك همه چیز برای پیروی از عیسی

^{۵۷} و در حالی که راه می پیمودند، کسی در راه به او گفت: «به هر جا که بروی به دنبال تو خواهم آمد» ^{۵۸} و عیسی به او گفت: «روباهان لانه و پرندگان آسمان آشیانه دارند اما پسر انسان جایی ندارد تا سرش را بگذارد.» ^{۵۹} و به یکی دیگر گفت: «به دنبال من بیا.» آن کس گفت: «اجازه بده اول رفته پدرم را به خاک بسپارم.» ^{۶۰} به او گفت: «بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند، اما تو برو فرمانروائی خدا را نوید بده.» ^{۶۱} باز یکی دیگر گفت: «خداوندا به دنبال تو خواهم آمد، اما اول به من اجازه ده با افراد خانه خود وداع کنم.» ^{۶۲} عیسی به او گفت: «هر که دست بر گاواهن نهد و به پشت سر نگاه کند شایسته ملکوت خدا نیست.»

جلیلیه زندگی می کردند و به مرور به عنوان گروه شاخص مذهبی و نژادی شناخته می شدند. تنش هایی مابین سامریها و یهودیان بعد از مراجعت یهودیان از تبعید در بابل بوجود آمد و آن طوری که در این داستان پیدا است تا روزهای عیسی باقی ماند. ^{۵۴}: حاوی جملاتی شبیه به ^۲ پادشاهان ۱۰:۱-۱۲ است. الیاس از آسمان آتش بر فوج سربازان دشمن می فرستد (ر. ک ۲- پاد ۱:۹-۱۶). ^{۵۷:۹-۶۲}: شرایط پیروی از عیسی (متی ۱۸:۱-۲۲). ^{۵۹}: از اظهاراتی که در پیرو می آید (آیه ۶۰) مشخص است که پدر این شخص بطور مسلم هنوز نمرده بود، بلکه مرد این مسئولیت را بکار گرفت تا تعلل کند در تعهد کامل برای شاگرد بودن. ^{۶۰}: بگذار مرده مرده خود را دفن کند، نشان می دهد که مردگان روحانی را باید وا گذاشت تا مرده گان فیزیکی را دفن کنند. ^{۶۱}: ر. ک ۱- پاد ۱۹:۲۰. ^{۱۰:۱-۱۲}: مأموریت هفتاد و دو شاگرد (متی ۹:۳۷-۳۸:۱۰-۷:۱۶؛ مرقس ۶:۸-۱۱)، ر. ک لو ۹:۳-۵. ^{۱:۹-۵:۱}، ^{۵۱-۵۲}؛ مرقس ۶:۷-۱۱. ^۴: به کسی سلام نکنید که ممکن است باعث معطلی بشود و بدین گونه بر ضروری بودن مأموریت تأکید می کند. ^۵: ۱- سمو ۲۵:۶. ^۷: تث ۲۴:۱۵. ^{۱۰-۱۱}: ر. ک ۹:۵ توضیح.

^۹ و مریضان آن را شفا دهید و به مردم بگوئید: «فرمانروائی خدا خیلی به شما نزدیک است.»
^{۱۰} اما در هر شهری که وارد شده و شما را نمی پذیرند، به هنگام خروج در میدان هایش بگوئید: ^{۱۱} «حتی غباری را که از شهر شما به پاهای ما چسبیده است می زدائیم که برای شما [بماند]. با این همه بدانید که فرمانروائی خدا خیلی نزدیک است.»

ارابطه^۹ شما شاگردان و خدمت عیسی
^{۱۶} «هر که به شما گوش دهد، به من گوش می دهد و هر که شما را طرد کند، مرا طرد می کند، اما هر که مرا طرد کند کسی را طرد می کند که مرا فرستاده است.»

بازگشت شاگردان از مأموریت

^{۱۷} هفتاد و دو تن با شادمانی بازگشته گفتند: «خداوند، حتی دیوها به نام تو به اطاعت ما درمی آیند!» ^{۱۸} عیسی به ایشان گفت: «من شیطان را نگاه کردم که چون آذرخشی از آسمان سقوط می کرد! ^{۱۹} اینک به شما اقتدار داده ام تا مارها و عقرب ها و همه نیروی دشمن را به زیر پاها لگدمال کنید و هیچ چیز به شما گزند نمی رسد. ^{۲۰} با این همه شادی نکنید که ارواح به اطاعت شما در آمده اند بلکه شادی کنید که نام های شما در آسمان ها نوشته شده است.»

الهام به کودکان: راز پدر و پسر

^{۲۱} در همان ساعت در روح القدس به وجد آمده گفت: «ترا ستایش می کنم، ای پدر، خداوند آسمان

سرنوشت شهرهایی که عیسی را نمی پذیرند
^{۱۲} «به شما می گویم برای سدوم در آن روز، قابل تحمل تر خواهد بود تا برای این شهر. ^{۱۳} وای بر تو ای خورزین! وای بر تو ای بیت صیدا! زیرا [اعمال] مقتدرانه ای که در نزد شما شده اگر در صور و صیدون انجام می شد از مدت ها پیش در پلاس و بر خاکستر نشسته توبه کرده بودند. ^{۱۴} پس به هنگام داوری برای صور و صیدون قابل تحمل تر خواهد بود تا برای شما. ^{۱۵} و تو ای کفرناحوم، آیا به آسمان بالا برده می شوی؟ به هاویه پایین خواهی رفت!»

۱۰:۱۲-۱۵: وای بر شهرهای غیرتوبه کار (متی ۲۰:۱۱-۲۴). ۱۲: پید ۱۹:۲۴-۲۸. ۱۳: خورزین، شهری در ۳ کیلومتری شمال کفرناحوم. صور و صیدون شهرهای غیریهودی نشین بودند در کناره مدیترانه شمال جلیل. پلاس پوش و خاکستر نشین، یادآور توبه در نینوا در یونس ۳ است. ۱۵: این جملات بازتاب اش ۱۴:۱۳-۱۵ است (ر.ک آیه).

۱۰:۱۶: تفسیر عیسی درباره خدمت (متی ۱۰:۴۰).

۱۰:۱۷-۲۰: بازگشت هفتاد نفر (متی ۱۱:۲۵-۲۷). ۱۷: حتی دیوها تسلیم ما می شوند، بر خلاف مأموریت دوازده رسول (۱:۹) به هفتاد نفر این قدرت وعده داده نشده بود. ۱۸: من دیدم چطور شیطان از آسمان افتاد، اشاره ای ضمنی به پیروزی هفتاد نفر بر شیاطین، ر.ک اش ۱۴:۱۵؛ یو ۱۲:۳۱، مکا ۷:۱۲-۱۲. ۲۰: عیسی اخراج شیاطین را به نوبه خود به عنوان نشانه ای از ملکوت خدا در نظر نگرفت (۱۹:۱۱). نام های شما در آسمانها نوشته شده است، دان ۱:۱۲؛ مز ۶۹:۲۸؛ خروج ۳۲:۳۲.

۱۰:۲۱-۲۲: شکرگزاری عیسی به خدا (متی ۱۱:۲۵-۲۷). ۲۱: در روح القدس، در مشارکت با خدا. ۱۰:۲۳-۲۴: خوشابه حال شاگردان از زبان عیسی (متی ۱۶:۱۳-۱۷).

و زمین، زیرا این را از حکیمان و عاقلان پنهان داشته و به بچه ها مکشوف کرده ای. آری ای پدر، زیرا خوشنودی تو چنین بوده است.^{۲۲} همه چیز از سوی پدرم به من سپرده شده است و هیچکس نمی داند پسر کیست مگر پدر، و نه پدر کیست مگر پسر، و به کسی که پسر می خواهد آن را مکشوف سازد.

چه کسی ممنوع من است؟ مثل سامری نیکو

^{۲۹} اما او که می خواست خود را عادل نشان دهد به عیسی گفت: «و همسایه من کیست؟»^{۳۰} عیسی به سخن ادامه داده گفت: «انسانی از اورشلیم به اریحا پایین می رفت و به میان راهزنان افتاد که پس از لخت کردن و زخم زدن او را نیمه مرده رها کرده رفتند.^{۳۱} از قضا کاهنی از این راه پایین می رفت و او را دیده از طرف دیگر گذشت.^{۳۲} همچنین یک لاوی به این محل رسیده با دیدن او از طرف دیگر گذشت.^{۳۳} اما مردی سامری که در سفر بود به نزدیک او رسید و با دیدنش بر او ترحم کرد.^{۳۴} و پیش آمده، زخمهایش را بسته بر آن روغن و شراب ریخت، بعد او را بر مرکب خود سوار کرده به مسافرخانه ای برد و از او مراقبت کرد.^{۳۵} و فردای آن روز دو دینار درآورده آنها را به مسافرخانه دار داده گفت: «از او مراقبت کن و هر چه بیشتر از این خرج کنی، خود به هنگام بازگشتم به تو پس خواهم داد.»

^{۲۳} و عیسی رو به شاگردان کرده و در کناری به ایشان گفت: «خوشا به چشمانی که می نگرند آنچه را شما می نگرید!^{۲۴} زیرا به شما می گویم که بسیاری از پیامبران و پادشاهان خواسته اند آنچه را شما می بینید ببینند و آن را ندیدند و آنچه را شما می شنوید بشنوند و آن را نشنیدند!»

محبت، راه زندگانی جاودان

^{۲۵} و اینک عالم شریعتی برخاسته برای اینکه او را آزمایش کند به او گفت: «ای استاد چه باید بکنم تا زندگانی جاودانی را به میراث داشته باشم؟»^{۲۶} به او گفت: «در تورات چه نوشته شده است؟ تو چگونه می خوانی؟»^{۲۷} او در پاسخ گفت: «خداوند خدای خود را با تمام قلب خود و با تمام جان خود و با تمام توان خود و با تمام ادراک خود

۱۰:۲۵-۲۸: سؤال یک عالم شریعت (متی ۲۲:۳۴-۴۰؛ مرقس ۱۲:۲۸-۳۴؛ ر.ک لو ۱۸:۹-۱۴).
۲۵: عالم شریعت، متخصص در شریعت موسی، احتمالاً مترادف «کاتب» و به احتمال قوی وابسته یا جزیی از گروه فریسیان. ۲۷: تث ۵:۶؛ لاو ۱۹:۱۸.

۱۰:۲۹-۳۷ مثل سامری نیکو. ۲۹: خود را عادل نشان دهد بدین معنی است که می خواست خود را عادل و مقبول خدا نشان دهد. ۳۰: از اورشلیم به سوی اریحا پایین می رفت، حدود ۳۰ کیلومتر با نزول ارتفاع از ۷۶۰ متر به ۲۵۰ متر زیر سطح دریای آزاد. جاده ما بین شهرها بسیار خطرناک بود. ۳۱-۳۳: کاهن نماینده بالاترین مذهبی در میان یهودیان است. لاوی (آیه ۳۲) همکار غیر روحانی کاهن است. در مقابل این یک سامری بود (ر.ک ۵۲:۹ توضیح)، یک بیگانه که از او انتظار نشان دادن دلسوزی نسبت به یک یهودی نمی رفت، که دلش به حال او سوخت. ۳۴: روغن به عنوان مرهم استفاده می شد (اش ۱:۶) و شراب به عنوان پادزهر. ۳۵: دو دینار تقریباً هزینه دو ماه سکونت در کاروانسرای قدیمی را تأمین می نمود.
۱۰:۳۸-۴۲: مرتا و مریم. این شرح مبهم تأییدی است بر اهمیت گوش دادن به عیسی و در عین حال شرح

بیاموز نیایش کنیم، همان گونه که یحیی آن را به شاگردان خود آموخته است.^۲ به آنان گفت: «وقتی نیایش می کنید بگوئید:

ای پدر

نام تو تقدیس شود!

^۳فرمانروائی تو فرا رسد!

نان روزانه ما را هر روز به ما بده

^۴و گناهان ما را ببخش

زیرا ما نیز هر مدیون خود را می بخشیم،

و ما را در وسوسه میاور.»

مثل دوستی که تقاضا را می پذیرد

^۵و به ایشان گفت: «اگر یکی از شما دوستی دارد که نیمه شب نزد او آمده به او بگوید: ای دوست من، سه نان به من قرض بده،^۶ زیرا یکی از دوستانم از سفر نزد من آمده و چیزی ندارم پیش او بگذارم^۷ و آن دیگری از اندرون پاسخ داده بگوید: مزاحم نشو، اکنون در بسته است و من و کودکانم در بستر هستیم، نمی توانم برای دادن [نان] به تو بلند شوم...^۸ این را به شما می گویم، حتی اگر برای دادن آن برنخیزد به علت اینکه دوست او است، ولی به علت بی شرمی او برخواید خاست و هر آنچه نیاز دارد به او خواهد داد.»

^{۳۶}می پنداری کدامیک از این سه نفر خود را همسایه انسان افتاده به میان راهزنان نشان داده است؟^{۳۷} گفت: «آن کس که بر وی رحمت کرده است.» عیسی به او گفت: «برو و تو هم به همین گونه بکن.»

در خانه مرتا و مریم

^{۳۸}چون راه می پیمودند به روستائی وارد شد و زنی به نام مرتا او را در خانه خویش پذیرفت.^{۳۹} و او خواهری داشت به نام مریم که به پاهای خداوند نشسته به سخن او گوش می داد.^{۴۰} مرتا که به انواع خدمات مشغول بود به سخن در آمده گفت: «خداوند، آیا برای تو اهمیتی ندارد که خواهرم مرا در خدمت تنها گذاشته است؟ پس به او بگو مرا کمک نماید.»^{۴۱} اما خداوند در پاسخ به او گفت: «مرتتا، مرتتا، تو برای خیلی چیزها نگران و پرهیاهو هستی.^{۴۲} با این همه تنها یک چیز لازم است. مریم قسمت خوب را انتخاب کرده است: از او باز گرفته نخواهد شد.»



آموزش هایی درباره نیایش.

نیایش خداوند

^۱باری چون او در جائی نیایش می کرد وقتی تمام کرد یکی از شاگردانش به او گفت: «خداوند! به ما

واقعۀ نشان دهنده گشاده رو بودن و تقبل زنان توسط عیسی در میان پیروانش می باشد. برحسب یوحنا ۱:۱۱، مارتا و مریم خواهران ایلعازر بودند که در بیت عنیا زندگی می کردند، که درست شرق اورشلیم بود. ۱۱:۴-۹:۶ (متی ۱۳-۹:۶). این نوع دعا به صورتی کاملتر در متی آمده است. در هر دو انجیل متی و لوقا درخواستهای اول بیشتر مربوط به انتظار آمدن مسیح در جلال و همراه ملکوت او می باشد. با وجود این نگرانی های عنوان شده مربوط به زندگی روزمره است.

۱۱:۵-۸: تعلیم درباره پایداری در دعا (متی ۷:۷-۱۱)، ر.ک لوقا ۱۸:۵-۱۱.

۱۱:۹-۱۳: اندرزه های تمثیلی و اطمینان خاطر دادن درباره دعا (متی ۷:۷-۱۱).

و خانه بر روی خانه می افتد.^{۱۸} اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه شده است چگونه مملکت او بر پا خواهد ماند؟... چون شما می گوئید که من دیوها را به وسیله بعلزبول می رانم.^{۱۹} اما اگر من به وسیله بعلزبول دیوها را می رانم، پسران شما به وسیله چه کسی آنها را می رانند؟ بدین سبب ایشان داور شما خواهند بود.^{۲۰} بر عکس اگر من با انگشت خدا دیوها را می رانم، پس فرمانروائی خدا بر شما فرارسیده است.^{۲۱} وقتی که [مرد] توانا، سراپا مسلح، کاخ خود را حراست می کند، اموالش در امنیت است.^{۲۲} اما چون یکی تواناتر از او فرارسد و او را مغلوب کند، اسلحه او را که به آن اعتماد می کرد می گیرد و اموال غارت شده اش را تقسیم می کند.^{۲۳} هر که با من نیست، برضد من است و هر که با من جمع نمی کند، می پراکند.»

خطرات سقوط مجدد

^{۲۴} «چون روح ناپاک از انسان بیرون شود جاهای بایر را در جستجوی راحتی درمی نوردد و چون نمی یابد می گوید به خانه خود که از آنجا بیرون آمده ام باز خواهم گشت.^{۲۵} و وقتی می آید آنجا را شسته و روفته می یابد.^{۲۶} آنگاه رفته هفت روح شریتر از خود را برداشته به آنجا وارد می شوند و

هر که درخواست کند، دریافت می کند.^۹ «و من به شما می گویم: درخواست کنید و به شما داده خواهد شد، جستجو کنید و خواهید یافت، بکوبید و بر شما گشوده خواهد شد.^{۱۰} زیرا هر که درخواست کند، دریافت می کند و هر که جستجو کند، می یابد و هر کسی که بکوبد گشوده می شود.^{۱۱} کدام پدر از میان شما اگر پسرش از او ماهی بخواهد به جای ماهی به او ماری خواهد داد.^{۱۲} یا باز اگر تخم مرغی بخواهد، به او عقربی خواهد داد؟^{۱۳} پس اگر شما با اینکه بد هستید می دانید چیزهای خوبی به فرزندان خود بدهید پدر آسمانی چقدر بیشتر روح القدس را به کسانی خواهد داد که از وی بخواهند!»

عیسی و بعلزبول

^{۱۴} و او دیوی را می راند و این [دیو] لال بود. باری چون دیو بیرون شد لال به سخن درآمد و جماعت متعجب شدند.^{۱۵} برخی از میان آنان گفتند: «او بوسیله بعلزبول، رئیس دیوها، دیوها را می راند.»^{۱۶} دیگران برای آنکه او را آزمایش کنند از او نشانه ای از آسمان درخواست می کردند.^{۱۷} اما او با آگاهی از افکارشان به ایشان گفت: «هر مملکتی که بر ضد خود تجزیه شود، ویران شده

۱۱: ۲۳-۱۴: ۱۱: مباحثه درباره بعلزبول (متی ۹: ۳۲-۳۴؛ ۱۲: ۲۲-۳۰؛ مرقس ۳: ۲۲-۲۷). ۱۵: بعلزبول، رئیس دیوها، شیطان (ر. ک آیه ۱۸). بعلزبول در اصل لقب خدای طوفان و باروری کنعانیان بعل بود (به ۲. پاد ۲: ۱ رجوع کنید). ۱۶: درخواست نشانه ای بلافاصله بعد از این می شود که عیسی قدرت سخنگویی را به کسی که دچار گنگی شده است عطا می کند. ۲۰: خروج ۸: ۱۹. انگشت اشاره ای است به قدرت خدا. ملکوت خدا به نزد شما رسیده است، اشاره ای است به تفسیر عیسی از مفهوم خدمت عام او. ۲۳: ر. ک ۵: ۹. این اظهار نظر درخواستی بدون مصالحه عیسی را ثبت می کند برای دعوت شاگردان و در رابطه با مثل قبلی این گفته اعلام می کند که در مبارزه ما بین عیسی و بعلزبول بی طرفی یک انتخاب نیست. ۱۱: ۲۴-۲۶. بازگشت ارواح ناپاک (متی ۱۲: ۴۳-۴۵). ۱۱: ۲۷-۲۸: خوشابحال های واقعی. ر. ک ۸: ۲۱.

در آنجا خانه می‌کنند و وضع واپسین این انسان بدتر از اولش می‌شود.»

زیرا آنان به ندای یونس توبه کردند و در اینجا کسی هست که برتر از یونس است!

خوشبختی حقیقی

^{۲۷} باری چون این را می‌گفت، زنی از میان جمعیت صدا بلند کرده به او گفت: «خوشا به حال آن بطنی که تو را حمل کرده است و پستان‌هایی که تو مکیده‌ای!» ^{۲۸} اما او گفت: «بیشتر خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می‌شنوند و به آن عمل می‌کنند!»

نور ایمان

^{۳۳} «هیچ کس پس از روشن کردن چراغی، آن را در پستویا زیر ظرف پیمانه نمی‌گذارد، بلکه بر چراغدان، تا آنان که وارد می‌شوند روشنایی را بنگرند.»

^{۳۴} «چراغ بدن چشم تو است. وقتی چشم تو سالم است، آنگاه سراپای بدن تو روشن است اما وقتی که شریب است بدن تو نیز تاریک است. ^{۳۵} پس ببین تا روشنایی که در تو است، تاریکی نباشد! ^{۳۶} پس اگر تمام بدن تو روشن است بدون آنکه جائی تاریک داشته باشد، سراپایت روشن خواهد بود همان‌گونه که چراغ تو را با تابش خود روشن می‌کند.»

نشانه پسر انسان

^{۲۹} چون جماعت ازدحام می‌کردند شروع به سخن گفتن کرد: «این نسل، نسلی شریر است، در پی نشانه‌ای است و نشانه‌ای به او داده نخواهد شد مگر نشانه یونس، ^{۳۰} زیرا همان‌گونه که یونس برای اهالی نینوا نشانه‌ای گردید، به همین‌گونه پسر انسان نیز برای این نسل همان خواهد بود. ^{۳۱} ملکه جنوب، به هنگام داوری با مردان این نسل قیام خواهد کرد و ایشان را محکوم خواهد نمود زیرا او از دورترین نقاط زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود و در اینجا کسی هست که برتر از سلیمان است! ^{۳۲} مردان نینوا، به هنگام داوری با این نسل قیام خواهند کرد و ایشان را محکوم خواهند نمود،

حمله به فریسیان و عالمان شریعت

^{۳۷} چون سخن می‌گفت یک فریسی او را برای ناهار نزد خود دعوت کرد. پس داخل شده بر سر سفره نشست. ^{۳۸} فریسی با دیدن اینکه پیش از ناهار [دستهای] خود را نشسته تعجب کرد. ^{۳۹} اما خداوند به او گفت: «اینک شما فریسیان این‌گونه هستید! بیرون بشقاب و پیاله را پاک

۲۹:۳۲-۲۹:۱۱: نشانه یونس (متی ۱۲:۳۸-۴۲؛ مرقس ۸:۱۱-۱۲). ۲۹: نشانه یونس از طریق موعظه یونس به اهالی نینوا داده شد. در اینجا عیسی اشاره به رستخیز خود ندارد. ۳۰: یونس ۴:۳۱. ۱-پاد ۱۰:۱-۱۰:۲. ۹-۱:۹. ۱۶:۳۳.

۱۱:۳۳. نور و بینایی (متی ۵:۱۵؛ مرقس ۴:۲۱). ر.ک لو ۸:۱۶.

۱۱:۳۶-۳۴:۳۶. چشم سالم (متی ۶:۲۲-۲۳).

۱۱:۳۷-۵۴: گفتارها بر علیه فریسیان و معلمان شریعت (متی ۱۵:۹-۱۷:۹؛ مر ۷:۱-۹؛ متی ۲۳:۱-۳۶ با ترتیب متفاوت). ۳۷:۳۶؛ ۱۴:۳۸. شستن قبل از شام. شستشوی طبق رسم (تحت اللفظی، «تعمید قبل از شام» مر ۷:۱-۵). ۳۹-۴۱: مت ۲۳:۲۵-۲۶. عیسی انتقاد فریسیان را رد می‌کند که برون شسته نشده است با تأکید بر اینکه زندگی درونی به اندازه زندگی بیرونی اهمیت دارد (آیه ۴۰) و در واقع قدرتی

است: برایشان پیامبران و رسولان خواهم فرستاد و بعضی از آنان را کشته یا شکنجه خواهند کرد.^{۵۰} تا از این نسل، حساب خون همهٔ پیامبران که از پی فکنی جهان ریخته شده است خواسته شود.^{۵۱} از خون هابیل گرفته تا خون زکریا که میان قربانگاه و خانه [خدا] از بین رفت. آری به شما می‌گویم که از این نسل حساب اینها پس گرفته خواهد شد.^{۵۲} ای عالمان شریعت وای بر شما، زیرا کلید دانش را برداشته‌اید! خودتان داخل نشده‌اید و کسانی را که می‌خواستند وارد شوند، مانع شده‌اید.»^{۵۳} و وقتی از آنجا خارج شد، کاتبان و فریسیان شروع به ضدیت با او و واداشتن وی به حرف زدن دربارهٔ بسیاری از نکات کردند.^{۵۴} و توطئه کردند تا [سخنی] از دهان وی را غفلتاً بگیرند.



شهادت علنی به پسر انسان

^۱ در این بین ده‌ها هزار نفر جمعیت گرد آمده بودند به طوری که یکدیگر را لگدمال می‌کردند. او شروع کرد نخست به شاگردانش بگوید: «از خمیرمایه یعنی از ریاکاری فریسیان بر حذر باشید.»

می‌کنید در حالی که درونتان پر از حرص و شرارت است.^{۴۰} ای بی‌شعوران! آن که بیرون را درست کرده آیا درون را هم درست نکرده است؟^{۴۱} آنچه دارید بهتر است به صدقه بدهید و آنگاه همه چیز برایتان پاک است.»

^{۴۲} «اما ای فریسیان، وای بر شما زیرا که عشریه نعناع و سداب و همه سبزی‌ها را می‌دهید اما از عدالت و محبت خدا غافل هستید! این را می‌بایست انجام دهید و آن را ترک نکنید.^{۴۳} اما ای فریسیان، وای بر شما زیرا در کنیسه‌ها نخستین جایگاه را و در میدانهای عمومی سلام کردن‌ها را دوست دارید!^{۴۴} وای بر شما زیرا چون قبرهای نامعلوم هستید که مردم ندانسته بر آنها راه می‌روند!»

^{۴۵} یکی از عالمان شریعت به سخن درآمده به او گفت: «ای استاد با این حرفها به ما نیز توهین می‌کنی.»^{۴۶} او گفت: «ای عالمان شریعت، وای بر شما نیز زیرا بارهای سخت برای بردن بردن بر دوش مردمان می‌گذارید و خودتان با یکی از انگشتانتان این بارها را لمس نمی‌کنید!^{۴۷} وای بر شما زیرا قبرهای پیامبران را بنا می‌کنید و حال آنکه پدران شما آنان را کشته‌اند!^{۴۸} پس، شما شاهد هستید و پدرانتان را تأیید می‌کنید: ایشان آنان را کشتند و شما بنا می‌کنید.^{۴۹} و بدین سبب حکمت خدا گفته

تطهیرکننده یا فسادبرانگیز بر زندگی بیرونی دارد (آیه ۴۱، مر ۲۳:۷).^{۴۲} عشر دادن، ر.ک تث ۱۴:۲۲. نعناع و سداب ادویه جات معمولی ارزان قیمت بودند.^{۴۴} قبور با دقت نشانه گذاری می‌شد و حتی سفید می‌شدند (مت ۲۳:۲۷) تا ممانعت شود از تماس غیرعمدی با مرده.^{۴۹} حکمت خدا می‌فرماید. نقل قولی را ظاهراً معرفی می‌کند، اما نه از کتاب مقدس عبری و نه از نوشته‌های غیرکتاب مقدسی یهودیت.^{۵۱} هابیل اولین شخصی بود که در کتاب مقدس کشته شد (پید ۴:۸) و زکریا احتمالاً همان شخصی است که داستان کشته شدنش در ۲-توا ۲۴:۲۰-۲۲ آمده است.^{۵۴} رجوع کنید ۱۱:۶، ۱۹:۴۷-۴۸، ۲۰:۱۹-۲۰، ۲۲:۲۲.

۱:۱۲. خمیرمایه فریسیان (متی ۱۶:۵-۶؛ مرقس ۸:۱۴-۱۵).

۹-۲:۱۲. دعوت به اعتراف بدون ترس (متی ۱۰:۲۶-۳۳).^۵ کسی که ... اقتدار دارد به جهنم اندازد،

۱۱ چون شما را در برابر کنیسه‌ها و قضات و مقتدران حاضر کنند، نگران نباشید چگونه و چه پاسخ دهید یا چه بگوئید،^{۱۲} زیرا روح القدس در همان ساعت به شما خواهد آموخت چه باید گفت.»

۱۳ کسی از میان جمعیت به او گفت: «ای استاد به برادرم بگو ارثیه را با من تقسیم کند.» ۱۴ به او گفت: «ای انسان چه کسی مرا داور و مقسم بر شما قرار داده است؟» ۱۵ به ایشان گفت: «دقت کنید! از هر گونه حرص بر حذر باشید، زیرا آدمی هر چند در فراوانی بسر برد، زندگانش به اموالش بستگی ندارد.»

۱۶ برایشان این مثل را گفت: «مردی ثروتمند بود که زمین‌هایش بار زیاد آورده بود. ۱۷ و از خود می‌پرسید: چه کنم؟ زیرا نمی‌دانم محصول خود را در کجا جمع کنم» ۱۸ و گفت: چنین می‌کنم: انبارهای خود را کوبیده و بزرگتر بنا خواهم کرد و تمام گندم و دارائی خود را در آنجا جمع نموده ۱۹ و به جان خود خواهم گفت: ای جان من، دارائی بسیار برای

۱۲:۱۰: کفرگویی برضد روح القدس (متی ۳۱:۱۲-۳۲: مرقس ۲۸:۳-۳۰) کفرگویی برضد روح القدس نسبت دادن کار اصیل روح به قوای شیطانی تا نسبت دادن آن به خدا.

۱۲:۱۱-۱۲: کمک روح القدس (متی ۱۹:۱۰-۲۰: مرقس ۱۳:۱۱).

۱۲:۱۳-۱۵: اخطار برضد طمع. ۱۳: برحسب تث ۲۱:۱۷ پسر بزرگتر دو برابر سهم پسر جوانتر را دریافت می کند. عیسی هیچ علاقه ای به تقسیم عادلانه نشان نمی دهد و سپس برضد طمع و ارضای مادی خود اخطار می دهد.

۱۲:۱۶-۲۱. مثل ثروتمند احمق. ۱۹: بخور، بنوش و خوش بگذران، ر. ک جا ۸:۱۵. ۲۰: ر. ک ار ۱۷:۱۱؛ لو ۱۲:۳۳-۳۴. اعلام خدا به زبان یونانی مشکل است و تحت اللفظی خوانده

سالهای بسیار اینجا داری، بیاسای، بخور، بنوش، شادی کن.»^{۲۰} اما خدا به او گفت: «ای بی شعور، همین امشب جانت را خواهند طلبید. و آنچه آماده کرده ای برای که خواهد بود؟^{۲۱} چنین است حال کسی که برای خود گنج می اندوزد به جای آنکه برای خدا ثروتمند باشد.»

با فیض خدا زندگی کردن

^{۲۲} و به شاگردانش گفت: «بدین سبب به شما می گویم: برای زندگی نگران نباشید که چه خواهید خورید و نه برای تن که چه خواهید پوشید.^{۲۳} زیرا زندگی بیش از خوراک است و تن بیش از پوشاک.^{۲۴} کلاغها را ملاحظه کنید: نه می کارند و نه می دروند. نه مخزنی دارند و نه انباری و خدا به آنان خوراک می رساند. شما چقدر بیشتر از پرندگان ارزش دارید! ^{۲۵} چه کسی از میان شما با ناراحتی ها می تواند یک ذراع به سن خود بیفزاید. ^{۲۶} پس اگر حتی کوچکترین چیز فراتر از قدرت شما است چرا برای بقیه چیزها نگرانید؟^{۲۷} سوسن هارا ملاحظه کنید. نه می ریسند و نه می بافند، باری به شما می گویم، حتی سلیمان با تمام شکوهش به مانند یکی از اینها پوشیده نشده بود.^{۲۸} پس اگر در دشت گیاهی را که امروز هست و فردا به تنور

افکنده خواهد شد خدا این چنین لباس می پوشاند، برای شما چقدر بیشتر خواهد کرد ای مردمان کم ایمان! ^{۲۹} و شما در پی آن نباشید که چه خواهید خورد و چه خواهید نوشید، و نگران نباشید.^{۳۰} زیرا همه اینها را ملت های جهان جستجو می کنند، اما پدر شما می داند که به اینها نیاز دارید.^{۳۱} به جای آن ملکوت او را بجوئید و این برای شما افزوده خواهد شد.^{۳۲} ای گله کوچک مترس زیرا خوشنودی پدر شما بوده است که ملکوت را به شما عطا کند.»

گنج پایدار

^{۳۳} «اموال خود را بفروشید و به صدقه بدهید. برای خود نقدینه هائی درست کنید که کهنه نمی شوند، گنجی تمام ناشدنی در آسمانها، که در آنجا نه دزد نزدیک می شود، نه موریانه خراب می کند.^{۳۴} زیرا در جایی که گنج شما است قلب شما نیز در آنجا خواهد بود.»

مثل هایی درباره بیداری

^{۳۵} «کمرهایتان بسته و چراغهایتان روشن باشد ^{۳۶} و همچون مردانی باشید که در انتظار بازگشت خداوندشان از عروسی هستند تا همان دم که بیاید و بکوبد، بر او بکشایند.^{۳۷} خوشا به این بردگان که

می شود، احمق، در این شب آنها جانت را از تو خواهند خواست. تابع «آنها» شاید منظور به طور غیرمستقیم اشاره به خدا است، اما به احتمال بیشتر «آن چیز» است که اینک مالک انسان است و جان او را طلب می کند.

۱۲: ۲۲-۳۲: نگرانی در مورد زندگی (متی ۶: ۲۵-۳۴). ۲۷: ر. ک ۱- پاد ۱۰: ۳۲: گله اشاره ای است به جماعت مسیحی (حزق ۳۴-۲۳).
۱۲: ۳۳-۳۴: گنجی در آسمان (متی ۶: ۱۹-۲۱). مقایسه کنید با مر ۱۰: ۲۱؛ لوقا ۱۸: ۲۲؛ اع ۴۵: ۲؛ ۳۲: ۴-۳۵.

۱۲: ۳۵-۴۸: گفتارها درباره هشیاری و وفاداری (متی ۲۴: ۴۲-۵۱). ۳۵: کمر بسته، آماده برای کاری؛ ر. ک خروج ۱۱: ۳۷: لحن سخن یادآور ضیافت مسیحایی است (۱۳: ۲۹؛ ۱۴: ۱۵؛ ۲۳: ۱۶) که در آن

خواهد آمد و او را جدا کرده قسمتش را با بی‌ایمانان قرار خواهد داد.^{۴۷} این برده که با دانستن اراده خداوندش، چیزی را آماده نکرده یا به اراده خود عمل نموده ضربه‌های بسیار خواهد خورد.^{۴۸} اما آنکه ندانسته با رفتارش سزاوار ضربه‌هایی باشد، ضربه‌های کمی خواهد خورد. به هر که زیاد داده شده باشد از او زیاد مطالبه خواهد شد و به هر که زیاد سپرده شده باشد از او بیشتر خواهند خواست.»

چرا عیسی آمده است

^{۴۹} «من آمده‌ام تا آتشی بر زمین بیندازم و چقدر می‌خواستم که هم‌اکنون افروخته شده باشد! ^{۵۰} باید به تعمیدی، تعمید یابم و چقدر در فشار هستم تا آنکه همه چیز به پایان رسد! ^{۵۱} آیا می‌پندارید که آمده‌ام تا بر زمین آرامش را بدهم؟ خیر! به شما می‌گویم، بلکه تفرقه را، ^{۵۲} زیرا از این پس در خانواده پنج نفری، تفرقه خواهد بود، سه نفر علیه دو نفر و دو نفر علیه سه نفر. ^{۵۳} پدر علیه پسر و پسر علیه پدر، مادر علیه دختر و دختر علیه مادر، مادر شوهر علیه عروس خود و عروس علیه مادر شوهر تفرقه خواهند داشت.

خداوندشان در بازگشت، آنان را بیدار بیابد. آمین به شما می‌گویم که وی کمر بسته ایشان را بر سر سفره نشانده و به خدمت ایشان خواهد پرداخت.^{۳۸} اگر در پاس دوّم یا سوّم بیاید و چنین بیابد، خوشا به حال آنها.^{۳۹} این را نیک بدانید: اگر صاحب‌خانه می‌دانست که در چه ساعتی دزد خواهد آمد، نمی‌گذاشت به خانه‌اش نقب بزند.^{۴۰} شما هم آماده باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌کنید پسر انسان خواهد آمد.»

^{۴۱} پطرس گفت: «خداوند! آیا این مثل را برای ما می‌گوئی یا برای همه؟» ^{۴۲} و خداوند گفت: «پس کدام مباشر وفادار و هوشیار است که خداوند بر خدمتگزاران خود قرار دهد تا در موقع معین سهم گندم را بدهد؟ ^{۴۳} خوشا به حال این برده که چون خداوندش بیاید او را چنین مشغول یابد. ^{۴۴} به راستی به شما می‌گویم که وی را بر تمام اموالش قرار خواهد داد، ^{۴۵} اما اگر این برده در دل خود بگوید که خداوند من در آمدن تأخیر می‌کند و شروع به زدن غلامان و کنیزان کرده و به خوردن و نوشیدن و مستی پردازد، ^{۴۶} خداوند این برده، در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که نمی‌داند

یک ضیافت عروسی به عنوان متن موازی عمل می‌کند. برای عمل این ارباب در خدمت کردن به خادمین، ر.ک ۱۷:۷-۸؛ یو ۱۳:۳-۱۶؛ لو ۲۲:۲۷. ۴۸:۸؛ ۱۸:۸؛ ۲۶:۱۹.

۵۳-۴۹:۱۲: ویژگی بحث برانگیز خدمت عیسی (متی ۱۰:۳۴-۳۶). ۴۹: آتش، نمادی از داوری (متی ۱۱:۳؛ ۱۹:۷؛ مر ۹:۴۸؛ لو ۱۶:۳). ۵۰: تعمید، در اینجا یعنی مرگ عیسی. ۵۳: حاوی عباراتی از میک ۶:۷.

۵۴-۵۶: تفسیر زمانها (متی ۱۶:۲-۳). بادهایی که از غرب می‌وزند، رطوبت مدیترانه‌ای با خود

(۱۳)

تصمیم گیری.

تشخیص نشانه های این دوران

^{۵۴} باز به جماعت می گفت: «وقتی می بینید ابری از غرب بلند می شود همان دم می گوئید که باران می آید و چنین می شود. ^{۵۵} و وقتی باد جنوب می وزد می گوئید که گرم سوزان خواهد شد و چنین می شود. ^{۵۶} ای ریاکاران، می توانید صورت زمین و آسمان را تشخیص دهید ولی چگونه این دوران را تشخیص نمی دهید؟

پیش از داوری امور خود را سامان دهید

^{۵۷} و چرا خودتان داوری نمی کنید که چه چیزی عدالت است؟ ^{۵۸} مثلاً وقتی با مدعی خود نزد حاکم می روی، در راه کوشش نما با او تمام کنی، مبادا وی تو را نزد قاضی کشاند و قاضی تو را به داروغه تسلیم کند و داروغه تو را به زندان افکند. ^{۵۹} به تو می گویم. از آنجا بیرون نخواهی آمد تا آخرین پیشیز را پس داده باشی.»

تعجیل در توبه

^۱ در همین موقع مردانی سر رسیدند که در باره اهالی جلیل خبر آوردند که پیلطس خون آنان را با خون قربانیان شان به هم آمیخته بود. ^۲ و او به سخن درآمده بدیشان گفت: «آیا گمان می کنید که این جلیلیان چون متحمل چنین سرنوشتی شدند گناهکارتر از دیگر جلیلیان بودند؟ ^۳ به شما می گویم خیر، اما اگر توبه نکنید، همگی به همین گونه هلاک خواهید شد. ^۴ یا آن هیجده تن که برج سلوام با افتادنش آنان را کشت، آیا گمان می کنید که خطای ایشان از همه مردمانی که در اورشلیم ساکن هستند بیشتر بوده است؟ ^۵ به شما می گویم خیر، اما اگر نمی خواهید توبه کنید، همگی این چنین از بین خواهید رفت.»

مثل درخت انجیری ثمر

^۶ و این مثل را می گفت: «کسی درخت انجیری در تاکستان خود کاشته بود و آمد در آن میوه جستجو کند و نیافت. ^۷ به کارگر تاکستان گفت: اینک سه سال

می آورند و بادهایی که از جنوب می وزند خشکی بیابان را. عیسی می گوید نشانه هایی از بحران وجود دارد که انسانها از آن غفلت می کنند.

۵۷:۵۹-۵۷:۱۲: مصالحه با مدعی (متی ۵: ۲۵-۲۶). ^{۵۹}: پیشیز، یونانی: lepton، کوچکترین سکه رایج یونانی. هر «لپتون» ارزشی معادل نیم کوادران (متی ۵: ۲۶؛ مر ۴۲: ۱۲؛ که در اینجا نیز پیشیز ترجمه شده)، یک هشتم آساریون (فلس، او ۱۲: ۶) و یک صد و بیست و هشتم دینار داشت که مزد روزانه یک کارگر بوده است (متی ۲۰: ۲).
 ۱۳: ۵-۱۳: فوریت توبه. ۱: جلیلیان در حالی که در معبد اورشلیم قربانی می گذرانند به دستور پیلطس قتل عام شدند (ر. ک ۱: ۳ توضیح). به این واقعه جز در اینجا اشاره نشده است. ۲: گزارشها با خود سؤالاتی حاوی معنی عمیق تر دارند. طبق باور معمول یهودیان، تجربیات دردناک نشانه های داوری خدا بودند (ر. ک ۵: ۲۰ توضیح). عیسی هشدار برای توبه می دهد قبل از آنکه فاجعه شنوندگانش را فراگیرد. ۴: سلوام، واقع در گوشه جنوب غربی اورشلیم، جایی که حوض سیلوحا قرار داشت (اش ۸: ۶؛ نح ۳: ۱۵؛ یو ۷: ۹).
 ۱۳: ۹-۶: مثل درخت انجیر بی ثمر (مقایسه کنید با متی ۱۸: ۱۹-۱۲: ۱۴). ۷: ر. ک ۹: ۳.

چون این سخن را می‌گفت همه مخالفانش شرمگین شدند در حالی که همه جمعیت از کارهای برجسته‌ای که او انجام می‌داد شادمان بودند.

مثل های دانه خردل و خمیرمایه

^{۱۸} پس می‌گفت: «ملکوت خدا به چه شبیه است و آن را به چه می‌توانم تشبیه کنم؟^{۱۹} شبیه دانه خردلی است که مردی گرفته در باغ خود می‌افکند، رشد کرده و درختی می‌شود و پرندگان آسمان در شاخه‌هایش پناه می‌گیرند.»
^{۲۰} باز گفت: «ملکوت خدا را به چه می‌توانم تشبیه کنم؟^{۲۱} شبیه خمیرمایه‌ای است که زنی گرفته در سه پیمانه آرد پنهان می‌کند، تا اینکه همه تخمیر شود.»

آیا اسرائیل وارد ملکوت می‌شود؟

^{۲۲} و از شهرها و روستاها عبور کرده در حالی که آموزش می‌داد و به سوی اورشلیم راه می‌پیمود.
^{۲۳} کسی به او گفت: «خداوند! آیا نجات یافتگان اندک خواهند بود؟» بدیشان گفت: ^{۲۴} «کوشش کنید از در تنگ وارد شوید زیرا به شما می‌گویم، بسیاری کوشش خواهند کرد وارد شوند و موفق نخواهند شد.

^{۲۵} همین که صاحب‌خانه برخاسته در را ببندد شما که در بیرون مانده‌اید به در کوبیده خواهید گفت:

۱۳:۱۰-۱۷: شفای زن علیل در روز سبت. شفای مشابهی در روز سبت در ۱۴:۱-۶ به دنبال می‌آید. ر.ک ۴:۳۱ توضیح. ۱۴: خروج ۲۰:۹-۱۰. ۱۶: عیسی نقص جسمانی این زن را به عمل شیطان نسبت می‌دهد (ر.ک ۱۴:۱۱). چنین رنج‌ها و مصائبی با هدف خدا برای نجات در عهد او با ابراهیم تضاد دارند و مورد توجه خدمت عیسی هستند (۱۸:۴).

۱۳:۱۸-۱۹: مثل دانه خردل. (متی ۱۳:۳۱-۳۲؛ مرقس ۴:۳۰-۳۲). ۱۹: آخرین عبارت این آیه بازتاب کلمات مز ۱۰۴:۱۲؛ دان ۴:۱۲، ۲۱ است.

۱۳:۲۰-۲۱: مثل خمیرمایه (متی ۱۳:۳۳). این مثل همانند مثل قبلی (آیات ۱۸-۱۹) شکوه آینده ملکوت را با شروع ظاهراً ناچیزی که در خدمت عیسی روی می‌دهد مقایسه می‌کند.

۱۳:۲۲-۳۰: لزوم انضباط برای نجات (متی ۷:۱۳-۱۴، ۲۲-۲۳؛ ۸:۱۱-۱۲؛ ۱۹:۳۰؛ مر ۱۰:۳۱).

است که می‌آیم تا میوه‌ای در این درخت انجیر جستجو کنم و نمی‌یابم. آن را قطع کن. چرا زمین را عاطل می‌گذارد.^۸ در پاسخ او گفت: ای خداوند، امسال هم این را بگذار تا زمانی که دورادورش را بکنم و کود بدهم،^۹ شاید در آینده میوه دهد... و آلا، البته آن را قطع خواهی کرد.»

شفای زن علیل در روز سبت

^{۱۰} در یک روز سبت در کنیسه‌ای آموزش می‌داد. ^{۱۱} و آنگاه زنی که از هیجده سال پیش روحی داشت که او را ناتوان می‌کرد و او کاملاً خمیده شده و مطلقاً نمی‌توانست راست بایستد.^{۱۲} با دیدن وی عیسی او را خطاب کرده گفت: «ای زن، اینک از ناتوانی خود رها شدی.»^{۱۳} و دستهایش را بر زن نهاد و در همان لحظه آن زن راست بایستاد و خدا را تجلیل می‌کرد.

^{۱۴} رئیس کنیسه، از اینکه عیسی در روز سبت شفا داده است، برآشفته به سخن درآمد و به جمعیت گفت: «مدت شش روز باید کار کرد، پس در این روزها جهت شفا یافتن بیائید و نه در روز سبت!»
^{۱۵} خداوند در پاسخ به او گفت: «ای ریاکاران! مگر در روز سبت هر یک از شما گاو یا الاغش را از آخور باز نمی‌کند تا برای آب دادن ببرد؟^{۱۶} و این دختر ابراهیم که شیطان مدت هیجده سال است در بند کرده، نباید در روز سبت از این بند رها شود!»^{۱۷} و

بعد باید راه خود را دنبال کنم زیرا ممکن نیست که پیامبری بیرون از اورشلیم هلاک گردد.

مرثیه برای اورشلیم

^{۳۴} ای اورشلیم، ای اورشلیم، تو که پیامبران را می‌کشی و کسانی را که بسوی تو فرستاده شده‌اند سنگسار می‌کنی، بارها خواستم فرزندان را همانند مرغی که جوجه‌هایش را زیر بال‌هایش گردآوری می‌کند گرد آورم و نخواستید! ^{۳۵} اینک خانه شما به شما واگذاشته شده است. به شما می‌گویم: دیگر مرا نخواهید دید تا [روزی] فرارسد که بگوئید: مبارک باد آن که به نام خداوند می‌آید!

خداوندا برای ما بگشای. او به شما پاسخ خواهد داد: نمی‌دانم از کجا هستید.

^{۲۶} آنگاه شروع به گفتن خواهید کرد: ما در برابر تو خورده و نوشیده ایم و تو در میدان‌های ما تعلیم داده‌ای. ^{۲۷} و او به شما خواهد گفت: نمی‌دانم از کجا هستید: از من دور شوید، همه شما ای عملة ظلم!

^{۲۸} در آنجا گریه و فشار دندانها خواهد بود چون ابراهیم، اسحاق، یعقوب و همه پیامبران را در ملکوت خدا و خود را بیرون رانده ببینید ^{۲۹} و از خاور و از باختر، از شمال و از جنوب آمده در ملکوت خدا بر سر سفره خواهند نشست.

^{۳۰} و آنگاه بعضی از آخرین‌ها اولین و بعضی از اولین‌ها آخرین خواهند بود.»



عیسی رو در رو با مرگ

^{۳۱} در همان ساعت، تنی چند از فریسیان پیش آمده به او گفتند: «روانه شده از اینجا برو، زیرا هیروдіس می‌خواهد تو را بکشد.» ^{۳۲} و بدیشان گفت: «بروید به آن روباه بگوئید: اینک من دیوها را می‌رانم و امروز و فردا شفا دادن‌ها به انجام می‌رسانم و روز سوم برای من تمام می‌شود. ^{۳۳} اما امروز و فردا و روز

شفای بیمار مبتلا به استسقا در روز سبت
^۱ باری چون در یک روز سبت برای صرف غذا به خانه یکی از رؤسای فریسیان آمده بود، ایشان در کمین او می‌بودند. ^۲ و حال یک انسان مبتلا به استسقا در برابر او بود. ^۳ و عیسی به سخن درآمد به عالمان شریعت و فریسیان گفت: «آیا در روز سبت شفا دادن مجاز است یا خیر؟» ^۴ و ایشان خاموش

^{۲۷}: کلمات این آیه شباهت‌هایی با مز ۹:۶ دارد. ^{۲۹}: مز ۱۰۷:۳.

^{۱۳-۳۳}: گزارش درباره هیروдіس و جواب عیسی. اینجا، منظور مناطق جلیل و پره است که قلمرو هیروдіس بودند (ر.ک ۱:۳ توضیح). ^{۳۲}: روباه، عیسی با مقایسه هیروдіس با روباه که نماد چاپلوسی و حيله‌گری است، تمثیلی عاری از چاپلوسی ارائه می‌دهد. عیسی این موضوع را نفی می‌کند که دشمنی احتمالی هیروдіس بتواند مانع خدمت او شود، خدمتی که هنوز به هدف خود نرسیده است. ^{۳۳}: ممکن نیست ... طنز تلخی که در ادامه به مرثیه‌های دردناک ختم می‌شود (ر.ک ۱۳:۳۴-۳۵؛ ۱۹:۴۱-۴۲).

^{۱۳-۳۴}: مرثیه عیسی بر اورشلیم (متی ۲۳:۳۷-۳۹). ^{۳۵}: ر.ک ۲۲:۵. نقل قول از مز ۱۱۸:۲۶: ر.ک لو ۱۹:۳۷-۳۸.

^{۱۴-۶}: شفای مرد مبتلا به استسقا در روز سبت. این داستان شفا، دومین بخش از دو روایت متوازن است که اولی در روایت شفای زن علیل (۱:۱۳-۱۶) آمده و نشان‌دهنده توجه لوقا برای نشان دادن ماهیت فراگیر خدمت عیسی است. ^۲: استسقا، باد کردن بدن در اثر نگهداری غیر طبیعی مایعات.

ماندند و او را گرفته شفا داد و روانه کرد.^۵ و به آنان گفت: «کدام یک از شما اگر پسر یا گاوش در چاهی بیفتد، همان روز سبت فوراً او را از آن بیرون نخواهد کشید؟»^۶ و نتوانستند به آن پاسخ دهند.

پذیرائی می‌کنی، فقیران، ناقص‌العضوها، لنگان و کوران را دعوت کن^{۱۴} و خوشبخت خواهی بود که چیزی ندارند به تو پس بدهند زیرا در روز رستائیز عادلان، به تو پس داده خواهد شد.»

انتخاب پایین ترین جایگاه

^۷ و مثلی برای مهمانان می‌گفت چون می‌دید که چگونه نخستین نشیمنگاه‌ها را برمی‌گزینند. به ایشان می‌گفت: ^۸ «چون به عروسی دعوت شدی، مرو در نخستین جایگاه بنشین، مبدا شایسته تراز تو هم دعوت شده باشد. ^۹ و کسی که شما، تو و او را دعوت کرده است آمده به تو بگوید: جایگاه را به او بده، و آنگاه تو سراپا شرمگین گشته رفته آخرین جایگاه را اشغال خواهی کرد. ^{۱۰} اما چون دعوت شدی، برو در آخرین جایگاه بنشین، به طوری که آن کس که تو را دعوت کرده است آمده به تو بگوید: ای دوست من، بالاتر بفرماید. آنگاه در برابر همه کسانی که با تو بر سر سفره هستند برایت افتخار خواهد بود. ^{۱۱} زیرا هر که خود را بالا برد، پائین آورده خواهد شد ولی هر که خود را پائین آورد، بالا برده خواهد شد.»

مهمانانی که به جای آنان بینوایان می‌آیند ^{۱۵} با این سخنان، یکی از مهمانان به او گفت: «خوشا به حال آن که غذایش را در ملکوت خدا صرف خواهد کرد!» ^{۱۶} به او گفت: «مردی مهمانی شام بزرگی می‌داد که بسیاری از مردم را بدان دعوت کرد. ^{۱۷} و در ساعت شام برده‌اش را فرستاد تا به مهمانان بگوید: بیایید زیرا اکنون آماده است. ^{۱۸} اما همه یک صدا شروع به عذرخواهی کردند. نخستین به وی گفت: من کشتزاری خریده‌ام و باید رفته آن را ببینم، خواهشمندم مرا معذور بداری ^{۱۹} و دیگری گفت: من پنج جفت گاو خریده‌ام و می‌روم تا آنها را بیازمایم، خواهشمندم مرا معذور بداری. ^{۲۰} و دیگری گفت: من تازه زن گرفته‌ام و برای همین نمی‌توانم بیایم. ^{۲۱} و برده در بازگشت خود، این را به خداوندش گفت. آنگاه خداوند خانه خشمگین به برده‌اش گفت: سریعاً به میدانها و کوچه‌های شهر برو و فقیران و ناقص‌العضوها و کوران و لنگان را به اینجا بیاور. ^{۲۲} و برده گفت: خداوند آنچه فرمان داده‌ای انجام شده ولی هنوز هم جا هست. ^{۲۳} و خداوند به برده گفت: به سر کوره‌راهها و کنار پرچین‌ها بیرون برو و برای آنکه خانه من پر شود مجبور کن اشخاص وارد شوند، ^{۲۴} زیرا به شما

دعوت از بینوایان

^{۱۲} باز به آن کسی که از او دعوت کرده بود می‌گفت: «وقتی ناهار یا شامی می‌دهی، دوستان، برادران، بستگان و نزدیکان ثروتمند خود را دعوت مکن مبدا ایشان هم به نوبه خود تو را دعوت کنند و همانند آن را به تو پس بدهند. ^{۱۳} اما وقتی

۵: در برخی متون قدیمی به جای «پسر»، «الاغ» آمده است. شاید کاتب خواسته با این تغییر، این متن را هم به صورت درونی و هم با آیه ۱۵:۱۳ هماهنگ سازد.

۱۴-۷: مثل درباره فروتنی. ۸: امث ۶:۲۵-۷. ۱۱: ر. ک ۱۳:۳۰؛ ۱۴:۱۸؛ مت ۴:۱۸؛ ۱۲:۲۳.

۱۴-۲۴: مثل ضیافت شام بزرگ (مت ۲۲:۱-۱۴). ۲۴: شما در حالی به صورت جمع آمده که ارباب

می‌گویم، هیچ یک از این انسان‌هایی که دعوت شده بودند از شام من نخواهند چشید.»

^{۳۳} پس هم چنین، هر که از بین شما اگر از همه اموال خود صرف نظر نکند نمی‌تواند شاگرد من باشد.

ترك همه چیز برای پیروی از عیسی

^{۲۵} جماعت بسیاری با او راه می‌پیمودند و رو برگردانده به ایشان گفت: ^{۲۶} «اگر کسی به سوی من آید و پدر و مادر و زن و فرزندان و برادران و خواهران و حتی جان خود را منفور ندارد نمی‌تواند شاگرد من باشد ^{۲۷} هر که صلیبش را بر ندارد و به دنبال من نیاید نمی‌تواند شاگرد من باشد.

^{۲۸} زیرا کدام یک از بین شما اگر بخواهد برجی بنا کند شروع نمی‌کند که بنشیند تا هزینه آن را حساب کند که ببیند آیا برای اتمام آن دارد؟ ^{۲۹} مبدا اگر پی‌ها را بریزد و نتواند تمام کند همه کسانی که نگاه می‌کنند او را تمسخر کرده بگویند: ^{۳۰} اینک مردی که آغاز به بنا کرده و نتوانسته آن را تمام کند!

^{۳۱} یا کدام پادشاهی است که برای رفتن به جنگ پادشاهی دیگر شروع نمی‌کند که بنشیند تا بررسی کند آیا قدرت دارد با ده هزار مرد به مقابله آن کسی برود که در برابرش با بیست هزار می‌آید؟ ^{۳۲} وگرنه البته در وقتی که آن دیگری هنوز دور است هیئتی می‌فرستد تا شرایط صلح را بپرسد.

﴿ ۱۵ ﴾

عیسی و گناهکاران

^۱ باجگیران و گناهکاران همگی نزد او می‌آمدند تا از او بشنوند. ^۲ و فریسیان و کاتبان زمزمه کرده می‌گفتند: «او گناهکاران را می‌پذیرد و با ایشان غذا می‌خورد!» ^۳ به ایشان این مثل را گفت:

مثل بره‌بازیافته

^۴ «کدام یک از بین شما اگر صد بره داشته باشد و یکی را گم کند، آن نود و نه را در صحرا نمی‌گذارد و به دنبال آن یکی که گم شده است نمی‌رود تا آن را

در مثل فقط با یک خادم صحبت می‌کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که عیسی شکل تمثیلی را در آیه ۲۳ کامل کرده باشد، و حال او با میهمانان (در آیه ۲۴) به طور مستقیم صحبت می‌کند، به عنوان جواب به اظهار نظر میهمانان در آیه ۱۵. شام من اشاره ای است به ضیافت مسیحایی (ر.ک ۳۷:۱۲ توضیح).

۲۵:۲۳-۲۵:۱۴: هزینه‌های شاگرد بودن (متی ۱۰:۳۷-۳۸). مجموعه‌ای از گفتارها که ضرورت وقف کامل شاگرد برای پیروی از عیسی را بیان می‌کنند. **۲۶:۱۲-۲۵:۲۵**. نفرت زبانی صریح و روشن است، متن موازی در مت ۳۷:۱۰ منظور عیسی را بهتر بیان می‌کند. **۲۷:۲۷**. ر.ک مر ۸:۳۴. **۳۱-۳۲**: احتمالاً اشاره ای گذرا به حادثه ای اخیراً روی داده است.

۳۴:۳۵-۳۴:۱۴. گفتار درباره نمک (متی ۵:۱۳، مرقس ۹:۴۹-۵۰). این گفتار، هشداریه علیه شاگرد بودن توأم با بی‌حالی و بی‌اشتیاقی است. در قدیم، نمک کلرید سدیم خالص نبود، بنابراین ممکن بود سایر مواد در نمک فاسد شده و موجب شود که نمک دیگر خاصیتی نداشته باشد.

۱۵:۷-۱۵:۷: مثل گوسفند گمشده (متی ۱۸:۱۲-۱۴). خدا مکرراً شبان خطاب شده است، هم از طرف

بیابد؟^۵ و چون آن را یافت شادمان بر روی دوشهایش می نهد^۶ و در بازگشت به خانه خود، دوستان و نزدیکان را دعوت کرده به ایشان می گوید: با من شادی کنید زیرا بره ام را که گم شده بود یافته ام!^۷ به شما می گویم: این چنین در آسمان تنها برای یک گناهکار که توبه می کند شادی بیشتری خواهد بود تا برای نود و نه عادل که نیازی به توبه ندارند.

مثل سگه بازیافته

^۸ یا کدام زنی اگرده درهم دارد و یک درهم گم کند، چراغی روشن نمی سازد و خانه را جاروب نمی کند و با دقت نمی گردد تا آن را بیابد؟^۹ و چون آن را یافت، دوستان و نزدیکان خود را دعوت کرده به آنان می گوید: با من شادی کنید زیرا درهمی را که گم کرده بودم یافته ام!^{۱۰} به شما می گویم: این چنین در نزد فرشتگان خدا تنها برای یک گناهکار که توبه می کند شادی بوجود می آید.»

مثل پسر بازیافته

^{۱۱} باز گفت: «انسانی دو پسر داشت.^{۱۲} و کوچکتر به پدرش گفت: ای پدر، سهم مرا از دارائی که به من می رسد بده. وی مایملک زندگی خود را بین ایشان تقسیم کرد.^{۱۳} و چند روز بعد، پسر کوچکتر همه چیز

را جمع کرده به سوی سرزمینی دور دست عزم سفر نمود و در آنجا با زندگی در بی بند و باری دارائی خود را پراکنده کرد.^{۱۴} وقتی همه را خرج کرد قحطی سختی در آن سرزمین روی داد و نیازمندی او شروع شد.^{۱۵} وی به یکی از شهروندان آن سرزمین متوسل شد، که او را برای نگاهداری خوک ها به کشتزارهایش فرستاد.^{۱۶} و آرزویش این بود که شکمش را با خرنوبی که به خوکان می دادند پر کند و کسی به او نمی داد.^{۱۷} به خود باز آمده گفت: چقدر اجرت بگیران پدرم نان به وفور دارند و من در اینجا از گرسنگی هلاک می شوم!^{۱۸} می خواهم برخاسته نزد پدرم بروم و به او بگویم: ای پدر علیه آسمان و نسبت به تو گناه کرده ام،^{۱۹} دیگر سزاوار نیستم که پسر تو نامیده شوم. با من چون یکی از اجرت بگیران خود رفتار کن.^{۲۰} برخاسته به سوی پدرش آمد. چون هنوز دور می بود، پدرش وی را دیده بر او ترحم کرد، دویده او را در آغوش خود گرفت و غرق در بوسه کرد.^{۲۱} پسر به او گفت: ای پدر علیه آسمان و نسبت به تو گناه کرده ام، دیگر سزاوار نیستم که پسر تو نامیده شوم.^{۲۲} اما پدر به بردگان خود گفت: زود زیباترین رداها را آورده و به او بپوشانید و انگشتی به انگشتش و پاپوشهایی به پاهایش بکنید.^{۲۳} و گوساله پرواری را آورده ذبح کنید، بخوریم و جشن

بنی اسرائیل (مثلاً مز ۷۸:۵۲؛ ۸۰:۱۱؛ ۱۰۰:۳) و هم افراد متفاوت (مز ۲۳)، مثلاً در مورد تصویر گوسفند گمشده، ر.ک مز ۱۱۹:۱۷۶؛ ۵۰:۶؛ حزق ۳۴:۱۵-۱۶. ۶-۷: اشاره به شادی، پیش نمودی است از اعلام های شادی در دو مثال بعدی که به موضوع گمشده و یافت شده اختصاص دارد.

۸:۱۵-۱۰: مثل سگه گمشده. جارو زدن زن و جستجوی سگه آشکارا در مثال گنجانده شده تا نشان دهنده فعالیت خدا باشد. ۸: درهم، یونانی: دراختما که معادل دیناری یعنی مزد روزانه یک کارگر بوده است.

۱۱-۳۲: مثل پسر گمشده. ۱۲: درباره سهم و میراث، ر.ک تث ۲۱:۱۷. ۱۵: خوک، ر.ک ۸:۳۲ توضیح. ۲۲-۲۴: جایگاه او به عنوان پسر، آزادانه دوباره برقرار می شود، هر چند ارثیه او از بین رفته است. این مثل، نشان دهنده فیض خدا نسبت به کسانی است که شورش کرده ولی باز می گردند. ۲۲: ردا، لباس جشن (که در هنگام کار پوشیده نمی شود). انگشتی، نشانه اقتدار. پاپوش یا صندل، برده ها پا برهنه بودند. ر.ک پید ۴۱:۴۲؛ زک ۴:۳. ۲۳: گوساله پرواری، بیانگر تجمل و تشریفات، ر.ک ۱- سمو ۲۸:۲۴:

﴿ ۱۶ ﴾

مباشر هوشیار

۱ همچنين به شاگردان می گفت: «مرد ثروتمندی بود که مباشری داشت و اتهاماتی نزد او مطرح کردند که این [مرد] اموالش را پراکنده می سازد. ۲ و او را فراخوانده به او گفت: درباره تو چه حرفی می شنوم؟ حساب مباشرت خود را پس بده زیرا دیگر نمی توانی مباشرت کنی. ۳ مباشر به خود گفت: چه کنم، زیرا اربابم مباشرت را از من می گیرد. آیا بیل بزنم؟ توانش را ندارم. گدائی کنم؟ خجالت می کشم... ۴ می دانم چه کنم تا وقتی از این مباشرت برکنار شوم کسانی مرا در خانه خود بپذیرند. ۵ و یکایک بدهکاران اربابش را نزد خود فراخوانده به او گفت: چقدر به ارباب من بدهکاری؟ ۶ او گفت: صد رطل روغن. به او گفت: رسیدت را بگیر، بنشین و زود بنویس پنجاه. ۷ بعد به یکی دیگر گفت: و تو چقدر بدهکاری؟ او گفت: صد کیل گندم. به او گفت: رسیدت را بگیر و بنویس هشتاد. ۸ و ارباب مباشر بی عدالت را از اینکه هوشیارانه عمل کرده بود تحسین نمود. زیرا پسران این دنیا، از پسران نور نسبت به هم نسلان خود هوشیارتر هستند.

بگیریم. ۲۴ زیرا این پسر من که مرده بود، به زندگی باز آمده است، گم شده بود، بازیافته شده است و آغاز به جشن کردند.

۲۵ پسر بزرگش در کشتزارها بود. در بازگشت، چون به خانه نزدیک شد صدای موسیقی و رقص شنید. ۲۶ و یکی از خدمتگزاران را صدا کرده پرسید چه خبر است. ۲۷ به او گفت: «این برادر تو است که برگشته و پدرت گوساله پرواری را ذبح کرده زیرا او را سلامت باز یافته است. ۲۸ وی به خشم آمده از داخل شدن امتناع می ورزید. پدرش خارج شده از او خواهش کرد، ۲۹ اما او در پاسخ به پدرش گفت: اینک سالهاست بی آنکه هرگز یکی از دستورهای تو را زیر پا نهم به تو خدمت کرده ام و تو هرگز به من بزرگاله ای نداده ای تا با دوستانم جشن بگیرم. ۳۰ و چون این پسرت پس از آنکه مایملک زندگی تو را با روسپیان بلعیده برگشته است، به خاطر او گوساله پرواری را ذبح می کنی! ۳۱ به او گفت: ای فرزند، تو همیشه با من هستی و هر آنچه از آن من است از آن تو است. ۳۲ اما بایستی جشن گرفته شادی می کردیم زیرا برادرت که اینجا است، مرده بود و زندگی را از سر گرفته، گم شده بود و باز یافته شده است.»

عا ۶:۴. ۲۵-۳۲: رقابت بین برادران موضوعی عادی در کتاب مقدس است (ر. ک پید ۴:۲-۸؛ ۲۵:۲۷-۴۳؛ ۲۷:۱-۳۶؛ ۳۷:۱-۴). به طعنه پسر بزرگتر توجه کنید («این پسر»، آیه ۳۰). ۳۱: ر. ک آیه ۱۲ توضیح.

۱۶-۹: مثل مباشر نادرست. به نظر می رسد که اوج این داستان پر رمز و راز آیه ۸ باشد و توضیح عیسی در آیه ۹ به دنبال می آید. معنی داستان برای آنهایی که تعلیم عیسی را می شنوند این است که مباشر نادرست در استفاده از چیزهای مربوط به این زندگی برای تضمین آینده جسور بود، بدین سبب ایمانداران نیز باید همین کار را بکنند. به هر حال به طور کلی معنی احتمالی داستان این است که مباشر در بر باد دادن ثروت ارباب با نادرستی عمل کرده است. هنگامی که با او برخورد می شود او الزاماً در رفتاری نادرست درگیر نمی شود (در واقع او به خاطر اعمالش ستوده می شود)، اما او بدهکاران را صدا زده و صورت حساب آنها را با حذف درصد حق الزحمه خود کاهش می دهد. بنابراین با گستاخی از دارایی های مادی استفاده می کند تا حق شناسی بدهکاران ارباب خود را جلب کند. ۸: ارباب، تحت اللفظی «خداوند»، شاید اشاره به طرز خطاب لوقا به عیسی دارد که معمولاً «خداوند» می گوید تا اینکه سخن خود عیسی در مثل باشد. فرزندان نور، آنهایی که از نظر روحانی منور شده اند، این عبارت در یو ۱۲:۳۶؛ افس ۵:۸؛ ۱-تسا ۵:۵ و نیز در

درباره پول فریبنده و ثروت واقعی

^۹ «و من به شما می‌گویم: برای خودتان به وسیلهٔ ممونای بی‌عدالتی دوستانی پیدا کنید، تا اگر کم شود اینان شما را در خیمه‌های جاودانی بپذیرند.

^{۱۰} آن‌که در مورد کم‌امین است در مورد زیاد نیز امین است و هر که در مورد کم بی‌عدالت است در مورد زیاد نیز بی‌عدالت است.^{۱۱} پس اگر خود را در ممونای بی‌عدالتی امین نشان نداده‌اید چه کسی ثروت واقعی را به شما خواهد سپرد؟^{۱۲} و اگر دربارهٔ ثروت کس دیگری خود را امین نشان نداده‌اید، چه کسی مال خودتان را به شما خواهد داد؟»

^{۱۳} هیچ خدمتگزاری نمی‌تواند دو خداوند را خدمت کند، زیرا یا یکی را منفور داشته و دیگری را محبت خواهد کرد یا به یکی علاقمند شده و دیگری را خوار خواهد شمرد. شما نمی‌توانید هم خدا و هم ممون را خدمت کنید.»

تورات و ملکوت

^{۱۴} فریسیان که دوستدار پول هستند، همهٔ اینها را می‌شنیدند و او را مسخره می‌کردند.^{۱۵} و به ایشان گفت: «شما از کسانی هستید که خود را در برابر مردم عادل جلوه می‌دهند. اما خدا قلبهای شما را می‌شناسد، زیرا آنچه در نظر مردم والاست در برابر خدا قبیح است.

^{۱۶} تورات و پیامبران تا یحیی می‌رسند، از آن پس ملکوت خدا نوید داده شده است و هر کس [بر آن] زور می‌آورد.

^{۱۷} آسان‌تر است که آسمان و زمین بگذرد تا اینکه خط کوچکی از تورات بیفتد.

^{۱۸} هر که زنش را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند مرتکب زنا می‌شود و هر که با زنی که شوهرش طلاق داده ازدواج کند، مرتکب زنا می‌شود.

طومارهای بحرالمیت ذکر شده که در آنجا در تضاد با آن عبارت «فرزندان تاریکی» آمده است. ۹: ممون، به معنی پول یا ثروت. «ممونا» ترجمه یونانی کلمه ای سامی است که احتمالاً به معنی «چیزی که می‌توان به آن کاملاً اعتماد کرد» می‌باشد.

۱۶-۱۸: مجموعه ای از گفتارهای پراکنده. ۱۰-۱۲: گفتاری درباره وفاداری. ۱۱، ۱۳: ممون، ر.ک آیه ۹ توضیح. ۱۳: غیرممکن بودن خدمت به دو ارباب (مت ۲۴: ۶؛ ر.ک تث ۱۳: ۶). ۱۴-۱۵: انتقاد شدید از فریسیان. ۱۶-۱۷: گفتاری در رابطه با شریعت (مت ۱۲: ۱۱-۱۳؛ ۵: ۱۸؛ لوقا ۲۱: ۳۳). ۱۶: در اینجا یحیی تعمید دهنده به عنوان شخصیتی که از طریق او به کمال رسیدن وعده‌های خدا شروع به ظاهر شدن کرده است معرفی شده. شریعت و انبیا دو بخش اول از سه بخش کتاب مقدس عبری است، تورات یعنی «شریعت» موسی و انبیا یعنی از یوشع تا دوم پادشاهان؛ ر.ک لوقا ۱۶: ۲۹؛ ۲۴: ۲۷-۴۴. ۱۸: گفتاری درباره طلاق (مت ۵: ۳۲؛ ۱۹: ۹؛ مر ۱۰: ۱۱-۱۲). این سخن، اقدام همزمان به طلاق و ازدواج با دیگری را محکوم می‌کند؛ به عبارت دیگر، طلاقی که ازدواج مجدد را تسهیل می‌نماید. هیرودیس آنتیپاس دقیقاً همین کار را کرده بود، ر.ک ۱۹: ۳-۲۰ توضیح.

مثل مرد ثروتمند و ایلعازر

^{۱۹} انسان ثروتمندی بود که ارغوان و کتان ظریف می پوشید و هر روز جشنی با شکوه برپا می کرد. ^{۲۰} فقیری به نام ایلعازر به نزدیک دروازه او دراز کشیده بود که سراپا پوشیده از زخم بود ^{۲۱} و بسیار آرزو داشت که از آنچه از سفره مرد ثروتمند می افتد خود را سیر کند. علاوه بر آن سگان هم آمده زخمهایش را می لیسیدند.

^{۲۲} باری آن فقیر مُرد و به وسیله فرشتگان به آغوش ابراهیم برده شد. ثروتمند نیز مرد و دفن گردید. ^{۲۳} و در وادی مردگان، هنگامی که گرفتار عذابها می بود چشمها را بلند کرده از دور ابراهیم و در آغوش وی ایلعازر را می بیند. ^{۲۴} و فریاد برآورده می گوید: ای ابراهیم، ای پدر، بر من رحم کن و ایلعازر را بفرست تا سرانگشتش را به آب تر کرده زبان مرا خنک سازد، زیرا در این شعله رنج می کشم. اما ابراهیم گفت: ^{۲۵} ای فرزند من، به یاد بیاور که تو نیکی ها را در زندگی خود دریافت کرده ای، به همین گونه ایلعازر بدی ها را. اکنون وی اینجا تسلی یافته و تو در رنج هستی. ^{۲۶} و دیگر اینکه بین ما و شما ورطه بزرگی قرار گرفته تا کسی که بخواهد از اینجا به سوی شما

عبور کند نتواند و نیز از آنجا به طرف ما عبور نکند. ^{۲۷} گفت: پس ای پدر، از تو خواهش دارم او را به خانه پدرم بفرستی، ^{۲۸} زیرا پنج برادر دارم، که به آنان شهادت بدهد تا آنان نیز به این جایگاه عذاب نیایند. ^{۲۹} و ابراهیم گفت: آنان موسی و پیامبران را دارند، به آنان گوش کنند. ^{۳۰} اما او گفت: نه ابراهیم، ای پدر، اگر کسی از نزد مردگان به سوی ایشان برود توبه خواهند کرد. ^{۳۱} ولی به او گفت: چون به موسی و پیامبران گوش نمی دهند، حتی اگر کسی از میان مردگان برخیزد، قانع نخواهند شد.»



اخطار به شاگردان^۹

(متی ۱۸: ۶-۷؛ مرقس ۹: ۴۲)

^۱ به شاگردانش گفت: «محال است که لغزش ها فرانسند، اما وای بر آن کسی که به وسیله او فراروند، ^۲ برای او بهتر است که سنگ آسیابی به گردنش آویخته و به دریا افکنده شود تا این که موجب لغزش یکی از این کوچکان گردد. ^۳ مواظب خودتان باشید!

۱۹:۳۱-۱۶: مثل مرد ثروتمند و ایلعازر. تأکیدی آشکار بر این مثل (آیات ۲۷-۳۱) این است که کتاب مقدس عبری صحبت از دعوتی فوری و کافی به توبه می کند (آیه ۱۷) به صورت کلی به نظر می رسد که این داستان نوعی بیان تصویری آیات ۱۰-۱۵ است. ^{۱۹} مرد ثروتمند، هر چند نامش ذکر نشده اما معمولاً **Dives** نامیده می شود که به زبان لاتین «مرد توانگر» معنی می دهد. ارغوان، لباسی از پارچه گرانتقیمت که با مایعی که از نوعی صدف ماهی به دست می آمد رنگ می شد. ^{۲۰} شخصی که در اینجا نامش برده شده نباید با ایلعازر مذکور در یو ۱۱: ۱-۴۴؛ ۱۲: ۱، ۹ یکی دانسته شود. ^{۲۱-۲۲} شخصیت اخلاقی ایلعازر نادیده گرفته شده تا کمبود وحشتناک در زندگی ثروتمند بی تفاوت و نیز غیرممکن بودن تغییر محکومیت او نشان داده شود. ^{۲۲} آغوش ابراهیم، بیانی سنتی برای اشاره به وضعیت مبارک شخص در زمان بعد از مرگ، ر.ک ۱۳: ۲۸-۲۹. ^{۲۹} موسی و پیامبران، ر.ک آیه ۱۶ توضیح. ^{۳۱} از میان مردگان برخیزد، اشاره ای آشکار به رستاخیز عیسی (ر.ک ۲۲: ۹) و به دنبال آن امتناع عده ای از باور آن. **۱۷: ۱-۱۳ الف: خطر موجب وسوسه شدن** (متی ۱۸: ۶-۷؛ مرقس ۹: ۴۲). ^۲ کوچکان، یعنی شاگردان.

شفای ده جذامی و نجات تنها يك سامری

۱۱ باری چون به سوی اورشلیم راه می پیمود از حدود سامره و جلیل می گذشت. ۱۲ و به هنگام ورودش به یک روستا، ده جذامی به پیشواز او آمده از دور ایستادند. ۱۳ و صدای خود را بلند کرده گفتند: «ای عیسی، ای سرور بر ما رحم کن!» ۱۴ با دیدن این، به ایشان گفت: «بروید و خود را به کاهنان نشان دهید.» باری همین که می رفتند پاک شدند. ۱۵ یکی از آنان چون دید که شفا یافته است، با صدای بلند خدا را ستایش کنان برگشت. ۱۶ و به پاهای عیسی به سجده افتاد در حالی که به وی شکرگزاری می کرد و او یک سامری بود! ۱۷ عیسی به سخن درآمده گفت: «مگر هر ده نفر پاک نشده بودند؟ پس نه نفر دیگر کجا هستند؟» ۱۸ پس برای برگشتن و ستایش خدا جز این بیگانه یافت نشد! ۱۹ و به او گفت: «برخیز و برو، ایمانت تو را نجات داده است!»

فرارسیدن پادشاهی خدا

۲۰ چون فریسیان از او می پرسیدند که چه وقت فرمانروائی خدا فراخواهد رسید به ایشان پاسخ داده گفت: «فرمانروائی خدا به طریقی که بتوان ملاحظه کرد نمی آید. ۲۱ و نخواهند گفت: همانا اینجا است یا آنجا است! زیرا اینک فرمانروائی خدا در میان شما است.»

اگر برادرت گناهی کند او را نهیب بزن و اگر توبه کرد او را ببخش. ۴ و اگر در روز هفت بار علیه تو گناه کند و هفت بار به سوی تو بازگردد و بگوید: توبه کردم، تو او را خواهی بخشید.» ۵ و رسولان به خداوند گفتند: «به ایمان ما بیفزای.» ۶ خداوند گفت: «اگر به اندازه دانه خردلی ایمان می داشتید، به این درخت توت می گفتید: از ریشه کنده شده در دریا کاشته شو و از شما اطاعت می کرد!»

خادمی که فقط وظیفه خود را انجام داده

۷ کدام یک از میان شما، اگر برده ای داشته باشد که شخم می زند یا دامها را می چراند، در بازگشتش از کشتزار به او خواهد گفت: زود باش بیا بر سر سفره بنشین؟ ۸ آیا برعکس به وی نخواهد گفت: چیزی برای شام من تهیه کن و برای خدمت به من کمر خود را ببند تا اینکه خورده و نوشیده باشم، بعد تو خواهی خورد و خواهی نوشید؟ ۹ آیا از آن برده قدردانی می کند که آنچه را دستور داده انجام داده است؟ ۱۰ هم چنین شما: وقتی همه آنچه را که به شما دستور داده شده به انجام رساندید بگوئید: ما بردگانی بی فایده هستیم و آن کاری را کرده ایم که می بایست کرده باشیم.»

۱۷:۳-۴: گفتارهایی درباره بخشش (متی ۱۵:۱۸؛ ۲۱-۲۲).

۱۷:۵-۶: گفتار درباره ایمان (متی ۱۷:۱۹-۲۱؛ مرقس ۹:۲۸-۲۹). ۶: به اندازه دانه خردل، ر.ک مر ۴:۳۱. ۱۷:۷-۱۰: وظیفه اطاعت. برای رسولان، اطاعت از خدا وظیفه ای است که می باید اجرا شود و نه فرصتی برای پاداش، ر.ک ۱۲:۳۵-۳۸.

۱۷:۱۱-۱۹: پاک شدن ده جذامی. ۱۲: لاو ۱۳:۴۵-۴۶. ۱۴: کاهنان، ۱۳:۲-۳؛ ۱۴:۳۲-۳۳. ۱۶: سامری، ر.ک ۹:۵۲ توضیح. ۱۷: نه نفر دیگر، احتمالاً یهودی بودند. ۱۸: ۷:۹. ۱۹: ۵۰:۷؛ ۴۸:۸؛ ۴۲:۱۸. جذامی سامری علاوه بر شفا از بیماری، نجات نیز یافت.

۱۷:۲۰-۲۱ آمدن پادشاهی خدا. ۲۰: ۱۱:۱۹؛ ۲۱:۷، ۴۱:۶. ۲۱: سؤال کنندگان در ذهن خود پادشاهی را در نظر داشتند که منافع مادی و سیاسی بیاورد. عیسی تأکید را از انتظارات آینده به حضور ملموس پادشاهی در زندگی و خدمت خود برمی گرداند؛ ر.ک ۱۱:۲۰.

روز پسر انسان

^{۲۲} و به شاگردان گفت: «روزهائی خواهد آمد که آرزوی دیدن یکی از روزهای پسر انسان را خواهید کرد و آن را نخواهید دید.

^{۲۳} و به شما خواهند گفت: اینک آنجا است! اینک اینجا است! آنجا نروید و اینجا شتاب نکنید، ^{۲۴} زیرا همان گونه که آذرخش رخشنده از یک نقطه آسمان به نقطه دیگر می درخشد، پسر انسان نیز در روز خود این چنین خواهد بود. ^{۲۵} اما اوّل باید رنج زیادی کشیده به وسیله این نسل رانده شود.

^{۲۶} و همان گونه که در روزگار نوح انجام شد، باز در روزهای پسر انسان نیز این چنین خواهد شد. ^{۲۷} می خوردند و می نوشیدند و زن یا شوهر می گرفتند تا روزی که نوح وارد کشتی شد و طوفان فرارسید که همه را هلاک کرد. ^{۲۸} به همین گونه، همان طور که در روزهای لوط انجام شد: می خوردند، می نوشیدند، خرید و فروش می کردند، می کاشتند و بنا می کردند. ^{۲۹} اما در روزی که لوط از سدوم بیرون شد، از آسمان آتش و گوگرد بارید که همه را هلاک کرد. ^{۳۰} هم چنین خواهد بود روزی که پسر انسان بایستی پدیدار شود.

^{۳۱} در آن روز کسی که بر پشت بام و وسایلش در خانه باشد برای برداشتن آنها به پائین نرود و هم چنین کسی که در کشتزار باشد سر به عقب

برنگرداند. ^{۳۲} زن لوط را به یاد آورید. ^{۳۳} هر که در پی حفظ جاننش باشد، آن را از دست خواهد داد و هر که آن را از دست بدهد آن را زنده خواهد کرد. ^{۳۴} این را به شما می گویم: در آن شب دو نفر در یک بستر خواهند بود، یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد. ^{۳۵} دو [زن] با هم آسیاب خواهند کرد، یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد. ^{۳۶} [...] ^{۳۷} و در پاسخ به او می گویند: «خداوند! کجا؟» به ایشان گفت: «تن در هر کجا باشد، کرکسان هم در آنجا جمع خواهند شد.»



مثل قاضی بی اعتنا و بیوه زن مُصر

^۱ به آنان مثلی گفت در باره اینکه باید همواره نیایش کنند و مایوس نشوند. می گفت: ^۲ «در شهری یک قاضی بود که از خدا نمی ترسید و از هیچ انسانی پروا نداشت. ^۳ و در این شهر بیوه زنی بود که نزد او آمده می گفت: داد مرا از مدعی من بگیر. ^۴ و او مدتی امتناع کرد. پس از آن به خود گفت: هر چند از خدا نمی ترسم و از هیچ انسانی پروا ندارم، ^۵ چون این بیوه زن باعث مزاحمت من شده، داد او را خواهم گرفت تا مدام نیاید و مرا زحمت دهد.»

۱۷:۲۲-۳۷: روز پسر انسان (متی ۲۴:۱۷-۱۸؛ ۲۳:۲۶-۲۸؛ ۳۷:۴۱؛ مرقس ۱۳:۱۴-۱۶؛ ۱۹:۲۳). در باب ۲۴ متی تعالیم مشابهی اما با ترتیب متفاوت وجود دارد. ۲۴: آمدن به صورت ناگهانی و قابل تشخیص برای همه خواهد بود. ۲۵: ۲۲:۹. ۲۶-۲۷: پید ۵:۶-۸؛ ۶:۷-۲۴. ۲۸-۳۰: پید ۱۸:۱۶-۱۹:۲۸. ۳۱: پشت بام، سقف مسطح که توسط نردبانی در بیرون قابل دسترس بود. ۳۲: پید ۱۹:۲۶. ۳۳: ۲۴:۹. [۳۶]: این آیه توسط کاتب به متن اصلی لوقا اضافه شده تا گفتار مت ۲۰:۲۴ را دربرگیرد. ۳۷: مت ۲۴:۲۸. سؤال کنندگان مایل هستند بدانند کجا مسیح و قوم او قرار خواهند گرفت. اما به جای جواب صریح به آنان، عیسی اخطار می کند: با همان اطمینان و قطعیتی که لاشخورها لاشه را پیدا می کنند، داوری خدا نیز خواهد آمد، بنابراین همیشه آماده بمانید.

۱۸-۸: مثل قاضی ناعادل و بیوه زن سمح. هدف مثل به دقت بیان شده (ر. ک ۵:۱۱-۸) شاید به این دلیل که جزئیات و ترتیب داستان به نظر شنوندگان ناهماهنگ است (همانند ۱۶:۱-۹). ۳: تث ۲۷:۱۹.

۶ و خداوند گفت: «بشنوید آنچه این قاضی بی‌عدالت می‌گوید. آیا خدا برگزیدگان خود را که روز و شب به سوی او فریاد می‌کنند دادرسی نخواهد کرد، زمانی که در مورد آنان صبر می‌کند؟^۸ به شما می‌گویم که به زودی ایشان را دادرسی خواهد کرد. اما وقتی پسر انسان بیاید، آیا ایمان بر زمین خواهد یافت؟»

مثل فریسی و باجگیر

۹ باز خطاب به بعضی‌ها که به خود یقین می‌داشتند از اینکه عادل هستند و دیگران را حقیر می‌شمردند این مثل را گفت: ^{۱۰} «دو انسان برای نیایش به معبد فرافراز آمدند، یکی فریسی بود و دیگری باجگیر. ^{۱۱} فریسی ایستاده در دل خود چنین نیایش می‌کرد: خدایا تو را سپاس می‌گویم که من چون بقیه انسانها نیستم که درنده‌خو، ظالم، زناکار هستند یا حتی چون این باجگیر. ^{۱۲} هفته‌ای دو بار روزه می‌گیرم، عشریه همه آنچه دارم می‌پردازم. ^{۱۳} باجگیر دورتر ایستاده حتی نمی‌خواست چشمانش را به آسمان بلند کند، بلکه بر سینه کوبیده می‌گفت: خدایا بر من گناهکار رحم کن. ^{۱۴} به شما می‌گویم: او عادل شده به خانه

خود فرود آمد، دیگری خیر. زیرا هر که خود را بالا برد، پائین آورده خواهد شد، ولی هر که خود را پائین آورد، بالا برده خواهد شد.»

نمونه کودکان

^{۱۵} اطفال را نیز به حضورش می‌آوردند تا آنان را لمس کند. شاگردان با دیدن این، ایشان را نهیب می‌زدند. ^{۱۶} اما عیسی آنها را نزد خود خوانده گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند و مانع آنان مشوید زیرا ملکوت خدا از آن همانند ایشان است. ^{۱۷} آمین، به شما می‌گویم: هر که ملکوت خدا را چون کودکی نپذیرد، وارد آن نخواهد شد.»

صرف نظر از ثروت برای ورود به ملکوت

^{۱۸} رئیسی از او پرسیده گفت: «ای استاد نیکو! چه باید کرد تا وارث زندگانی جاودانی شد؟» ^{۱۹} عیسی به او گفت: «چرا مرا نیکو می‌نامی؟ هیچ کس جز خدا نیکو نیست. ^{۲۰} تو فرمان‌ها را می‌دانی: زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، به پدر و مادرت احترام کن.» ^{۲۱} او گفت: «این همه را از جوانی‌ام رعایت کرده‌ام.» ^{۲۲} عیسی شنیده به او

۸: بیاید، یعنی از آسمان برای داوری نزول کند (ر. ک دان: ۱۳-۱۴). این آیه مثل را با ۱۷: ۲۰-۳۷ مرتبط می‌سازد.

۱۸-۹-۱۴: مثل فریسی و باجگیر. ۹: عادل بودن، یعنی مقبولیت نزد خدا به دلیل رعایت دقیق شریعت از طرف آنها. ۱۱: ایستاده در دل خود چنین نیایش می‌کرد، ترجمه دیگر: «ایستاده این چیزها را با خود نیایش می‌کرد» که عبارتی دو پهلوی و دارای تفسیرهای متفاوت است. ۱۲: دوبار در هفته، دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها. این کار ظاهراً داوطلبانه بوده و نه اجباری. ۱۴: عادل شده، یعنی «راست با خدا» یا «مقبول خدا». هر که خود را بالا برد ... ر. ک ۱۴: ۱۱ توضیح.

۱۸-۱۵-۱۷: عیسی و کودکان (متی ۱۹: ۱۳-۱۵؛ مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶). قرار گرفته در میان مثل قبلی و اتفاق بعدی درباره حاکم ثروتمند، این داستان کوتاه با گفتارش در تضاد قرار می‌دهد فروتنی را با خود عادل شمردن و خود ارضا کردن.

۱۸-۳۰: حاکم دولتمند، ثروت و نجات (متی ۱۹: ۱۶-۳۰؛ مرقس ۱۰: ۱۷-۳۱). ۱۸: ۱۰: ۲۵. ۲۰: ترتیب فرمان‌ها در اینجا از ترجمه کتاب مقدس عبری، هفتادتنان پیروی می‌کند؛ ر. ک خروج ۲۰: ۱۲-

پیامبران در بارهٔ پسر انسان نوشته شده تحقق می‌یابد.^{۳۲} زیرا به ملت‌ها تسلیم خواهد شد و مورد تمسخر و توهین قرار گرفته سراپا پوشیده از آب دهان خواهد شد^{۳۳} و بعد از تازیانه زدن، او را به قتل خواهند رساند و روز سوم رستاخیز خواهد کرد.^{۳۴} و ایشان از همهٔ اینها چیزی نفهمیدند و این سخن بر آنان پنهان می‌ماند و نمی‌دانستند چه گفته شده است.

شفای يك مرد كور در اريحا

^{۳۵} باری، چون به اریحا نزدیک می‌شد کوری در کنار راه نشسته و گدائی می‌کرد.^{۳۶} چون شنید جمعیتی عبور می‌کند پرسید چه خبر است.^{۳۷} به او نوید دادند که عیسی ناصری است که می‌گذرد.^{۳۸} و او فریاد کشیده گفت: «عیسی، ای پسر داود، بر من رحم کن!»^{۳۹} آنانی که پیشاپیش می‌رفتند او را نهیب می‌زدند تا ساکت شود اما او بیشتر فریاد برمی‌آورد: «ای پسر داود بر من رحم کن!»^{۴۰} عیسی ایستاد و دستور داد او را نزدش بیاورند. وقتی نزدیک شد از او پرسید: «چه می‌خواهی برای بکنم؟» گفت: «خداوندا، که بینایی را باز یابی!»^{۴۱} و عیسی به او گفت: «بینایی را بازیاب، ایمانت تو

گفت: «باز چیزی کم داری، همه چیز خود را بفروش و به فقیران تقسیم کن که گنجی در آسمانها خواهی داشت، پس آمده به دنبال من بیا.»^{۴۲} با شنیدن این، او به شدت اندوهناک شد، زیرا بسیار ثروتمند بود.^{۴۳} عیسی با دیدن او گفت: «چقدر سخت است که پول‌داران به ملکوت آسمان وارد شوند! به راستی، گذشته شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر است تا اینکه ثروتمندی به ملکوت آسمان وارد شود!»^{۴۴} آنان که شنیده بودند گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات یابد!»^{۴۵} گفت: «آنچه برای انسان‌ها غیر ممکن است برای خدا ممکن است.»

^{۴۸} پطرس گفت: «اینک ما اموال خود را گذاشته به دنبال تو آمده‌ایم.»^{۴۹} به ایشان گفت: «آمین، به شما می‌گویم هیچ کس خانه یا زن یا برادران یا والدین یا فرزندان را به خاطر ملکوت خدا ترک نمی‌کند^{۵۰} مگر اینکه در همین دوران بسیار بیشتر و در دوران آینده زندگانی جاودانی را دریافت نماید.»

آخرین اعلام رنج‌ها و رستاخیز

^{۵۱} دوازده تن را نزد خود فراخوانده به ایشان گفت: «اینک به اورشلیم فرار می‌آییم، آنچه به وسیله

۱۶: ۵-۱۶: ۲۰). ۲۲: گنجی در آسمان، ر.ک ۱۲: ۳۳-۳۴. ۲۶: نجات پیدا کند، به همان تجربه روحانی اشاره دارد که در وارث زندگی جاودانی بودن (آیه ۱۸) و نیز ورود به ملکوت خدا (آیه ۲۵) تحقق پیدا می‌کند. ۲۷: پید ۱۸: ۱۴: ایوب ۴۲: ۲: ارا ۱۷: ۳۲: ۱۷: ۱: ۳۷: ۲۸: ۵: ۱۱-۱۱: ۳۰: در همین دوران و در دوران آینده، زبان مکاشفه‌ای سنتی، دوران شریر کنونی را در تضاد با دوران پادشاهی یا ملکوت خدا قرار می‌دهد.

۱۸: ۳۱-۳۴: عیسی سومین بار رنج و مرگ خود را اعلام می‌کند (متی ۲۰: ۱۷-۱۹: مرقس ۱۰: ۳۲-۳۴)، ر.ک ۹: ۲۲، ۴۴-۴۵: ۱۷: ۲۵. جزئیات این پیش‌گویی رؤس حوادثی را که در بابهای ۲۲-۲۳ رخ خواهد داد بیان می‌کند. ۳۱: آنچه به وسیله پیامبران... نوشته شده، اشاره‌ای گذرا به متونی از قبیل مز ۲۲: ۵۳: زکریا ۱۳: ۷.

۱۸: ۳۵-۴۳: شفای یک مرد نابینا (متی ۲۰-۲۹: ۳۴: مرقس ۱۰: ۴۶-۵۲). ۳۸: پسر داود، عبارتی که عیسی را با انتظارات قوم خدا درباره مسیح موعود و ارتباط او با خاندان داود مرتبط می‌سازد، احتمالاً اشاره‌ای است به انگیزه‌های سیاسی و ملی‌گرایی. ۴۲: ر.ک ۱۷: ۱۹ توضیح.

اجحاف کرده باشم به او چهار برابر پس می‌دهم.»^۹ عیسی به او گفت: «امروز نجات به این خانه آمده زیرا او هم پسر ابراهیم است.»^{۱۰} چون پسر انسان آمده تا آن را که گم شده بود بیابد و نجات دهد.»

را نجات داده است!»^{۴۳} و در همان لحظه، بینائی را باز یافت و در حالی که خدا را ستایش می‌کرد به دنبال او رفت. و با دیدن این، همه مردم خدا را تمجید کردند.

﴿ ۱۹ ﴾

مثل قنطارها

شاهزاده ای که برای تاجگذاری می‌رود

^{۱۱} چون این را می‌شنیدند باز مثلی گفت، زیرا به اورشلیم نزدیک می‌بود و مردم می‌پنداشتند که در همان لحظه فرمانروائی خدا پدیدار می‌شود.^{۱۲} پس گفت: «انسان نجیب‌زاده‌ای به سرزمینی دور دست رفت تا منصب پادشاهی دریافت کند و برگردد.^{۱۳} ده تن از بردگانش را خوانده به ایشان ده قنطار داد و به ایشان گفت: معامله کنید تا برگردم.^{۱۴} اما هموطنانش از او متنفر می‌بودند و از پشت سر او هیئتی فرستادند تا بگویند: نمی‌خواهیم که او بر ما فرمانروائی کند.^{۱۵} باری، چون پس از دریافت منصب پادشاهی برگشت، بردگانی را که به ایشان پول داده بود، احضار کرد تا بدانند هر یک چه معامله‌هایی کرده است.^{۱۶} اولی پیش آمده گفت: خداوندا، قنطار تو ده قنطار بهره داده است. و به او

زکا یا نجات يك ثروتمند

^۱ و به اریحا وارد شده [از شهر] عبور می‌کرد^۲ و اینک مردی به نام زکا و رئیس باجگیران و ثروتمند بود،^۳ و کوشش می‌کرد که ببیند عیسی کیست اما به سبب جمعیت نمی‌توانست زیرا کوتاه قد بود.^۴ و جلو دویده بالای درخت افرائی رفت تا وی را ببیند زیرا می‌بایست از آنجا گذر کند،^۵ و وقتی عیسی به این محل رسید، چشم‌ها را بلند کرده به او گفت: «زکا عجله کن و پایین بیا زیرا باید امروز در خانه تو بمانم.»^۶ و او عجله کرده پائین آمد و با شادی او را پذیرفت.^۷ همه با دیدن این، زمزمه کرده می‌گفتند: «به خانه یک گناهکار وارد شده و مهمان گشته است!»^۸ اما زکا ایستاده به خداوند گفت: «خداوندا اینک نصف اموال را به فقیران می‌دهم و اگر به کسی

۱۹-۱۰: نجات زکا. با وجودی که زکا ثروتمند است، اما پاسخ او به عیسی در تضادی چشمگیر با چیزی است که مرد توانگر در ۱۸:۱۸-۲۳ گفت. ۱: اریحا به دلیل محل جغرافیائی‌اش، یک مرکز مهم گمرکی بود. ۲: رئیس باجگیران، یعنی زکا با رؤسای رومی برای حق جمع‌آوری مالیات (تحت اللفظی: باج و خراج) در آن منطقه قرار داد بسته بود. همسایگان او را به سبب همکاری و مشارکت در سلطه رومی‌ها منفور می‌دانستند (آیه ۷). ۳: ۷:۵-۲۹-۳۰؛ ۱۵:۱-۲. ۸: می‌دهم، منظور او از این به بعد است، تعهدی همانند توبه. چهار برابر، ر.ک خروج ۲۲:۱؛ لاو ۶:۵؛ اعد ۶-۷. ۹: نجات، یا ملکوت خدا که با پیام و حضور عیسی آمده و خود را در تبدیل زکا ابراز می‌کند. ۱۰: جمع بندی خدمت عیسی در تمام انجیل؛ ر.ک باب ۱۵.

۱۱-۲۷: مثل ده قنطار. (متی ۲۵:۱۴-۳۰؛ مرقس ۱۳:۳۴). این مثل اشاره ای گذرا به سفر اراکلائوس به روم در ۴ قبل از میلاد برای تثبیت جانشینی تخت و تاج پدرش هیروдіس دارد. مسافرت و قصد وی از این کار با مخالفت هیئتی از رهبران یهودیه روبرو شده بود (یوسفوس، یاستان ۱۷:۹. ۴:۱۷:۱۰). ۱۱: ۵۱:۹؛ ۱۲:۲۲؛ ۱۷:۱۱؛ ۱۸:۳۱. ۱۳: ده قنطار، تحت اللفظی: ده مناس، سکه‌های طلا که هر کدام

ورود مسیح پادشاه به اورشلیم

^{۲۹} باری چون به بیت فاجی و بیت عنیا به نزدیک کوهی به نام «زیتون» رسید دو تن از شاگردان را فرستاده گفت: ^{۳۰} «به روستائی که روبرو است بروید. وقتی وارد آن شدید کرّه الاغی را بسته خواهید یافت که بر آن هرگز انسانی سوار نشده است، پس از آنکه باز کردید آن را بیاورید. ^{۳۱} اگر کسی از شما پرسید: چرا باز می کنید، بگوئید: زیرا خداوند به آن نیاز دارد.» ^{۳۲} آنانی که فرستاده شده بودند، چون رفتند، همان طور که به ایشان گفته بود یافتند. ^{۳۳} در حالی که کرّه الاغ را باز می کردند، صاحبانش به آنان گفتند: «چرا کرّه الاغ را باز می کنید؟» ^{۳۴} گفتند: «زیرا خداوند به آن نیاز دارد.» ^{۳۵} و آن را نزد عیسی آوردند و ردهای خود را بر روی کرّه الاغ انداخته، عیسی را بر آن سوار کردند. ^{۳۶} در حالی که پیش می رفت، مردم ردهای خود را در راه می گسترند. ^{۳۷} چون به سرازیری کوه زیتون نزدیک می شد تمام انبوه شاگردانش غرق در شادی، به خاطر همه [اعمال] مقتدرانه ای که دیده بودند به ندای بلند شروع به ستایش خدا کردند. ^{۳۸} می گفتند: «مبارک باد او که می آید،

آن پادشاه،

به نام خداوند!

آرامش در آسمان

و شکوه در اعلی علین!

گفت: ^{۱۷} آفرین! ای برده خوب، چون در مقدار ناچیز امین بوده ای، اقتدار برده شهر را در دست بگیر. ^{۱۸} و دوّمی آمده گفت: خداوندا قنطار تو پنج قنطار بهره داده است. ^{۱۹} به این یکی هم گفت: تو هم در رأس پنج شهر باش. ^{۲۰} و دیگری آمده گفت: خداوندا، اینک قنطار تو که در پارچه ای ذخیره کرده بودم، ^{۲۱} زیرا از تو می ترسیدم، چون تو انسان سخت گیری هستی، آنچه را نسپرده ای برمی گیری و آنچه را نکاشته ای می دروی. ^{۲۲} به او گفت: من تو را از دهان خودت داوری می کنم ای برده شریر، تو می دانستی که من انسانی سخت گیر هستم، آنچه را نسپرده ام برمی گیرم و آنچه را نکاشته ام می دروم. ^{۲۳} پس چرا پول من را نزد صرافی ننهادی تا در بازگشت خود آن را با بهره اش پس بگیرم؟ ^{۲۴} و به کسانی که در آنجا حاضر بودند گفت: قنطارش را از او بگیرید و به آن که ده قنطار دارد بدهید. و به او گفتند: ^{۲۵} خداوندا او ده قنطار دارد! ... ^{۲۶} به شما می گویم: به هر که دارد داده خواهد شد، اما از آن که ندارد حتی آنچه دارد گرفته خواهد شد. ^{۲۷} اما درباره دشمنان من، آنان که نخواستند من بر ایشان فرمانروائی کنم، ایشان را به اینجا آورده و آنان را در برابر من گردن بزنید. ^{۲۸} این را گفته پیشاپیش حرکت می کرد و به سوی اورشلیم فراز می آمد.

معادل صد دراختما بوده است (ر.ک ۸:۱۵ توضیح). ۱۷: ۱۰: ۱۶. ۲۶: ر.ک ۸: ۱۸.

۲۸: ۲۱-۳۸: مأموریت عیسی در اورشلیم (متی ۱: ۲۱-۳۶: ۲۴؛ مرقس ۱: ۱۱-۱۳: ۳۷).

۲۸: ۴۰-۲۸: ۱۹: ورود به اورشلیم (متی ۱: ۲۱-۹؛ مرقس ۱: ۱۱-۱۰). یو ۱۲: ۱۲-۱۸. ۲۹: بیت فاجی و بیت عنیا، دو روستای واقع در شرق اورشلیم. ۳۲: ۱۳: ۳۶: ر.ک ۲-۹: ۱۳. ۳۷: این مسیر پس از عبور از یک تپه کوچک به وادی قدرون می رسید. ۳۸: این آیه حاوی نقل قولی آزاد از مز ۱۱۸: ۲۶ است، ر.ک زک ۹: ۹؛ لو ۱۳: ۳۵. این صحنه نشان دهنده ورودی شاهانه است که عیسی را به عنوان پادشاه معرفی

^{۴۷} و هر روز برای آموزش در معبد می بود. کاهنان اعظم و کاتبان در صدد هلاک او بودند، همچنین رؤسای قوم.^{۴۸} اما نمی دانستند چه می توانند بکنند زیرا همه قوم چشم به دهانش دوخته به او گوش می دادند.

^{۳۹} و برخی از فریسیان [در میان] جمعیت به او گفتند: «ای استاد، شاگردانت را نهیب بزن.»^{۴۰} و او پاسخ داده گفت: «به شما می گویم، اگر ایشان ساکت شوند، سنگها فریاد برخوانند آورد.»

عیسی بر اورشلیم می گرید

^{۴۱} و چون نزدیک شد، با دیدن شهر بر آن گریسته گفت: ^{۴۲} «اگر تو نیز امروز شرایط آرامش را می دانستی! اما نه، این از دیدگان تو پوشیده است. ^{۴۳} زیرا روزهایی بر تو فرا خواهد رسید که دشمنانت دور تو سنگرها خواهند کشید و تو را محاصره کرده و از هر سو بر تو فشار وارد خواهند کرد. ^{۴۴} و تو و در میان تو فرزندان را بر خاک خواهند افکند و در تو سنگی بر سنگی باقی نخواهند گذاشت زیرا زمانی را که از تو دیدار شده است دریافته ای!»

ورود عیسی به معبد و نمایش اقتدار خود

^{۴۵} و به معبد وارد شده شروع به بیرون راندن فروشندگان کرد. به آنان گفت: ^{۴۶} «نوشته شده است: و خانه من، خانه نیایش خواهد بود، اما شما آن را غار راهزنان کرده اید.»

سؤال اعضای سانهدرین درباره اقتدار عیسی
^۱ باری، روزی که در معبد قوم را آموزش و نوید می داد، کاهنان اعظم و کاتبان با مشایخ پیش آمدند. ^۲ و به او گفتند: «به ما بگو با چه اقتداری اینها را می کنی؟ یا چه کسی این اقتدار را به تو داده است؟» ^۳ در پاسخ به ایشان گفت: «من هم می خواهم چیزی از شما بپرسم، پس به من بگوئید: ^۴ تعمید یحیی از آسمان بود یا از آدمیان؟» ^۵ آنان بین خود بحث کردند: «اگر بگوئیم از آسمان، خواهد گفت: چرا به وی ایمان نیاوردید؟» ^۶ اگر بگوئیم از آدمیان، همه قوم ما را سنگسار خواهند کرد، زیرا یقین دارند که یحیی پیامبر است.» ^۷ و پاسخ دادند که نمی دانند از کجا می بود. ^۸ و عیسی به ایشان گفت: «من نیز به شما نمی گویم که با چه اقتداری اینها را می کنم.»

می کند، لقبی که در اتهامات ضد عیسی در برابر پیلاتس در ۲:۲۳ از آن استفاده خواهد شد. ۳۹-۴۰: حب ۱۱:۲.

۴۱:۴۴. گریه عیسی برای اورشلیم. ر. ک ۱۳:۳۳-۳۴؛ ۲۷:۳۱-۳۲. این آیات احتمالاً بازتاب اطلاعات تاریخی درباره واقعه ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی است. ۴۳: ۲۱:۲۰-۲۴؛ ۶:۲۱؛ ۳:۲۹؛ ار ۶:۶؛ حزق ۲:۴. دشمنان تو، یعنی لشکریان روم. سنگرها، موانع و استحکاماتی که از ورود هر گونه مواد غذایی جلوگیری می کند. ۴۴: مز ۱۴۳:۹؛ هو ۱۴:۱۳؛ ۱۶:۱۳.

۴۵:۴۶-۴۵:۴۶. پاکسازی معبد (متی ۲۱:۱۲-۱۳؛ مرقس ۱۱:۱۵-۱۷؛ یوحنا ۲:۱۳-۱۷). در این نمایش اقتدار در معبد، عیسی به طور دراماتیک سخنان ملا ۱:۳-۲ را جامه عمل می پوشاند. ۴۶: اش ۷:۵۶؛ ار ۱۱:۷.

۴۷:۴۸-۴۷:۴۸. دشمنی رهبران مذهبی نسبت به عیسی (مرقس ۱۱:۱۸-۱۹).

۲۰:۸-۲۰:۸. به سؤال کشیدن اقتدار عیسی (متی ۲۱:۲۳-۲۷؛ مرقس ۱۱:۲۷-۳۳؛ یوحنا ۲:۱۸-۲۲).

مثل باغبانان آدم کش

خرد خواهد شد و آن کسی که این سنگ بر او بیفتد
وی را خرد خواهد کرد.»

^{۱۹} و کاتبان و کاهنان اعظم کوشش می کردند در
همان ساعت بر وی دست دراز کنند و از قوم ترسیدند
زیرا می دانستند این مثل را در مورد ایشان گفته است.

دام گستردن برای عیسی درباره پرداخت
مالیات به قیصر

^{۲۰} و مترصد بوده، جاسوسانی نزد او فرستادند که
به تزویر عادل باشند تا غفلتاً سخنی از [دهان] او
بگیرند و او را به اقتدار و قدرت تسلیم نمایند. ^{۲۱} و
آنان از او پرسیده گفتند: «ای استاد می دانیم که به
درستی سخن می گوئی و آموزش می دهی و تبعیض
قائل نمی شوی بلکه برطبق راستی راه خدا را
می آموزی. ^{۲۲} آیا پرداخت مالیات به قیصر برای ما
مجاز است یا خیر؟» ^{۲۳} اما او مکر ایشان را دریافته
به آنان گفت: ^{۲۴} «یک دینار به من نشان بدهید. این
صورت و این نوشته از آن کیست؟» به او گفتند: «از
قیصر». ^{۲۵} به ایشان گفت: «پس آنچه از آن قیصر
است به قیصر و آنچه از آن خداست به خدا پس
بدهید». ^{۲۶} و ایشان نتوانستند در برابر مردم غفلتاً
سخنی از [دهان] او بگیرند و شگفت زده از پاسخ
وی خاموش ماندند.

^{۱۹} آنگاه شروع به گفتن این مثل به قوم کرد: «مردی
تاکستانی کاشت، بعد آن را به باغبانان اجاره داد و
برای مدت نسبتاً درازی به سفر رفت. ^{۱۰} و در وقت
مناسب برده ای نزد باغبانان فرستاد تا از میوه
تاکستان به او بدهند، باغبانان پس از کتک زدن، او
را دست خالی بازگرداندند. ^{۱۱} و باز برده دیگری
فرستاد، او را هم کتک زدند و با بی احترامی با او
رفتار کرده دست خالی او را بازگرداندند. ^{۱۲} و
سومین را نیز فرستاد، این یکی را هم مجروح کرده به
بیرون افکندند. ^{۱۳} خداوند تاکستان گفت: چه کنم؟
می خواهم پسر محبوب خود را بفرستم، شاید او را
محترم شمارند. ^{۱۴} اما با دیدن او، باغبانان در بین
خود چنین حساب می کردند: این وارث است، او را
بکشیم تا میراثش از آن ما گردد. ^{۱۵} و او را از
تاکستان بیرون انداخته کشتند. پس خداوند تاکستان
با ایشان چه خواهد کرد؟ ^{۱۶} خواهد آمد و این
باغبانان را به هلاکت خواهد رساند و تاکستان را به
کسان دیگری خواهد داد.» آنان با شنیدن این گفتند:
«نه، هرگز.» ^{۱۷} اما وی در ایشان نگریسته گفت:
«پس این چیست که نوشته شده است:

سنگی را که معماران رد کردند همان است که سر
زاویه شده است. ^{۱۸} هر کسی که بر این سنگ بیفتد

۲۰:۹-۱۹: مثل تاکستان و مستاجرین (متی ۲۱:۳۳-۴۶؛ مرقس ۱۲:۱-۱۲). ۹: اش ۱:۵-۷.
۱۳: استفاده از کلمه محبوب (ر.ک ۲۲:۳) پسر صاحب تاکستان را با عیسی یکی می نماید. ۱۵: قتل پسر
در بیرون از تاکستان می تواند بازتابی از مصلوب شدن عیسی در بیرون از اورشلیم باشد، ر.ک یو ۱۹:۱۷؛
عبر ۱۳:۱۲؛ اع ۷:۵۲-۵۳. ۱۷: مزمز ۱۱۸:۲۲؛ ر.ک اش ۲۸:۱۶؛ اع ۴:۱۱. ۱۸: اش ۸:۱۴-۱۵.
۱۹: لو ۱۹:۴۷.

۲۰:۲۰-۲۶: پرداخت مالیات به قیصر (متی ۲۲:۱۵-۲۲؛ مرقس ۱۲:۱۳-۱۷). ۲۰: عادل ترجمه کلمه
یونانی است که معمولاً به معنی «درست بر حسب شریعت» است. در اینجا نیز به همین معنی در بیان تظاهر
و نمایش دروغین بکار برده شده که در مت ۲۳:۲۸ آمده است. ۲۲-۲۵: روایت تحریف شده این واقعه در
پشت اتهام علیه عیسی در برابر پیلاطس در ۲۳:۲ نهفته است. ۲۴: دینار، سکه ای که صورت امپراطور بر
یک طرف آن نقش شده بود.

پرسش صدوقیان درباره رستاخیز

مربوط به بوته نشان داده است، وقتی که خداوند را «خداى ابراهيم و خداى اسحاق و خداى يعقوب» مى خواند.^{۳۸} بارى خدا، [خداى] مردگان نيست بلکه زندگان زيرا همه براى او زندگى مى کنند.»^{۳۹} برخى از کاتبان به سخن درآمده گفتند: «اى استاد، نيكو گفتى.»^{۴۰} زيرا ديگر جرات نداشتند در هيچ مورد از او سؤالى بکنند.

مسيح، پسر و خداوند داود

^{۴۱} به ايشان گفت: «چگونه مى توان گفت که مسيح پسر داود است؟^{۴۲} زيرا داود خود در کتاب مزامير مى گويد:

خداوند به خداوند من گفته است:

به دست راست من بنشين

^{۴۳} تا دشمنانت را همچون زيرپايى

براى پاهائى بنهم.

^{۴۴} اگر داود او را خداوند مى نامد، پس چگونه پسر او است؟»

^{۲۷} برخى از صدوقيان، -آنان که ادعا دارند رستاخيز وجود ندارد- پيش آمده پرسيده گفتند: «اى استاد، موسى براى ما نوشته است: اگر برادر كسى مرد در حالى كه زنى داشته و بدون فرزند باشد، برادرش آن زن را بگيرد و تبارى براى برادرش برانگيزاند.^{۲۹} پس هفت برادر بودند و اولي زنى گرفته و بدون فرزند مرد.^{۳۰} و دومى همچنين^{۳۱} و سومى هم او را گرفت. هم چنين هر هفت تن فرزندى باقى نگذاشته، مردند.^{۳۲} سرانجام زن نيز بمرد.^{۳۳} حال اين زن در رستاخيز زن کدام يك از آنان خواهد شد؟ زيرا هر هفت تن او را همسر خود داشتند.»^{۳۴} و عيسى به ايشان گفت: «پسران اين جهان زن يا شوهر مى گيرند،^{۳۵} اما آنان كه شايسته دسترسى به آن جهان و برخاستن از ميان مردگان شده اند، نه زن و نه شوهر مى گيرند.^{۳۶} زيرا ديگر نمى توانند بميرند چون كه با فرشتگان يكسان و پسران خدا هستند زيرا پسران رستاخيزند.^{۳۷} و درباره اينكه مردگان قيام مى كنند، موسى آن را در

۲۰:۲۷-۴۰: سؤال درباره رستاخيز (متى ۲۲:۲۳-۳۳؛ مرقس ۱۲:۱۸-۲۷). ۲۷: صدوقيان، طبقه برجسته اعيان ساكن اورشليم كه معبد را مى چرخانند و بر اساس همان فعاليت هاى مذهبي از اقتدار بسيارى برخوردار بودند، ر.ك ۴:۱-۲:۲۳؛ ۶:۱۰-۲۸: اين سؤال بازتابى از موضوع ازدواج مرد با زن برادر متوفى خود در تث ۵:۲۵-۱۰ است، ر.ك پيد ۸:۳۸-۳۶-۳۴: روابط انساني در ازدواج به همان شكل پس از مرگ وجود ندارد. عيسى ما بين اين دو زمان و دو نوع موجوديت، تمايز قائل مى شود. انسان هاى فاني به واسطه تولد جسماني خود، بخشي از زمان حاضر هستند، و به خاطر رستاخيز، بخشي از زمان آينده. ۳۷: خروج ۳:۶. ۳۹: به ستايش عيسى توسط كاتبان توجه كنيد، تأييدى كه نشان مى دهد كه تمام كاتبان بر ضد عيسى متحد نشده بودند.

۲۰:۴۱-۴۴: سؤال درباره پسر داود (متى ۲۲:۴۱-۴۶؛ مرقس ۱۲:۳۵-۳۷ الف). ۴۲-۴۳: مز ۱:۱۱. ۴۴: داود پادشاه به طور سنتى به عنوان نويسنده اكثر مزامير در نظر گرفته مى شود. سؤال اين است: چگونه مسيح مى تواند از نسل داود باشد، در حالى كه داود او را خداوند مى نامد؟ مز ۱۱۰ اغلب در نوشته هاى مسيحيان اوليه مورد اشاره قرار مى گرفت، ر.ك اع ۲:۳۴-۳۵؛ ۱- قرن ۱۵: ۲۵؛ عبر ۵.

دربارهٔ ویرانی معبد

۴۵ چون همه قوم گوش می‌دانند به شاگردان گفت:
۴۶ «از کاتبان بر حذر باشید که میل دارند با ردهای
بلند بگردند، سلام‌ها در میدانها و نخستین جایگاه‌ها
در کنیسه‌ها و نخستین نشیمنگاه‌ها در ضیافتها را
دوست دارند. ۴۷ ایشان که اموال بیوه‌زنان را
می‌بلعند و به تظاهر دعا‌های طولانی می‌کنند. اینان
محکومیت شدیدتری خواهند داشت.»

(متی ۲۴: ۸-۳؛ مرقس ۱۳: ۸-۳)



۱ چشمها را بلند کرده ثروتمندان را دید که داده‌های خود را به خزانه می‌انداختند. ۲ همچنین بیوه‌زنی محتاج را هم دید که دو پیشیز می‌انداخت. ۳ و گفت: «به راستی به شما می‌گویم که این بیوه‌زن فقیر، بیش از همه گذاشته است. ۴ زیرا همهٔ آنان از آنچه زیاده داشتند دادند، اما این زن از نداری خویش: همهٔ دارائی که داشته انداخته است.»

۲۰-۴۵: اختصار در رابطه با کاتبان (متی ۲۳: ۱-۳۶؛ مرقس ۱۲: ۳۷-۴۰). ۴۶: ۱۱: ۴۳.
 ۲۱-۴: تقدیمی بیهو زن (مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴). ۱: خزانه، در اینجا اشاره به صندوقی (به شکل شیپور وارونه برای حفاظت در برابر دزدی) برای دریافت هدایا بود. سیزده عدد از این صندوق ها در «محوطه زنان» در معبد وجود داشت؛ در یو ۸: ۲۰ واژه استفاده شده اشاره به اطاقي در معبد دارد. ۲: پشیز (یونانی: لپتون) سکه مسی که ارزش مادی ناچیزی داشت (ر.ک ۱۲: ۴۹ توضیح) اما برای این بیهو زن بسیار با ارزش بود.
 ۲۱-۵: ۶: پیشگویی درباره ویرانی معبد (متی ۲۴: ۱-۲، مرقس ۱۳: ۱-۲). تعالیم عیسی در این آیات و در آیات بعدی در رابطه با مادیات مذکور در باب ۱۳ مرقس است، اما روایت لوقا از آن خطابۀ مربوط به زمان آخر، مسائل و دیدگاه های متمایزی را ارائه می کند. ۶: ر.ک ۱۹: ۴۴ توضیح.
 ۲۱-۷: ۱۱: سخنانی درباره نشانه های زمان آخر (متی ۲۴: ۳-۱۸؛ مرقس ۱۳: ۳-۸). ۷: ۱۷: ۲۰: اع ۱: ۶.
 ۱۰: ۲-۱۹: قرن ۲: ۱۵: ۶: اش ۱۹: ۲.

دوران قبل: دوران ستمگری و شهادت

و آنان که در درون آن باشند دور شوند و آنان که در دشت‌ها باشند به آن وارد نشوند.^{۲۲} زیرا این روزهای انتقام است که باید در آن همه نوشته‌ها به تحقق رسند.^{۲۳} وای بر [زنانی] که در آن روزها آبستن باشند و آنانی که شیردهند! زیرا وحشی بزرگ بر زمین و آن خشم علیه این قوم خواهد بود.^{۲۴} و به زبانه دشنه خواهند افتاد و به اسارت در همه ملت‌ها برده خواهند شد و اورشلیم لگدکوب ملت‌ها خواهد شد تا دوران ملت‌ها به کمال برسد.

آمدن پسر انسان

^{۲۵} و در خورشید و ماه و ستارگان نشانه‌ها و بر زمین اضطراب ملت‌ها و دلهره از غرش دریا و تلاطم آن خواهد بود،^{۲۶} در حالی که انسانها در انتظار آنچه بر دنیا فرا خواهد رسید از ترس جان خواهند داد زیرا نیروهای آسمانها متزلزل خواهند شد.^{۲۷} و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و شکوه بسیار در ابری می‌آید.^{۲۸} چون فرا رسیدن این چیزها شروع شود قد برافرازید و سرتان را بلند کنید زیرا رهائی شما نزدیک است.»

^{۱۲} اما پیش از همه اینها به خاطر نام من بر شما دست دراز کرده شما را شکنجه خواهند کرد، شما را به کنیسه‌ها و زندانها تسلیم نموده شما را به حضور پادشاهان و رهبران هدایت خواهند کرد،^{۱۳} و این برای شما به شهادت منتج خواهد شد.^{۱۴} پس در قلبهایتان نگاه دارید که برای دفاع از خود نباید پیشاپیش دلوپس باشید،^{۱۵} زیرا خودم به شما زبان و حکمتی خواهم داد که هیچ یک از خصمان شما نتواند مقاومت کند یا جواب دهد،^{۱۶} شما حتی به دست والدین و برادران و خویشان و دوستان خود تسلیم کرده خواهید شد و برخی از شما را به مرگ خواهند سپرد،^{۱۷} و به خاطر نام من منفور همه خواهید شد.^{۱۸} اما حتی یک مو از سرتان از بین نخواهد رفت.^{۱۹} به وسیله پایداری خود زندگی خویش را به دست خواهید آورد.»

داوری بر اورشلیم

^{۲۰} «چون اورشلیم را در محاصره ارتش‌ها ببینید، آنگاه بدانید که ویرانی آن نزدیک است.^{۲۱} در آن هنگام آنان که در یهودیه باشند به کوهستانها بگریزند

۲۱:۱۲-۱۹: پیشگویی درباره تعقیب و آزار شاگردان (متی ۲۴:۹-۱۴؛ مرقس ۱۳:۹-۱۳). این موضوعات در کتاب اعمال رسولان به طور مفصل روایت شده است. ۱۸:۱۲؛ ۷:۱۲؛ اع ۲۷:۳۴؛ ۱- سمو ۴۵:۱۴.

۲۱:۲۰-۲۴: ویرانی اورشلیم (متی ۲۴:۱۵-۲۲؛ مرقس ۱۳:۱۴-۲۰؛ ر. ک ۱۹:۴۱-۴۴ توضیح). ۲۰-۲۲: ۱۹:۴۱-۴۴: ۲۳:۲۸-۳۱:۱۷؛ ۲۰: ارتش‌ها، یعنی نیروهای نظامی روم. ۲۲: اش ۴:۶۳؛ ار ۵:۲۹؛ هو ۹:۷؛ ۲۴: اش ۱۸:۶۳؛ دان ۸:۱۳. دوران ملت‌ها ممکن است به معنی تحمیل محدودیت بر سلطه رومیان توسط خدا یا گسترش نجات به همه مردمان باشد (۱۶:۲۰).

۲۱:۲۵-۲۸: آمدن پسر انسان (متی ۲۴:۲۹-۳۱؛ مرقس ۱۳:۲۴-۲۷). ۲۵-۲۷: این آیات بازتابی از لحن و نحوه تفکریول ۳:۳-۴؛ اش ۱۹:۲۴ (هفتادتنان)؛ مز ۶۵:۸؛ ۴:۴۶؛ ۸۹:۱۰؛ حک ۵:۲۲؛ یون ۱۵:۱ می‌باشد. ۲۵: اش ۱۳:۱۰؛ یو ۲:۱۰؛ صف ۱:۱۵؛ ۲۶: حاوی سخنانی مشابه اش ۴:۳۴ می‌باشد. نیروهای آسمانها، احتمالاً منظور کرات آسمانی هستند که در آیه ۲۵ به آنها اشاره شده است. ۲۷: حاوی سخنانی مشابه دان ۷:۱۳-۱۴.

نزدیک شدن پادشاهی خدا

خارج می شد و در بیرون بر کوهی به نام زیتون سپری می کرد،^{۲۸} و همه قوم، از بامدادان برای گوش دادن به او به سویش در معبد می آمدند.

^{۲۹} و به ایشان مثالی گفت: «درخت انجیر و همه درختان را ببینید. هر وقت جوانه می زنند، با نگاهی بر آنها، خود درک می کنید که تابستان نزدیک است. ^{۳۱} شما نیز وقتی فرارسیدن آن را ببینید بدانید که فرمانروائی خدا نزدیک است. ^{۳۲} آمین، به شما می گویم که این نسل نخواهد گذشت تا همه این چیزها فرا برسد. ^{۳۳} آسمان و زمین خواهند گذشت، اما سخنان من نه، اینها نخواهند گذشت.



توطئه علیه عیسی

^۱ [عید] فطیر مسمی به گذر نزدیک می شد ^۲ و کاهنان اعظم و کاتبان در پی آن بودند که چگونه او را بکشند، زیرا از قوم می ترسیدند. ^۳ شیطان در یهودای مسمی به اسخریوطی که از شمار دوازده تن می بود، وارد شد ^۴ و او رفته با کاهنان اعظم و افسران مذاکره کرد که چگونه او را به ایشان تسلیم کند. ^۵ و آنان شاد شده قرار گذاشتند به او پول بدهند. ^۶ و او پذیرفته در پی فرصتی مناسب می بود تا در غیاب جمعیت او را به ایشان تسلیم نماید.

تهیه سفره جشن گذر

^۷ روز فطیر که در آن روز می بایست [بره] گذر را ذبح کنند فرا رسید. ^۸ و او پطرس و یوحنا را فرستاده گفت: «بروید برای ما گذر را تهیه کنید تا آن را بخوریم. ^۹ به او گفتند: «در کجا می خواهی تهیه

توصیه به بیداری

^{۳۴} مراقب خود باشید مبادا قلبهایتان در شکم بارگی و میخوارگی و نگرانی های زندگی سنگین شود و ناگهان آن روز چون دامی به روتان بیفتد، ^{۳۵} زیرا بر همه کسانی که بر روی تمامی زمین نشسته اند فرود خواهد آمد. ^{۳۶} بیدار باشید و همه وقت نیایش کنید تا قدرت گریز از همه اینها را که باید فرا رسد و پایداری در حضور پسرانسان را داشته باشید.»

آخرین روزهای عیسی در معبد

^{۳۷} در طی روز در معبد آموزش می داد اما شبها

۲۹:۲۱-۳۳: درسی از درخت انجیر (متی ۲۴:۳۲-۳۶؛ مرقس ۱۳:۲۸-۳۲). ۳۳:۱۶:۱۷
 ۲۱:۳۴-۳۶: توصیه درباره هوشیاری (ر.ک متی ۲۴:۴۳-۵۱؛ ۱۳:۲۵؛ مرقس ۱۳:۳۳-۳۷).
 ۳۴:۸؛ ۱۴:۱۲؛ ۲۲:۱-۱۰؛ ۲۳:۶-۷؛ ۳۶:۲-۵؛ قرن ۵:۱۰.
 ۲۱:۳۷-۳۸: خلاصه ای از خدمت عیسی در اورشلیم. ۳۸: داستان زن زناکار (ر.ک یوحنا ۸:۱۱) در بعضی نسخ قدیمی بلافاصله بعد از این آیه می آید.
 ۲۲:۱-۵۶: شام آخر و محاکمه، مرگ و تدفین عیسی (متی ۱-۲۶؛ ۱-۲۷؛ ۶۱؛ مرقس ۱۴:۱-۱۵؛ ۴۷؛ یو ۱۳:۱-۴۲).
 ۲۲:۱-۶: توطئه قتل عیسی. ۱-۲: مت ۲۶:۲-۵؛ مر ۱۴:۱-۲؛ یو ۱۱:۴۷-۵۳. کلمه «مسمی» مخصوص خوانندگان غیریهودی است که لوقا برای آنها می نوشت. ۳-۶: مت ۱۴:۱۶؛ مر ۱۴:۱۰-۱۱؛ یو ۱۳:۲. وارد شدن شیطان در یهودا (ر.ک ۱۶:۶ توضیح) موضوع ۱۳:۴ را مجدداً مطرح می کند.
 ۲۲:۷-۱۳: تدارک برای شام گذر (متی ۱۷:۱۹-۱۶؛ مرقس ۱۴:۱۶-۱۶). ۷: خروج ۱۲:۱۸-۲۰؛

کنیم؟»^{۱۰} بدیشان گفت: «هنگام ورود شما به شهر، اینک مردی که کوزه آبی را حمل می کند به سوی شما خواهد آمد. تا خانه ای که او وارد می شود به دنبال او بروید.^{۱۱} و به صاحبخانه خواهید گفت: استاد به تو می گوید: تالاری که بتوانم گذر را با شاگردانم بخورم کجاست؟^{۱۲} و او در بالا خانه، تالاری بزرگ، مفروش نشان خواهد داد، همان جا تهیه ببینید.»^{۱۳} ایشان رفته همان گونه که به آنان گفته بود یافتند و گذر را آماده کردند.

^{۱۷} و جامی برگرفت و شکرگزاری کرده گفت: «این را بگیرید و بین خود قسمت کنید^{۱۸} زیرا به شما می گویم که از این پس از محصول تاک نخواهم نوشید تا اینکه فرمانروائی خدا فرارسد.»^{۱۹} و نان را گرفته شکرگزاری کرد، پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «این تن من است که برای شما داده شده است، این را به یاد من بکنید.»^{۲۰} هم چنین پس از شام جام را گرفته گفت: «این جام عهد جدید در خون من است که برای شما ریخته شده است.

گذر نوین

^{۱۴} و چون ساعت فرا رسید، بر سر سفره نشست و رسولان با او.^{۱۵} و بدیشان گفت: «اشتیاق بسیار داشتم که پیش از رنج کشیدن، این گذر را با شما بخورم^{۱۶} زیرا به شما می گویم هرگز دیگر آن را نخواهم خورد تا آنکه در ملکوت خدا به تحقق رسد.»

اعلام خیانت

^{۲۱} اما اینک دست آن کس که مرا تسلیم می کند با من بر سر سفره است.^{۲۲} زیرا پسر انسان برابر آنچه مقرر است می رود، اما وای بر آن انسانی که به وسیله او تسلیم شده است!^{۲۳} و ایشان شروع کردند از خود پیرسند که چه کسی از بین ایشان این را خواهد کرد.

تث ۵: ۱۶-۸. ۱۰: به نظر می رسد که برنامه ها طبق بعضی قرار و مدارهای قبلی تعیین شده باشند، مثلاً مردی که کوزه آبی را حمل می کند (کاری که معمولاً زن ها انجام می دادند) به آسانی قابل شناسائی است. ۱۱: هویت صاحبخانه نامعلوم است. ۱۲: تالار یا اتاق بزرگ در بالاخانه یعنی در طبقه دوم که احتمالاً از طریق یک نردبان از بیرون قابل دسترسی بود. چنین اتاق هایی معمولاً آماده بودند و به زائرین اورشلیم کرایه داده می شدند.

۲۲: ۱۴-۲۰: شام آخر (متی ۲۶: ۲۶-۲۹؛ مر ۱۴: ۲۲-۲۵؛ اول قرنیتیان ۱۱: ۲۳-۲۶؛ ر. ک یو ۶: ۵۱-۵۸). ۱۴: ساعت، یعنی وقت صرف غذا، پس از غروب آفتاب. ۱۵: ۱۲: ۴۹-۵۰. ۱۶: عیسی این غذا را به عنوان اشاره ای به غذای آینده که در فرارسیدن ملکوت خدا صرف خواهد کرد می نگرد (۳۷: ۱۲ توضیح؛ ۱۳: ۲۸-۲۹؛ ۱۴: ۱۵؛ ۲۲: ۲۸-۳۰). ۱۷: در بعضی مراسم یهودیان، هنگام نوشیدن جام شراب دعا می شد، و ممکن بود طی صرف غذا چندین بار دعا شود (ر. ک آیه ۲۰). ترتیب لوقا در روایت وقایع ممکن است از این رسم یهودیان پیروی کرده باشد، یا از نوعی ترتیب صرف غذای شام خداوند که در میان مسیحیان اولیه انجام می شد. عیسی غذای آئینی یهودیان را به ابراز دائمی ارتباط با او در مرگ و پیروزی تبدیل نمود. ۱۹: ۱-۱۱: قرن ۱۱: ۲۳-۲۶.

۲۲: ۲۱-۲۳: پیشگویی درباره خیانت (مت ۲۶: ۲۱-۲۵؛ مر ۱۴: ۱۸-۲۱؛ یو ۱۳: ۲۱-۳۰). ۲۱: مزمر ۹: ۴۱؛ یو ۱۳: ۲۱-۳۰.

اخطار و وعده به دوازده تن

۳۲ اما من برای تو نیایش کرده‌ام تا ایمانت کم نشود و تو چون برگشتی برادرانت را مقاوم نما. «
 ۳۳ وی به او گفت: «خداوند آماده‌ام که با تو هم به زندان و هم تا به مرگ بروم.» ۳۴ [عیسی] به او گفت: «پطرس به تو می‌گویم: امروز خروسی بانگ نخواهد زد تا اینکه تو سه بار، شناختن مرا انکار کرده باشی.»

در فوریت تجربه

۳۵ و بدیشان گفت: «وقتی شما را بدون نقدینه، خورجین و پای پوش‌ها فرستادم آیا چیزی کم داشتید؟» ۳۶ گفتند: «هیچ.» بدیشان گفت: «اما اکنون هر که نقدینه دارد، بردارد، همچنین آن که خورجین دارد و آن که دشنه ندارد ردایش را بفروشد تا یکی بخرد، ۳۷ زیرا به شما می‌گویم که آنچه نوشته شده است باید در باره من به انجام رسد و آن این است: و با بی‌قانونان شمرده شده است. زیرا آنچه در باره من است انجام می‌شود.» ۳۸ گفتند: «خداوند، اینک در اینجا دو دشنه هست.» به ایشان گفت: «کافی است.»

۲۴ اختلافی نیز در بین ایشان به وجود آمد: در میان آنها چه کسی به نظر بزرگتر می‌بود؟ ۲۵ بدیشان گفت: «پادشاهان ملت‌ها بر آنان تسلط دارند و آنان که بر ایشان اقتدار دارند مایلند نیکوکار نامیده شوند. ۲۶ در مورد شما چنین نیست، بلکه بزرگترین در بین شما باید به مانند جوان‌ترین شود و آن که رهبری می‌کند به مانند آن که خدمت می‌نماید. ۲۷ زیرا چه کسی بزرگتر است، آن که بر سر سفره است یا آن که خدمت می‌کند؟ مگر نه آن که بر سر سفره است؟ و من در میان شما هستم همچون آن که خدمت می‌کند!
 ۲۸ شما کسانی هستید که همواره در تجربه‌هایم با من مانده‌اید. ۲۹ و من ملکوتی در اختیار شما می‌نهم که پدرم در اختیار من نهاده است، ۳۰ تا بر سفره من در ملکوت من بخورید و بنوشید و برای داوری بر دوازده قبیله اسرائیل بر تخت‌ها بنشینید.

اخطار به پطرس

۳۱ ای شمعون، ای شمعون اینک شیطان شما را خوانده است تا شما را چون گندم از غربال رد کند،

۲۲:۲۴-۳۰: شاگردی حقیقی (متی ۲۰:۲۴-۲۸؛ مرقس ۱۰:۴۱-۴۵). این آیات و آیاتی که در دو بخش به دنبال آمده (۲۱:۳۱-۳۴، ۳۵-۳۸) خطاب به وداع مختصری که توسط عیسی به شاگردانش ارائه شد را تشکیل می‌دهد. ۲۵: نیکوکار، لقبی که به پادشاهان یونانی داده شده بود. ۲۷: ر.ک ۱۲:۳۷ توضیح. ۲۸-۳۰: ر.ک مت ۱۹:۲۸.

۲۲:۳۱-۳۴: پیشگویی انکار پطرس (متی ۲۶:۳۰-۳۵؛ مر ۱۴:۲۶-۳۱؛ یو ۱۳:۳۶-۳۸). ۳۱: ایوب ۱:۶-۱۲؛ عا ۹:۹. ۳۴: ر.ک آیات ۵۴-۶۲.

۲۲:۳۵-۳۸: سخنانی درباره مشکلات آینده. ۳۵: ر.ک ۱۰:۴؛ ۴:۹. ۳۶: نمونه‌ای از علاقه عیسی به استعاره‌های تکان‌دهنده، اما شاگردان آن را تحت اللفظی درک می‌کنند (آیه ۳۸). ۳۷: اش ۵۳:۱۲. ۳۸: سرزندی طنزآمیز.

نیایش در کوه زیتون

^{۳۹} و چون خارج می شد برابر عادت به کوه زیتون رفت و شاگردانش به دنبال او رفتند، ^{۴۰} چون به آنجا رسید به ایشان گفت: «نیایش کنید تا به وسوسه وارد نشوید.» ^{۴۱} و تقریباً به اندازه یک پرتاب سنگ از ایشان دور شد و زانوزد و نیایش کرده ^{۴۲} می گفت: «ای پدر، اگر تو می خواهی، این جام را از من دور بدار! با این همه نه به اراده من باشد، بلکه [اراده] خودت» انجام شود. ^{۴۳} و فرشته ای از آسمان بر او پدیدار شد که او را تقویت می کرد. ^{۴۴} و به اضطراب درآمده، با شدت بیشتر نیایش می کرد و عرقش چون قطره های خون شد که بر زمین می چکید. ^{۴۵} و از نیایش خود برخاسته، به سوی شاگردانش آمد و آنان را از اندوه به خواب رفته یافت. ^{۴۶} و به ایشان گفت: «چرا می خوابید؟ برخیزید و نیایش کنید تا در وسوسه نیفتید.»

دستگیری عیسی

^{۴۷} هنوز سخن می گفت که اینک جمعیتی و آن یهودا نام، یکی از دوازده تن پیشاپیش آنان می آمد و به عیسی نزدیک شد تا او را ببوسد. ^{۴۸} عیسی به او گفت: «ای یهودا، پسر انسان را با بوسه ای تسلیم می کنی!» ^{۴۹} کسانی که در اطراف او بودند با دیدن

آنچه روی می داد گفتند: «خداوندا آیا به دشنه بز نیم؟» ^{۵۰} و یکی از آن میان، برده کاهن اعظم را زد و گوش راستش را برید. ^{۵۱} عیسی به سخن درآمده گفت: «تا همین جا کافی است» و گوش او را لمس کرده وی را شفا داد. ^{۵۲} عیسی به کاهنان اعظم، افسران معبد و مشایخ، به آنان که علیه او آمده بودند گفت: «همچون علیه یک راهزن با دشنه ها و چماق ها بیرون آمده اید! ^{۵۳} در حالی که هر روز در معبد با شما می بودم و شما بر من دست دراز نکردید. اما اکنون ساعت شما و اقتدار تاریکی است.»

عیسی در چنگ محافظان.

انکارهای پطرس

^{۵۴} او را دستگیر کرده آوردند و به خانه کاهن اعظم هدایت کردند. پطرس از دور به دنبال می آمد. ^{۵۵} چون آتش در میان حیاط روشن کرده و با هم نشسته بودند پطرس در میان آنان نشست.

^{۵۶} کنیزی که دید او در کنار شعله نشسته است، چشمها را به او دوخته گفت: «این یکی هم با او بود!» ^{۵۷} اما او انکار کرده گفت: «ای زن، من او را نمی شناسم.» ^{۵۸} و اندکی بعد کسی دیگر او را دیده گفت: «تو هم از آنان هستی.» اما پطرس گفت: «ای مرد، من از آنان نیستم.» ^{۵۹} و تقریباً پس از گذشت

۲۲: ۳۹-۴۶: نیایش عیسی بر کوه زیتون (متی ۲۶: ۳۶-۴۶؛ مرقس ۱۴: ۳۲-۴۲؛ یوحنا ۱۸: ۱-۲).
 ۴۰: ر. ک ۴: ۱۱. ۴۲: جام، تمثیلی برای آنچه توسط خدا مقرر شده، چه برکت (مز ۱۶: ۵؛ ۱۳: ۱۱۶) و چه داوری (اش ۱۷: ۵۱؛ مراثی ۴: ۲۱). در اینجا اشاره به درد و رنج مرگ عیسی است. ۴۳-۴۴: در برخی نسخ خطی این آیات وجود ندارد، اما برای نویسندگان اولیه مسیحی قرن دوم این آیات شناخته شده بودند و نشان دهنده سنت تعمق بر درد و رنج عیسی می باشد. اینکه آیا قسمتی از متن اولیه می باشد یا نه، قابل بحث است.

۲۲: ۴۷-۵۳: خیانت یهودا و دستگیری عیسی (متی ۲۶: ۴۷-۵۶؛ مرقس ۱۴: ۴۳-۵۲؛ یو ۱۸: ۲-۱۲).
 ۵۲: اش ۵۳: ۱۲، فقط در روایت لوقا رؤسای کاهنان هم حضور مستقیم دارند.
 ۲۲: ۵۴-۶۲: انکار پطرس (متی ۲۶: ۶۹-۷۵؛ مرقس ۱۴: ۶۶-۷۲؛ یو ۱۸: ۲۵-۲۷). ۵۴-۵۵: یو ۱۸: ۱۲-۱۶. ۵۶-۶۲: یو ۱۸: ۱۶-۱۸، ۲۷-۲۸. ۶۱: ۲۲: ۳۴، جزئیات برگشت عیسی برای نگاه

ایمان نخواهید آورد.^{۶۸} و اگر از شما سؤال کنم، پاسخ نخواهید داد.^{۶۹} از این پس پسر انسان به دست راست قدرت خدا خواهد نشست.^{۷۰} همه گفتند: «پس تو هستی آن پسر خدا!» بدیشان اظهار کرد: «شما خودتان می گوئید: من هستم.»^{۷۱} گفتند: «دیگر چه نیازی به شهادت داریم؟ زیرا خود آن را از زبان او شنیده ایم.»



عیسی در برابر پیلطس

^۱ و برخاسته، همه با هم او را نزد پیلطس هدایت کردند.^۲ شروع کردند او را متهم نموده بگویند: «ما این مرد را یافته ایم که ملت ما را تحریک [فاسد] می کند و مانع از پرداخت مالیات به قیصر شده و خود را مسیح پادشاه می خواند.»^۳ پیلطس از او پرسیده گفت: «آیا تو آن پادشاه یهودیان هستی؟» در پاسخ به او اظهار کرد: «تو هستی که این را می گوئی.»^۴ پیلطس به کاهنان اعظم و جماعت گفت: «در این مرد هیچ تقصیری نمی یابم.»^۵ اما ایشان اصرار کرده

یک ساعت، دیگری با اصرار تأکید می کرد: «به راستی، این یکی هم با او بود، وانگهی جلیلی است.»^{۶۰} اما پطرس گفت: «ای مرد نمی دانم چه می گوئی.» و در همان لحظه در حالی که حرف می زد خروسی بانگ زد.^{۶۱} و خداوند روی برگردانده، به پطرس نگریست. و پطرس سخن خداوند را به یاد آورد که به او گفته بود: «امروز پیش از آنکه خروسی بانگزند تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.»^{۶۲} و بیرون رفته، به تلخی گریست.

^{۶۳} و مردانی که او را گرفته بودند وی را مسخره کرده می زدند^{۶۴} و پارچه ای براو انداخته از او پرسیده می گفتند: «پیامبری کن، چه کسی تو را زده است؟»^{۶۵} و با [کلمات] بسیار دیگری به او کفر می گفتند.

در برابر سانهدرین

^{۶۶} و چون روز فرارسید، شورای مشایخ قوم، کاهنان اعظم و کاتبان تشکیل شد و او را به سانهدرین خود هدایت کردند.^{۶۷} و گفتند: «اگر تو مسیح هستی به ما بگو.» به ایشان گفت: «اگر به شما بگویم، به آن

کردن به پطرس، فقط در لوقا نوشته شده است (۷:۱۳).

۶۵-۶۳:۲۲: تمسخر کردن عیسی (متی ۲۶:۲۶-۶۸:۲۷؛ ۳۱-الف؛ مرقس ۱۴:۶۵؛ ۱۵:۱۶-۲۰ الف) ر.ک یو ۱۸:۲۲-۲۴. صحنه این واقعه در انجیل لوقا در ترتیب روایت با سایر اناجیل نظیر متفاوت است.

۶۶-۶۳:۷۱: عیسی در برابر شورا (متی ۱۷:۱؛ ۲۶:۵۹-۶۵؛ مرقس ۱۵:۱؛ ۱۴:۵۵-۶۳؛ یو ۱۸:۱۳-۱۴:۲۳). ۶۶: شورا، یونانی: سندریون («سانهدرین»). ۶۷: این پرسش از عیسی که اگر تو مسیح هستی به ما بگو، به یکی از موارد اتهامات رؤسای یهود بر علیه عیسی در حضور پیلطس می شود، ر.ک ۲۳:۲. ۶۹: ر.ک مز ۱۱۰:۱؛ دان ۱۳:۷.

۵-۱:۲۳: عیسی در برابر پیلطس (متی ۲۷:۱-۱۴؛ مرقس ۱۵:۱-۵؛ یوحنا ۱۸:۲۸-۳۸). ۱: پیلطس، ر.ک ۱:۳ توضیح. ۲: ر.ک ۳۸:۱۹؛ ۲۵:۲۰ و نیزاع ۵:۲۴. اتهام به گونه ای مطرح شده که به نظر خیانت بیاید. ۴: ۱۴:۲۳؛ ۴۱:۲۲؛ یو ۶، ۴:۱۹؛ اع ۲۸:۱۳. پیلطس از قبول ایده های مذهبی به صورت مفهوم سیاسی خودداری می کند. در اینجا و بعداً پیلطس سعی می کند عیسی را آزاد کند اما آنها به فشار وارد کردن ادامه می دهند.

می گفتند: «مردم را تحریک می کند، در سراسر یهودیه از جلیل شروع کرده تا به اینجا آموزش می دهد.»

عیسی در برابر هیروдіس

^۶ با این سخنان پیلطس پرسید آیا این مرد جلیلی است ^۷ و چون شناخت که او زیر اقتدار هیروдіس است او را نزد هیروдіس که وی نیز در این روزها در اورشلیم می بود فرستاد. ^۸ هیروдіس با دیدن عیسی، بسیار شاد گردید زیرا از مدت ها پیش می خواست او را ببیند به سبب آنچه در باره وی می شنید و امیدوار می بود که انجام نشانه ای از او را ببیند. ^۹ پس سؤال های زیادی از او کرد اما [عیسی] به او هیچ پاسخی نداد. ^{۱۰} با این همه کاهنان اعظم و کاتبان همچنان در آنجا ایستاده او را به شدت متهم می کردند. ^{۱۱} هیروдіس با سربازانش پس از بدرفتاری و تمسخر، جامه فاخری بر او پوشانده او را نزد پیلطس باز فرستاد. ^{۱۲} و هیروдіس و پیلطس که قبلاً با یکدیگر دشمنی داشتند، همان روز با هم دوست شدند.

عیسای بی گناه و محکوم

^{۱۳} پیلطس از کاهنان اعظم و روسا و قوم دعوت کرده ^{۱۴} به ایشان گفت: «شما این انسان را به عنوان

منحرف کننده قوم نزد من آورده اید و اینک من در برابر شما از او سؤال کرده ام و در این انسان هیچ تقصیری که بدان متهم می کنید نیافته ام ^{۱۵} و نه هیروдіس نیز، زیرا او را نزد ما باز فرستاده است. و اینک هیچ چیزی از او سر نزده که مستوجب مرگ باشد. ^{۱۶} پس او را تأدیب نموده رها خواهم کرد. ^{۱۷} [...] ^{۱۸} اما ایشان همه با هم فریاد می زدند: «مرگ برای این انسان و باراباس را برایمان رها کن.» ^{۱۹} این یکی به سبب شورش پدید آمده در شهر و قتل به زندان افکنده شده بود. ^{۲۰} مجدداً پیلطس که می خواست عیسی را رها کند آنان را خطاب کرد. ^{۲۱} اما ایشان فریاد می زدند: «مصلوبش کن! مصلوبش کن!» ^{۲۲} سومین بار بدیشان گفت: «پس این مرد چه بدی کرده است؟ من هیچ چیز در او نیافته ام که تقصیری برای مرگ باشد، پس او را تأدیب نموده رها خواهم کرد.» ^{۲۳} و آنان با صدای بلند بی تابی کرده در خواست می کردند که او مصلوب شود و صدای ایشان شدیدتر می شد. ^{۲۴} و آنگاه پیلطس تصمیم گرفت که با درخواست آنان موافقت کند. ^{۲۵} آن کس را که به سبب شورش و قتل به زندان افکنده شده بود و آنان او را تقاضا می کردند، رها کرد و عیسی را به اراده ایشان تسلیم نمود.

۲۳-۶:۱۲: عیسی در برابر هیروдіس. فقط لوقا این صحنه را روایت می کند. هیروдіس آنتیپاس پسر هیروдіس کبیر (ر.ک ۱:۳ توضیح). ۸:۹:۹: اع ۴:۲۷-۲۸. ۱۱: یو ۱۹:۲-۳. ۲۳:۱۳-۱۷: اعلام پیلطس درباره بی گناهی عیسی. ۱۴: آیات ۴، ۲۲، ۴۱. ۱۶: یو ۱۹:۱۲-۱۴. [۱۷]: اضافاتی بر روایت لوقا از مر ۱۵:۶، ر.ک توضیح همان آیه در مرقس. ۲۳:۱۸-۲۵. محکومیت عیسی به مرگ (متی ۲۷:۱۵-۲۶؛ مرقس ۱۵:۶-۱۵؛ یو ۱۸:۳۹-۴۰؛ ۱۹:۱۶؛ ر.ک اع ۳:۱۳-۱۴).

در راه صلیب

^{۲۶} و چون او را هدایت می کردند کسی به نام شمعون قیروانی را که از کشتزار بازمی آمد، گرفته و صلیب را بر او نهادند تا از پشت سر عیسی حمل کند. ^{۲۷} آنبوه فراوان قوم به دنبال او بودند، هم چنین زنانی که سینه می زدند و بر او نوحه گری می کردند. ^{۲۸} عیسی به سوی آنان برگشته گفت: «ای دختران اورشلیم بر من گریه نکنید بلکه بر خودتان و فرزندانان بگریید! ^{۲۹} زیرا اینک روزهای فرامی رسند که در آن خواهند گفت: خوشا به نازایان و بطن هائی که بچه نیاورده اند و پستانهائی که شیر نداده اند! ^{۳۰} آنگاه شروع خواهند کرد به کوهها بگویند: بر ما بیفتید! و به تپه ها: ما را بپوشانید! ^{۳۱} زیرا اگر به چوب تر چنین می کنند، بر خشک چه خواهد آمد؟» ^{۳۲} دو بدکار را نیز برای اعدام با او می آوردند.

به صلیب کشیده شدن عیسی

^{۳۳} و چون به محلی مشهور به «جمجمه» رسیدند، او را در آنجا مصلوب کردند، هم چنین بدکاران را،

یکی را به راست و دیگری را به چپ. ^{۳۴} عیسی می گفت: «ای پدر، اینها را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند.» و قرعه انداخته، جامه هایش را قسمت کردند. ^{۳۵} و قوم آنجا ایستاده تماشا می کرد. رؤسا نیز او را تمسخر کرده می گفتند: «دیگران را نجات داده است، اگر مسیح خدا و آن برگزیده است، خودش را هم نجات دهد!» ^{۳۶} سربازان نیز او را تمسخر می کردند: جلو آمدند و برای او سرکه آورده ^{۳۷} می گفتند: «اگر تو پادشاه یهودیان هستی خود را نجات ده!» ^{۳۸} کنیه ای نیز بالای سرش بود: «این است پادشاه یهودیان.» ^{۳۹} یکی از بدکاران آویخته بر صلیب، به او کفر می گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات ده.» ^{۴۰} اما دیگری به سخن آمد و او را نهیب زده گفت: «حتی از خدا هم نمی ترسی، در صورتی که همان محکومیت را تحمل می کنی! ^{۴۱} برای ما عدالت است، زیرا شایسته اعمال خود دریافت می کنیم، اما او هیچ کار ناشایستی نکرده است.» ^{۴۲} و می گفت: «ای عیسی! وقتی به ملکوت خود آئی مرا به یاد آور.» ^{۴۳} و وی به او گفت: «آمین به تو می گویم: امروز با من در فردوس خواهی بود.»

۲۳:۲۶-۳۱: در راه به سوی صلیب (متی ۲۷:۳۱-۳۲؛ مرقس ۱۵:۲۰-۲۱؛ یوحنا ۱۹:۱۷ الف).
۲۶: قیروان، در لیبی. صلیب، منظور چوب افقی صلیب است. ۲۸-۳۲: ۲۱-۲۳:۲۴؛ ۱۹:۴۱-۴۴.
۳۰: شامل جملاتی برگرفته از هوشع ۸:۱۰. ۳۱: امث ۱۱:۳۱. این مثل ممکن است یا به این معنی باشد که اگر عیسای بی گناه با چنین سرنوشتی روبه رو می شود، پس سرنوشتی شوم تر در انتظار اورشلیم گناهکار خواهد بود؛ یا اینکه اگر در حضور عیسای زنده و فعال چنین اتفاقی رخ دهد، چه روی خواهد داد وقتی او دیگر حاضر نباشد، ر.ک ۱-پط ۴:۱۷-۱۸.
۲۳:۳۲: دو خطاکار با عیسی.

۲۳:۳۳-۳۸: صحنه مصلوب شدن (متی ۲۷:۳۳-۴۳؛ مرقس ۱۵:۲۲-۳۲ الف؛ یوحنا ۱۹:۱۷-۲۷).
۳۳: جمجمه، نام آرامی آن جلجلا است که در اناجیل یافت می شود. ۳۴: ر.ک اع ۷:۶۰ توضیح عبارت آخری اشاره ای است به مز ۲۲:۱۸. ۳۶: مز ۶۹:۲۱.
۲۳:۳۹-۴۳: گفتگو ما بین عیسی و دو خطاکار (متی ۲۷:۴۴؛ مرقس ۱۵:۳۲ ب). ۴۱: آیات ۴، ۱۴، ۲۲.
۴۲: درخواست دزد شاید بر اساس اتهام علیه عیسی باشد (آیات ۲، ۳، ۳۸). او بر طبق ۲۱:۲۷-۲۸ فکر می کند. عیسی به او وعده ای بیشتر از آنچه درخواست کرده می دهد و اشاره می کند که قدرت پادشاهی خدا، حقیقی کنونی است و نه فقط مربوط به آینده. ۴۳: فردوس، در اصل واژه ای برای باغ عدن (پید ۸:۱۰-۱۱) و نیز واژه ای معاصر برای محل سکونت عادلان مرده قبل از رستاخیز، ر.ک ۱۶:۲۲.

مرگ عیسی

^{۴۴} و تقریباً ساعت ششم بود و خورشید کسوف کرده تاریکی سراسر زمین را تا ساعت نهم فراگرفت. ^{۴۵} آنگاه پرده معبد از میان دو پاره شد، ^{۴۶} و عیسی با صدای بلند فریاد زده گفت: «ای پدر! روح خود را به دستهای تو می سپارم.» با گفتن این درگذشت. ^{۴۷} یوزباشی با دیدن آنچه روی داده بود خدا را تجلیل کرده می گفت: «واقعاً این مرد عادل بود!» ^{۴۸} همه جماعت که به شتاب به این صحنه آمده بودند به آنچه روی می داد نگاه می کردند و سینه زنان برمی گشتند. ^{۴۹} همه آشنایان او دور ایستاده بودند و همچنین زنانی که از جلیل به همراه او بودند و این را می دیدند.



پیام به زنان در سر قبر

(متی ۲۸: ۱-۹؛ مرقس ۱۶: ۱-۸)

^۱ و اولین روز هفته، سپیده دم، زنان گیاهان خوشبویی را که آماده کرده بودند آورده به سر قبر آمدند. ^۲ سنگ جلوی قبر را غلطیده شده یافتند. ^۳ داخل شده، جسد خداوند عیسی را نیافتند. ^۴ باری چون نمی دانستند در این باره چه فکر کنند، اینک دو مرد در جامه درخشان نزد ایشان پیش آمدند. ^۵ در حالی که ترسان، سر خود را رو به زمین خم کرده

خاکسپاری عیسی

(متی ۲۷: ۵۷-۶۱؛ مرقس ۱۵: ۴۲-۴۷)

^{۵۰} و اینک مردی به نام یوسف که عضو شورا، مردی نیکوکار و عادل می بود ^{۵۱} که با تصمیم آنان و نیز با عملشان موافقت نکرده بود، اهل رومه شهر یهودیان و در انتظار فرمانروائی خدا بود، ^{۵۲} نزد پیلاتس آمده جسد عیسی را طلبید ^{۵۳} و با پایین

۲۳:۴۴-۴۸ مرگ عیسی (مت ۲۷:۴۵-۵۴، مر ۳۳:۱۵-۳۹، یو ۱۹:۲۸-۳۰).

۴۵: خروج ۳۱:۲۶-۳۵. نور خورشید افول کرد، ترجمه مطمئن نیست. به عاموس ۸:۹ ایوب ۳۱:۲ مراجعه کنید.

۴۶: سخنان عیسی نقل قول مزمو ۶:۳۱ است.

۴۷: در زمینه انجیل لوقا، یوزباشی (به ۲۲:۷ رجوع کنید) اعلام می کند که عیسی «عادل» می باشد به جای اینکه فقط بگوید بی گناه.

۴۸: دلیل این هیجان عمومی روشن نیست (زک ۱۲:۱۰) با وجود این مقایسه کنید ۱۸:۱۳-۱۴ برای معنی احتمالی واکنش جمعیت.

۲۳:۴۹ آشنایان عیسی در پای صلیب (مت ۲۷:۵۵-۵۶، مر ۴۰:۴۱-۴۰، یو ۱۹:۲۵-۲۷) به ۲۳:۵۵، ۸:۱-۳، ۲۴:۱۰، مز ۳۸:۱۱ رجوع کنید.

۲۳:۵۰-۵۴: تدفین عیسی (متی ۲۷:۵۷-۶۰، مر ۴۲:۱۵-۴۶، یو ۱۹:۳۸-۴۲)

۵۰: شورا، ۲۲:۶۶

۵۴: روز سبت در غروب آفتاب شروع می شد، لوقا شاید با در نظر گرفتن خوانندگان غیریهودی، اشاره ای دارد به عجله در تدفین از نظر سنت یهودی.

بودند، [مردان] به آنان گفتند: «چرا آن زنده را در میان مردگان می‌جوئید؟»^۶ او در اینجا نیست بلکه قیام کرده است. به یاد آورید وقتی هنوز در جلیل بود با شما چگونه سخن می‌راند: ^۷ می‌گفت: پسر انسان بایستی به دست انسانهای گناهکار تسلیم شود و مصلوب شده سومین روز برخیزد.»^۸ و این سخنان او به یاد زنان آمد. ^۹ و از سر قبر بازآمده این همه را به یازده تن و همه [شاگردان] دیگر نوید دادند. ^{۱۰} اینان، مریم مجدلیه و یونا و مریم [مادر] یعقوب بودند. زنان دیگر نیز که با آنان بودند همین را به رسولان گفتند. ^{۱۱} اما این سخنان به نظرشان یاهو گویی می‌آمد و به اینها ایمان نمی‌آوردند. ^{۱۲} پطرس برخاسته به سوی قبر دوید و خم شده چیزی جز نوارها ندید. و در شگفت از آنچه روی داده است به خانه خویش رفت.

ظهور بر شاگردان در راه عمواس

^{۱۳} و اینک همان روز دو [تن] از بین ایشان به سوی روستایی به نام عمواس که در فاصله شصت استادی اورشلیم بود می‌رفتند. ^{۱۴} و بین خود از هر

آنچه روی داده بود صحبت می‌کردند. ^{۱۵} باری در حالی که صحبت و بحث می‌کردند، عیسی خود نزدیک شده با آنان راه می‌رفت ^{۱۶} اما چشمان ایشان از بازشناختن او منع شده بود.

^{۱۷} به آنان گفت: «چون راه می‌روید چه حرف‌هایی با هم ردوبدل می‌کنید؟» و ایشان با ترشروئی ایستادند. ^{۱۸} یکی از آنان به نام کلوپاس به سخن درآمد به او گفت: «تو واقعاً تنها غریبه‌ای در اورشلیم هستی که نمی‌داند این روزها در اینجا چه روی داده است!» ^{۱۹} و او بدیشان گفت: «چه چیزهایی؟» به او گفتند: «آنچه درباره عیسی ناصری است که در عمل و در سخن در برابر خدا و در برابر همه قوم پیامبری قادر بوده است، ^{۲۰} و نیز چگونه کاهنان اعظم و روسای ما او را تسلیم کردند تا به مرگ محکوم شود و او را مصلوب کردند. ^{۲۱} ما امید داشتیم که او همان باشد که به زودی اسرائیل را بازخیرد خواهد کرد، اما با این همه اکنون سه روز است که این چیزها روی داده است! ^{۲۲} و با این وجود چند زن از بین خودمان ما را شگفت زده کرده‌اند. چون صبح زود که بر سر قبر رفته ^{۲۳} و جسد او را

۵۶-۵۵:۲۳: زنان در تدفین (مت ۲۷:۶۱، مر ۱۵:۴۷-۱۶:۱).

۵۵: خروج ۱۶:۱۲، ۱۰:۲۰ عطریات و روغن بر جسد مالیده می‌شد به مر ۱۶:۱ و یو ۱۹:۴۰ مراجعه کنید.

۵۳-۱:۲۴: قبر خالی و رستاخیز (مت ۲۸:۱-۸، مرقس ۱۶:۱-۸، یو ۲۰:۱-۱۳، ۱۹-۲۳).

۱۲-۱:۲۴: زنان بر سر قبر (مت ۲۸:۱-۸، مر ۱۶:۱-۸، یو ۲۰:۱-۱۳).

۴: دو مرد جامه‌هایی در بر داشتند که آنها را به عنوان فرشتگان و نه انسانهای معمولی معرفی می‌نمود (به آیه ۲۳ مراجعه کنید) همینطور نیز ظاهر شدن ناگهانی آنها و آگاهی فوق بشری ایشان (آیه‌های ۵-۷).

۶: ۲۲:۹، ۳۳-۳۲:۱۳. شما، در اینجا بدین معنی است که شاگردان عیسی به عنوان گروه اغلب شامل سایر افرادی هم می‌بود به اضافه آنهایی که در دایره نزدیک به عیسی قرار داشتند.

۱۰: ۸:۱-۳، یو ۱۹:۲۵، ۲۰:۲.

۱۲: این آیه با وجودی که در برخی از نسخ خطی قدیمی نیز یافت می‌شود به نظر می‌رسد که بعدها به متن اصلی لوقا که بر اساس یو ۳:۲۰-۱۰ نوشته شده بود اضافه شده باشد.

۲۴: ۱۳-۳۵: رویداد عمواس.

۱۳: هفت مایل، یا تحت اللفظی شصت استاد. استاد تقریباً ۱۸۰ متر بوده است. محل دقیق دهکده عمواس

نیافته بودند، آمده به ما گفتند که حتی رویائی از فرشتگان دیده اند که می گفتند او زنده است.^{۲۴} برخی از ما بر سر قبر رفتند و آن را همان طور که زنان گفته بودند یافتند اما خود او را ندیدند!

^{۲۵} و او به ایشان گفت: «ای قلبهای جاهل و کند در ایمان آوردن به آنچه پیامبران گفته اند! ^{۲۶} مگر نمی بایست مسیح برای وارد شدن در شکوه خود این چنین رنج بکشید؟» ^{۲۷} و از موسی و همه پیامبران شروع کرده، در تمام نوشته های مقدس آنچه را درباره او بود برایشان تفسیر کرد.

^{۲۸} و چون به آن روستایی که به آنجا می رفتند نزدیک شدند چنین وانمود کرد که دورتر می رود. ^{۲۹} اما ایشان به زور می گفتند: «با ما بمان زیرا شامگاه نزدیک است و هم اکنون روز پایین می رود» و او وارد شد تا با آنان بماند. ^{۳۰} باری چون با آنان بر سر سفره بود، نان را گرفته، برکت داد و پاره کرده به آنان می داد. ^{۳۱} چشمانشان باز شد و او را باز شناختند... اما او از برابر ایشان ناپدید شده بود. ^{۳۲} و آنان به یکدیگر گفتند: «آیا قلبهایمان در درونمان نمی گداخت وقتی در راه با ما حرف می زد و

نوشته های مقدس را برای ما می گشود؟» ^{۳۳} و همان ساعت برخاسته به اورشلیم بازگشتند و یازده [تن] و همراهانشان را جمع شده یافتند ^{۳۴} که گفتند: «واقعاً خداوند قیام کرده و توسط شمعون دیده شده است!» ^{۳۵} و ایشان آنچه را در راه روی داده بود و اینکه چگونه با پاره کردن نان، خود را به آنان باز شناسانید تعریف کردند.

ظهور عیسی بر یازده رسول

^{۳۶} در حالی که این را می گفتند، وی در میان ایشان ایستاده به آنان گفت: «آرامش بر شما باد.» ^{۳۷} ایشان وحشت زده و ترسان، می پنداشتند که روحی را می بینند ^{۳۸} و او به ایشان گفت: «چرا پریشان هستید و چرا تردید در دلهایتان بالا گرفته است؟» ^{۳۹} دستها و پاهایم را بنگرید که من خودم هستم! مرا لمس کنید و ببینید، روح نه گوشت دارد نه استخوان، اما همان طور که می بینید من آنها را دارم.» ^{۴۰} و با گفتن این، دستها و پاهایش را به آنان نشان داد. ^{۴۱} چون در شادی خود هنوز هم ایمان نمی آوردند و شگفت زده مانده بودند، به آنان گفت:

۱۶: عدم توانایی این افراد در تشخیص دادن عیسی نمونه ای حقیقی از واکنش اولیه نسبت به عیسی در داستانهای رستاخیز است (رجوع کنید ۳۷:۲۴).

۱۹: ۱۶:۷، ۳۳:۱۳، اع ۲۲:۳، ۳۸:۱۰.

۲۶: لازم بودن به دلیل نقشه الهی خدا (به ۳۰:۷، اع ۲۳:۲، ۳۶:۱۳، ۲۷:۲۰ رجوع کنید).

۲۷: موسی نویسنده سنتی پنج کتاب اول از کتب مقدسه. انبیا قسمت عمده ای از کتب مقدسه یهودیان که چشم انداز وسیعتری دارد تا اعمال نبوتی در کتب مقدسه عبری (به ۱۶:۱۶، ۴۴:۲۴، اع ۲۳:۲۸ رجوع کنید).

۳۰: برداشت، برکت داد، پاره کرد، بازتاب اعمال عیسی در شام آخر است (۱۹:۲۲) و در تکثیر قرص های نان (۱۶:۹).

۳۴: ۱- قرن ۵: تجربه پطرس توصیف نشده است.

۳۵: پاره کردن نان، به اع ۴۲:۲، ۷:۲۰، ۱- قرن ۱۶:۱۰ مراجعه کنید.

۳۶:۲۴-۴۳: ظاهر شدنهای عیسی به شاگردانش (یو ۱۹:۲۰-۲۳ به ۱- قرن ۵:۱۵ رجوع کنید) تجربه عیسی در آیه ۳۶ تأیید شده، و در آیه ۳۷ به طور تجربی به عنوان برخوردی با مرده تفسیر شده است، اما این توضیح در آیه ۳۹ رد شده است.

«آیا در اینجا چیزی برای خوردن دارید؟»^{۴۲} آنان یک تکه ماهی کباب شده پیش وی آوردند.^{۴۳} و او آن را گرفته، در برابر آنان خورد.

^{۴۴} به ایشان گفت: «این است همان سخنانی که به شما گفتم، وقتی هنوز با شما بودم: هر آنچه در تورات موسی و پیامبران و مزامیر درباره من نوشته شده است باید به تحقق برسد.»^{۴۵} پس ادراک ایشان را گشود تا نوشته های مقدس را بفهمند.^{۴۶} و به آنان گفت: «این چنین نوشته شده است که مسیح رنج کشیده و روز سوم از میان مردگان برخاوه خاست.»^{۴۷} و به نام او توبه برای بخشایش گناهان، از اورشلیم شروع شده به همه ملت ها نوید داده خواهد شد.^{۴۸} بر اینها شما شاهد هستید.^{۴۹} و اینک من وعده پدر خود را بر شما می فرستم. پس در شهر بمانید تا هنگامی که به قدرت از بالا پوشانیده شوید.»

^{۵۰} وی آنان را تا نزدیکی بیت عنیا برد و دستها را بلند کرده آنان را برکت داد.^{۵۱} باری چون ایشان را برکت می داد از آنان جدا شده به آسمان برده شد.^{۵۲} پس ایشان در برابر او به سجده افتاده با شادی بسیار به اورشلیم بازگشتند.^{۵۳} و مدام در معبد بوده

۴۲: ماهی کباب شده به یو ۹:۲۱-۱۳ رجوع کنید.

۴۳: ۴۴-۵۳. سخنان پایانی عیسی و بازگشت به آسمان (محتویات پایان طولانی تر در مرقس. مرقس ۱۵:۱۶، ۱۹).

۴۴: آیات ۲۶-۲۷، اع ۲۸:۲۳. مزامیر تشکیل شروع آیات را می دهد و نیز بخش طولانی تر در سومین بخش از انجیل عبری به یو ۱۶:۱۶ رجوع کنید.

۴۵: ۲۴:۳۲

۴۶: هوشع ۶:۲، به ۱- قرن ۱۵:۳-۴ رجوع کنید.

۴۷: اع ۱:۴-۸، ۵:۳۱، ۱۰:۴۳، ۱۳:۳۸، ۲۶:۱۸

۴۹: قدرت از بالا، این کلمات اشاره به قدرت روح قدوس خدا است که در ایوب ۲:۲۸-۳۲ بدان اشاره شده (همچنین اعمال ۲:۱-۲۱) دوره نوین شروع شده، ولی قدرت آن هنوز به طور کامل تحقق نیافته

۵۰: بیت عنیا به ۱۹:۲۹ رجوع کنید.

۵۱: اع ۱:۹-۱۱

۵۲-۵۳: اع ۱:۱۲-۱۴، ۲:۴۶-۴۷.